

درسنامه استخدامی

زبان و ادبیات فارسی و آئین نگارش

- ✓ تدوین شده طبق موضوعات اصل سوالات آزمون های استخدامی اخیر
- ✓ نسخه رایگان شامل ۶۹ صفحه (صفحات کمتر و بدون سوال)
- ✓ برای تهیه نسخه اصلی، حاوی ۳۶۸ صفحه به همراه سوالات، به سایت ایران عرضه مراجعه نمایید.

لینک های مفید آزمون استخدامی

خرید درسنامه زبان و ادبیات فارسی و آئین نگارش	سوالات رایگان دروس عمومی با پاسخنامه
خرید سوالات زبان و ادبیات فارسی و آئین نگارش	خرید درسنامه دروس عمومی
خرید درسنامه مصاحبه	خرید سوالات مصاحبه
خرید سوالات استخدامی ۱۰ سال اخیر	شبکه های اجتماعی ایران عرضه (فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار)
(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید )	
<p>آخرین بروزرسانی های محصول:</p> <p>۱۴۰۵/۰۳/۱۰ آپدیت محتویات بسته</p> <p>۱۴۰۴/۰۳/۲۰ تالیف مجدد محصول</p>	

فهرست مطالب

❖ فصل اول: دستور زبان فارسی - صفحه ۴

قواعد پنجگانه زبان - نحو (ساختار جمله) - صرف (تغییرات فعل و اسم) - واج شناسی (آواشناسی)

❖ فصل دوم: آرایه های ادبی - صفحه ۱۲

آرایه های لفظی - آرایه های معنوی

❖ فصل سوم: قالب ها و سبک ها نظم و نثر فارسی - صفحه ۱۶

اجزا و ارکان شعر فارسی - قالب های شعر فارسی - سبک های نظم و نثر فارسی

❖ فصل چهارم: تاریخ ادبیات - صفحه ۲۶

شاعران و نویسندگان (مشاهیر ادبی) ایرانی - شاعران و نویسندگان (مشاهیر ادبی) خارجی - آثار مهم و برتر ایران - آثار مهم و برتر جهان

❖ فصل پنجم: لغات و ترکیبات - صفحه ۵۲

واژگان پرتکرار و برگزیده فارسی - واژگان هم آوا و هم نویس - کنایات، اصطلاحات و ضرب المثل ها

❖ فصل ششم: آیین نگارش و مکاتبات اداری - صفحه ۵۶

کلیات و مبانی آیین نگارش - قواعد ویرایش و نگارش - قالب بندی - سبک و لحن در مکاتبات اداری - مبانی و انواع مکاتبات اداری - نامه اداری - گزارش نویسی - اشتباهات و خطاهای رایج - اصطلاحات و عبارات رایج و مشکل زا در نامه های اداری - نمونه نامه های اداری و رسمی

این فایل، خلاصه ای از درسنامه زبان و ادبیات فارسی می باشد. در صورت تمایل به تهیه نسخه کامل آن به همراه سوالات، می توانید این محصول را از سایت ایران عرضه خریداری نمایید.

خرید محصول

❖ فصل اول: دستور زبان فارسی

دستور زبان، ستون اصلی فهم و تولید جمله های درست در فارسی است. اگر قواعد دستوری را خوب بلد باشیم، هم بهتر متن ها را میفهمیم و هم بهتر مینویسیم. بسیاری از اشتباهات نوشتاری و حتی برداشت های غلط از متن، تنها به دلیل نا آگاهی از همین قواعد پیش پا افتاده ولی مهم هستند.

<< قسمت اول: قواعد پنجگانه زبان

هر زبانی پنج دسته قاعده دارد که مانند پنج ستون اصلی، تمام ساختار زبان را نگه میدارند. این پنج قاعده، پایه دستور زبان فارسی هستند و فهمشان باعث میشود کل درسنامه زبان فارسی برای مخاطب ساده تر شود.

- قواعد واجی: قواعد واجی مربوط به صداهای زبان و شیوه درست ساخت و تلفظ آنها است. واج ها طبق الگوهای سه گانه واجی با هم ترکیب میشوند و تکواژ ها و واژه ها را میسازند.
- قواعد هم نشینی: هم نشینی یعنی اینکه کدام کلمات با هم میتوانند بیایند و کدام ها نمیتوانند. زبان اجازه میدهد بعضی ترکیب ها ساخته شوند و بعضی نه.
- قواعد نحوی: قواعد نحوی، ترتیب و نقش کلمات در جمله را مشخص میکند.
- قواعد معنایی: قواعدی که جمله های زبان فارسی را از نظر معنایی بررسی میکنند و اجازه ورود آنها به نظام زبان فارسی را میدهند. قواعد معنایی مشخص میکند کلمات با چه معنایی کنار هم می آیند.
- قواعد کاربردی (کاربردشناختی): بر نحوه تعامل و پاسخگویی به جملات تمرکز دارند و میسنجند که آیا یک جمله در پاسخ به جمله قبلی، منطقی و مرتبط است یا خیر.

قواعد	مثال درست	مثال نادرست
قواعد واجی	دار + دور	زچش + چتد
قواعد همنشینی	رشته علوم انسانی	انسانی علوم رشته
قواعد نحوی	من به مدرسه میروم	من به مدرسه میرویم
قواعد معنایی	حسین کیک میخورد	کیک حسین میخورد
قواعد کاربردی	امروز برنده شدی؟ بله، امروز اول شدم	امروز برنده شدی؟ نه آب جوش نبود

<< قسمت دوم: نحو (ساختار جمله)

«نحو» یعنی شناخت ساختار جمله و رابطه کلمات با یکدیگر. وقتی جمله فارسی را میخوانیم، ناخودآگاه دنبال این میگردیم که «چه کسی؟ چه کاری؟ برای چه کسی؟ چگونه؟» و ... قواعد نحو دقیقاً به همین پرسش ها پاسخ میدهد. نحو به ما کمک

- انواع جمله:

- + جمله خبری: جمله ای است که اطلاعاتی را به شنونده یا خواننده می‌دهد. این جملات واقعیت یا رویدادی را بیان میکنند.
- + جمله پرسشی: جمله ای که در آن، گوینده سوالی را مطرح میکند و به دنبال پاسخ است.
- + جمله امری و دعایی: جمله ای با ساختار دستوری، خواهشی یا نصیحتی که معمولاً با نقطه یا علامت تعجب خاتمه می‌یابد.
- + جمله عاطفی (تعجبی): جمله ای که بیان کننده احساسات شدید گوینده است.
- ساختار جمله و نقش اجزای آن:

هر جمله از اجزای مختلفی تشکیل شده است که بر اساس جزء استفاده شده، میتوان ۸ ساختار پایه و ساده را برای جمله ها در زبان فارسی مشخص کرد.

* نقش اجزا در جمله را میتوان به دو دسته اصلی (واجب) و وابسته (فرعی) تقسیم کرد.

- + نقش های اصلی: ستون های جمله که حذف آنها معنای جمله را ناقص میکند یا آن را از حالت دستوری خارج می‌سازد و عبارتند از: فعل - فاعل یا نهاد - منادا - مفعول - متمم - مسند
- + نقش های فرعی و وابسته: این نقش ها، اجزای اصلی گروه اسمی (هسته) را توصیف کرده یا معنای آن را محدود میکنند و شامل مواردی چون قید، صفت، مضاف‌الیه و شاخص ها هستند.
- + نقش های تبعی: نقش هایی که به تابعیت و به دنبال نقش اصلی یک کلمه دیگر می آیند و به آن وابسته اند. در زبان فارسی و در بین جملات میتوان نقش های تبعی را به ۳ دسته معطوف، بدل و تکرار دسته بندی نمود.
- جملات فعلی و اسمی: جملات در زبان فارسی بر اساس نوع فعل خود به دو دسته زیر تقسیم بندی میشوند:
- + جمله فعلی: جمله ای که فعل اصلی آن یک فعل غیرربطی (مانند خوردن، رفتن و ...) میباشد. در این جملات فعل بیان کننده کار یا حرکتی است.
- + جمله اسمی (اسنادی): جمله ای که فعل اصلیش، یک فعل ربطی باشد. این افعال کاری انجام نمیدهند، بلکه صفتی را به فاعل نسبت میدهند.

- ترتیب اجزا و روابط معنایی کلمات:

- + ترتیب اجزا: ترتیب استاندارد در جملات خبری به صورت «فاعل (نهاد) ← مفعول/متمم ← مسند ← قیدها ← فعل» است
- + روابط معنایی: در نحو، علاوه بر نقش دستوری (فاعل، مفعول)، به روابط معنایی کلمات نیز توجه میشود.

<< قسمت سوم: صرف (تغییرات فعل و اسم)

- اگر «نحو» را قانون چیدمان کلمات در جمله بدانیم، «صرف» قانون تغییر شکل و ساختار درونی واژه ها است. صرف به ما نشان میدهد که چگونه یک واژه میتواند با دریافت پیشوند، پسوند یا شناسه تغییر کند تا معنای جدیدی پیدا کند.
- افعال (زمان ها، شخص ها، وجه ها):

برای تسلط بر ساختار فعل، باید سه بعد اصلی آن را که شامل شخص و شمار (اول شخص مفرد تا سوم شخص جمع)، زمان (گذشته، حال، آینده) و وجه (نوع قصد گوینده مانند خبری، امری یا التزامی) بشناسیم.

+ شخص و شمار فعل: فعل باید از نظر شخص (اول، دوم، سوم) و شمار (مفرد یا جمع) با فاعل جمله مطابقت کند.

شخص: شخص در فعل به سه نفر تعلق دارد که این سه نفر عبارتند از متکلم، مخاطب و غایب.

شمار: در زبان فارسی شمار اشخاص در فعل به دو دسته مفرد (یک نفر) و جمع (بیش از دو نفر) تقسیم بندی میشود.

بر اساس این تقسیم بندی میتوان شناسه افعال را بر اساس شخص و شمار به صورت زیر نوشت:

شمار \ شخص	متکلم (اول شخص)	مخاطب (دوم شخص)	غایب (سوم شخص)
مفرد	رفتم (م)	رفتی (ی)	رفت
جمع	رفتیم (یم)	رفتید (ید)	رفتند (ند)

+ انواع فعل از نظر ساختمان: فعل های زبان فارسی از نظر ساختمان به چهار دسته ساده، پیشوندی، مرکب و مرکب پیشوندی تقسیم بندی میشود.

+ هر فعلی حداقل دو جزء دارد. این دو جزء پایه برای تشکیل یک فعل، بن فعل و یک شناسه میباشد.

بن ماضی: از حذف «ن» از انتهای مصدر آن فعل به دست میاید. «بیاید» ← «آمدن» ← «آمد».

بن مضارع: از حذف ب از ابتدای فعل امر سوم شخص فعل به دست میاید؛ «رفتیم» ← «برو» ← «رو».

+ زمان های فعل: فعل بر اساس زمانی که عمل در آن رخ میدهد به سه دسته اصلی زیر تقسیم بندی میشود.

۱- ماضی (گذشته): کاری که در گذشته انجام شده است و به انواع زیر میباشد

نوع فعل	ساختار
ماضی ساده (مطلق)	بن ماضی + م، ی، -، یم، ید، ند
ماضی استمراری	می + ماضی ساده
ماضی بعید	بن ماضی + ه + بودم، بودی، بود، بودیم، بودید، بودند
ماضی التزامی	بن ماضی + ه + باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند
ماضی نقلی	بن ماضی + ه + ام، ای، است، ایم، اید، آند
ماضی مستمر	داشتم، داشتی، داشت، داشتیم، داشتید، داشتند + ماضی استمراری

۲- مضارع (حال): فعلی که معمولاً زمان حال یا آینده را نشان میدهد. فعل مضارع در فارسی به چهار دسته تقسیم میشود:

نوع فعل	ساختار
مضارع ساده	«بن مضارع + شناسه (م، ی، -، یم، ید، ند)»
مضارع اخباری	«می + بن مضارع + شناسه (م، ی، -، یم، ید، ند)» - «می + مضارع ساده»
مضارع التزامی	«ب + مضارع ساده»
مضارع مستمر	«مضارع ساده داشتن (دارم، داری، دارد، داریم، دارید، دارند) + مضارع اخباری»

۳- آینده: برای بیان وقوع فعل در زمان آینده و همچنین در جمله های پیرو برای بیان جزای شرط استفاده میشود: «مضارع

ساده خواستن (خواستم، خواستی، خواست، خواستیم، خواستید، خواستند) + بن ماضی فعل اصلی».

- ۴- امر: فعلی که برای بیان دستور، فرمان و نصیحت به کسی یا خواهش از کسی به کار می‌رود و از نظر ساختار مستقل عمل میکند، ساختار آن به صورت «ب + بن مضارع» و «ب + بن مضارع + شناسه ید» میباشد.
- + انواع فعل از نظر گذرا بودن: گذرایی فعل نوع ارتباط فعل با اجزای جمله را نشان میدهد و تعیین میکند که فعل علاوه بر فاعل، به مفعول، متمم یا مسند نیاز دارد یا خیر و از این رو به دو نوع فعل گذرا یا ناگذر تقسیم بندی میشود.
- + انواع فعل از نظر معلوم و مجهول: فعل بر اساس نقش فاعل در جمله به دو نوع معلوم و مجهول تقسیم بندی میشود.
- + فعل تام و ربطی: افعال فارسی از نظر توانایی انتقال معنا به دو گروه خاص و اسنادی تقسیم میشوند.
- + فعل کامل و ناقص: دسته بندی بر اساس میزان توانایی فعل برای صرف شدن در تمام زمان ها، شخص ها و وجه ها آن را به دو دسته کامل و ناقص تقسیم میکند.
- اسم ها (ساختمان، شمار، انواع و کاربرد): اسم واژه ای است که نام اشیا، افراد، مکان ها یا مفاهیم را نشان میدهد.
- + روش های شناخت اسم:
- # حروف اضافه همواره قبل از اسم یا ضمیر می آیند.
- # حروف ندا قبل از اسم می آیند.
- # کلمه «هر» همیشه قبل از اسم می آید.
- # اسم ها پسوندهای جمع، شباهت و نکره میپذیرند.
- + اسم از نظر اشاره: بر اساس آنچه به آن اشاره میکنند به دو نوع خاص و عام تقسیم بندی میشوند.
- + اسم از نظر معنا: بر اساس قابلیت درک حسی و وجود فیزیکی به دو نوع اسم ذات و اسم معنی تقسیم بندی میشوند.
- + اسم از نظر جنسیت: بر اساس جنسیت اسم، میتوان آن را به چهار نوع خنثی، مشترک، مذکر و مونث تقسیم بندی کرد.
- + اسم از نظر شمار: از نظر تعداد واحدی که بر آن دلالت میکنند، اسم به دو نوع مفرد و جمع تقسیم بندی میشود.
- + اسم معرفه و نکره: از نظر شناخته یا ناشناخته بودن برای مخاطب، میتوان اسم را به دو نوع نکره و معرفه تقسیم کرد.
- + اسم از نظر ساختار: از نظر ساختمان و اجزای سازنده، اسم به دو نوع جامد (ساده، مرکب) و مشتق (مشتق، مشتق-مرکب) تقسیم بندی میشود.
- + اسم مصدر: مصدر، نام عمل است و اسم مصدر نیز دال بر عمل است.
- + انواع فرعی اسم: اسم ها بر اساس مفهومی که منتقل می کنند، به انواع فرعی تقسیم می شوند که عبارتند از: اسم جمع - اسم آلت - اسم صوت - اسم زمان - اسم مکان - اسم مصغر.
- + کاربرد اسم در جمله: اسم ها، هسته اصلی گروه های اسمی اند و میتوانند نقش های دستوری مختلفی از جمله نقش های اصلی و نقش های وابسته را در جمله بپذیرند.
- نقش های دستوری اسم (نهاد، مسند، مفعول و متمم): هر اسمی که در جمله قرار میگیرد، وظیفه خاصی را بر عهده دارد.
- + نهاد (فاعل/مسندالیه): انجام دهنده کار یا هسته اصلی حالت یا صفتی که فعل به او نسبت میدهد.
- + مفعول: کار بر او واقع شده و اثر فعل متعدی (گذرا) را پذیرفته است. معمولاً با نشانه «را» همراه است.
- + متمم: معنای فعل یا اجزای دیگر جمله را کامل میکند و همیشه با واسطه حرف اضافه در جمله می آید.

+ مسند: صفتی یا حالتی را به نهاد نسبت میدهد و برای تکمیل معنای فعل ربطی (اسنادی) ضروری است.

- ضمائر و کاربرد های آن در جمله:

ضمیر کلمه ای است که به جای اسم یا گروه اسمی مینشیند تا از تکرار آن جلوگیری کند. ضمائر، جانشین های اسم هستند و از نظر دستوری همان نقش هایی را که اسم ها در جمله میپذیرند، ایفا میکنند. ضمیر ها میتوانند هسته گروه اسمی باشند یا به عنوان وابسته آن به کار بروند. ضمیرها معمولاً از نظر شخص و شمار با مرجع ضمیر مطابقت دارند. در زبان فارسی ۹ نوع ضمیر وجود دارد: ضمیر شخصی - ضمیر پرسشی - ضمیر مشترک - ضمیر تعجبی - ضمیر اشاره - ضمیر مبهم - ضمیر شمارشی - ضمیر احترامی - ضمیر متقابل

+ نقش ضمیر: از آنجا که ضمیر ها جانشین اسم ها میشوند، میتوانند تمامی نقش هایی که یک اسم در جمله دارد را نیز به خود بگیرند.

- صفت ها و قیدها (انواع و نقش آن ها در جمله): در زبان فارسی، صفت و قید نقش های توصیفی و توضیحی دارند که باعث می شوند جملات شفاف تر، دقیق تر و جذاب تر شوند.

۱- صفت: واژه یا گروه واژگانی که درباره اسم توضیحی میدهد و یکی از خصوصیات اسم از قبیل حالت، مقدار، شماره را بیان میکند. از نظر معنایی میتوان صفت ها را در شش گروه بررسی کرد که برخی از آنها خود دارای تقسیم بندی مجزا هستند: صفت بیانی - صفت اشاره - صفت شمارشی - صفت پرسشی - صفت تعجبی - صفت مبهم

+ صفات بر اساس جایگاهی که نسبت موصوف دارند، در دو دسته پیشین و پسین قرار میگیرند.

۲- قید: کلمه یا گروهی از کلمه ها است که با اضافه شدن به یک جمله، کل جمله یا فعل آن، مسند، فاعل و دیگر نقش های آن را مقید و وابسته به حالتی از زمان، مکان، مقدار و ... میکند

+ دسته بندی بر اساس معنا:

نوع قید	واژگان نمونه
قید زمان	امروز، دیروز، فردا، همیشه، گاهی، شب ها، سال گذشته و ...
قید مکان	ینجا، آنجا، بالا، پایین، جلو، عقب، داخل، بیرون و ...
قید حالت	خوب، بد، آرام، سریع، با عجله و ...
قید مقدار و درجه	«خیلی، بسیار، زیاد، کم، اندکی، کاملاً، تقریباً و ...».
قید تکرار	همیشه، هرگز، گاهی، اغلب، معمولاً، چند بار و ...
قید پرسش	چطور، کجا، چرا، چه طور، کی، کدام
قید تاکید و شک	حتماً، قطعاً، شاید، احتمالاً، دقیقاً، مسلماً، حتی و ...
قید ترتیب	اول، بعد، سپس، در نهایت، آخر
قید تعجب	چه، عجب، ای کاش، ای بابا، وا، آخی و ...
قید قصد	برای، به منظور، قصد، به خاطر

+ قید از نظر ساختار: به انواع قید ساده، قید مشتق، قید مرکب، قید مشتق-مرکب، گروه قیدی، قید مؤول تقسیم بندی میشوند

+ انواع قید از نظر نشانه: بعضی قید ها دارای نشانه هستند که تشخیص آنها را آسان میکنند و برخی از قیدها نشانه ای ندارند

<< قسمت چهارم: واج شناسی (آوا شناسی)

- آواشناسی در فارسی و نقش واج ها در کلمات: آواشناسی علم بررسی صداها و واج ها است. زبان فارسی معیار دارای ۲۹ واج است که اساس ساختار صوتی و تمایز معنایی را تشکیل میدهند؛ واج ها کوچکترین واحدهای آوایی هستند که معنی را تغییر نمیدهند، اما ساختار و تلفظ کلمات را تعیین میکنند. واج ها در زبان فارسی به دو دسته مصوت ها و صامت ها تقسیم بندی می شوند:

+ مصوت ها: مصوت ها واج هایی هستند که هنگام ادای آنها، دهان کاملاً باز است و بسته نمیشود. در زبان فارسی ۶ مصوت داریم که به دو دسته کوتاه و بلند تقسیم میشوند

+ صامت ها (صداها بی صدا): صامت ها صداهایی هستند که هنگام تلفظ، جریان هوا یا محدود یا مسدود می شود. این صداها در کنار مصوت ها کلمات و جملات را می سازند. صامت های زبان فارسی عبارتند از «(ء، ع)، ب، پ، (ت، ط)، (ث، س، ص)، ج، چ، (ح، ه)، خ، د، (ذ، ز، ض، ظ)، ر، ژ، ش، (غ و ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ی»
! توجه: در زبان فارسی حروفی که صدای مشابه دارند مانند «ح» و «ه» یک واج تلقی میشوند، زیرا تلفظ آنها متفاوت نیست.
 + چند نکته درباره شمارش واج ها:

۱- های بیان حرکت یا همان های غیر ملفوظ در حکم یک مصوت کوتاه است: خانه = خ + ا + ن + (۴ واج)
 ۲- واو معدوله که در کلماتی مانند خواب، خواهر و خواستن به کار میرود، نوشته میشود ولی خوانده نمیشود، به همین دلیل در واج شماری هم محاسبه نمیشود: خواب = خ + ا + ب (۳ واج)، خواهر = خ + ا + ه + ر (۵ واج)
 + هجا و الگو های هجایی: هر کلمه ممکن است یک تا چهار بخش داشته باشد که در دستور زبان امروز، به هر یک از آن بخش ها یک هجا گفته میشود. هر هجا حداقل دو واج دارد که واج اول حتماً یک صامت و واج دوم حتماً یک مصوت است. هر هجا بیش از یک مصوت ندارد.

- تکواژ و واژه:

۱- تکواژ: وقتی چند واج در کنار همدیگر قرار میگیرند، یک تکواژ ساخته میشود که دارای نقش دستوری مستقل اند ولی به تنهایی معنایی ندارند و حتماً باید در کنار دیگر کلمه ها معنا پیدا کنند. تکواژها به دو دسته آزاد و وابسته تقسیم میشوند:
 + تکواژ آزاد: تکواژی که تکیه دارد و میتواند مانند واژه های مستقل دیگر به کار رود. تکواژ آزاد به دو شاخه دستوری و قاموسی تقسیم میشود.

+ تکواژ وابسته: تکواژی که معنای مستقل در جمله ندارد و به تنهایی یک واژه به شمار نمیآید. این تکواژها استقلال معنایی، دستوری، املایی و آوایی ندارند و همیشه جایگاه دستوری، آوایی و معنایی خودشان را پس از پیوند با تکواژهای دیگر میسازند.
 ۲- واژه: واژه یا کلمه از یک یا چند تکواژ درست میشود که دارای معنا نیز میباشد. تفاوت واژه با تکواژ در این است که واژه ها را میتوانیم به اجزای کوچکتری تقسیم کنیم اما تکواژها قابل تقسیم شدن به اجزای کوچکتر نیستند.

- تفاوت تلفظ ها و قواعد هم صدایی:

وقتی واج ها در زنجیره گفتار کنار هم قرار میگیرند، به دلیل تأثیر محیط آوایی (مجاورت واج ها)، تغییراتی در تولید آن ها رخ میدهد تا تلفظ آسان تر شود. به این تغییرات «فرآیندهای واجی» میگوییم. از جمله آنها داریم:

+ همگونی (همانندی): هر گاه دو واج کنار هم قرار گیرند و یکی از ویژگی های تولیدی خود (همچون محل تولید) را به دیگران بدهد تا شبیه هم شوند، همگونی رخ داده است.

+ ناهمگونی: گاهی واج ها برای اینکه از هم متمایز شوند و تلفظ شان از حالت یکنواختی خارج شود، از هم فاصله میگیرند و ویژگی هایشان متفاوت میشود.

+ قلب یا جابجایی: در تلفظ عامیانه برخی از کلمات، جای دو واج در کلمه با هم عوض میشود بدون اینکه واجی حذف یا اضافه شود.

+ حذف واج: در گفتار روزمره برای سرعت بخشیدن به گفتار، گاهی یک واج یا حتی یک هجا حذف میشود.

+ افزایش یا اضافه: گاهی هنگام تلفظ یا ترکیب دو جزء کلمه، یک واج افزوده میشود.

+ ابدال: هرگاه تغییر واج در هیچیک از موارد بالا (که دلیل فیزیکی و آوایی مشخص دارند) ننگند، آن را «ابدال» مینامیم.

+ کلمات هم آوا و نقش قواعد نقطه گذاری: کلمات هم آوا کلماتی هستند که تلفظ یکسان دارند، اما نویسه متفاوت (مثل

ثواب و صواب) یا معنای متفاوت (گور به معنی قبر و گورخر) دارند. آواشناسی به ما کمک میکند تا صرفاً بر تلفظ (واج ها)

تمرکز کنیم، اما در نگارش، باید به نویسه صحیح (املا) توجه کنیم. تشخیص این کلمات در گفتار تنها از طریق بافت جمله یا

کلمات همنشین آنها ممکن است. به عنوان مثال «حیات مدرسه بزرگ است» در مقابل «حیات جاویدان» را داریم که در آن

تلفظ در هر دو حالت یکی است، اما همنشینی با «مدرسه» یا «جاویدان» معنا را روشن میکند.

❖ فصل دوم: آرایه های ادبی

< قسمت اول: آرایه های لفظی

آرایه های لفظی (بدیع لفظی)، هنر بازی با «آواها» و «ظاهر کلمات» هستند. هدف اصلی در آرایه های لفظی، ایجاد «موسیقی کلام» است. این موسیقی میتواند از تکرار یک حرف ساده (واج آرایی) شروع شده و تا شباهت کامل دو کلمه در تلفظ (جناس) پیش برود.

- واج آرایی: وقتی تکرار یک یا چند صامت یا مصوت بیش از حد معمول در بخشی شعر رخ دهد، به گونه ای که آن را خوش آهنگ کند، به آن واج آرایی یا نغمه حروف میگوییم. در مورد واج آرایی و کاربرد آن لازم است به نکته های زیر توجه داشته باشید.

در بیت زیر با تکرار شاعرانه صامت های «خ» و «ز»، صدای خرد شدن برگ های پاییزی در ذهن مخاطب تداعی میشود.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است *** باد خنک از جانب خوارزم وزان است

- سجع: سجع، آوردن واژه های هم وزن و هم قافیه یا یکی از این ها در یک نثر یا یک شعر است. این واژه های هم وزن و هم قافیه در هرجایی از نثر یا متن که به کار بروند، سجع هستند اما در شعر، تنها در صورتی سجع هستند که در انتهای مصراع قرار نگرفته باشند، زیرا در آن صورت، قافیه یا ردیف هستند. به عنوان مثال در بیت زیر، واژه های «عَرَب» و «طَرَب» که هم وزن و هم قافیه هستند، سجع برقرار است:

اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب *** گر ذوق نیست تو را کژ طبع جانوری (سعدی)

سجع ها متناسب با اینکه تعداد و کیفیت هجاهایشان چگونه باشد یا چگونه در چند جمله به کار رفته باشند، به انواعی تقسیم میشوند: سجع متوازی، سجع مطَّرف، سجع متوازن.

- آرایه تکرار، موازنه و ترصیع:

+ آرایه تکرار: آوردن واژه هایی با ظاهر و معنای کاملاً یکسان در شعر یا نثر ادبی که باعث خوش آهنگ تر شدن کلام میشود. در بیت زیر از «سعدی» واژه های «خاک» و «بیشتر» تکرار شده اند:

گفتی ز خاک بیشترند اهل عشق من *** از خاک بیشتر نه که از خاک کمتریم

+ موازنه: به کار بردن واژه های هم وزن با هم در دو یا چند جمله به صورت قرینه. به بیانی دیگر موازنه یعنی کلمات دو مصراع یا جمله، دقیقاً «یک به یک» در برابر هم قرار بگیرند و با هم «هم وزن» باشند (اما لزوماً هم قافیه نیستند).

۱- «الهی دستم گیر که دست آویز ندارم، و عذرم بپذیر که پای گریز ندارم.»: دستم و عذرم / گیر و بپذیر / دست و پای / آویز و گریز

+ ترصیع: استفاده از واژه های هم قافیه و هم وزن با هم در حداقل دو جمله به صورت قرینه.

مرگ بی مرگی بود ما را حلال *** برگ بی برگی بود ما را نوال (مولانا)

- جناس (جناس کامل و ناقص): جناس آوردن واژه هایی با ظاهر کاملاً یکسان یا با تفاوت هایی جزئی، و معنای متفاوت در یک بیت یا جمله است. در این بیت از خیام، «گور» اول همان گورخر و «گور» دوم به معنی قبر میباشد.

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر *** دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟

جناس به انواع جناس تام، جناس لفظی، جناس ناقص، جناس مرکب و جناس قلب (عکس) تقسیم بندی میشود.

<< قسمت دوم: آرایه های معنوی

- گروه اول (صور خیال): تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه

+ تشبیه: از آرایه های ادبی معنوی که همانندی میان دو چیز را بیان میکند؛ به بیانی دیگر در تشبیه، شاعر یا نویسنده ادعا میکند که یک فرد، شی یا پدیده، در یک صفت یا ویژگی خاص، به فرد، شی یا پدیده دیگری شبیه است. ساختمان تشبیه از چهار بخش تشکیل شده است: مُشَبَّه، مُشَبَّه به، وجه شَبَه و اَدَاتِ تشبیه. در آرایه تشبیه، مشبه و مشبه‌به هیچگاه قابل حذف نیستن اما دو رکن دیگر میتوانند از ساختار تشبیه حذف شوند. بر اساس اینکه کدام رکن حذف شده، ۴ نوع تشبیه مرسل، موکد، مجمل و بلیغ به وجود می آید

+ استعاره: به کار بردن یک واژه در غیر معنای حقیقی خودش، آنهم به دلیل شباهت زیادی که با معنای اصلی دارد. استعاره در واقع یک «تشبیه کوتاه شده» است و با حذف یکی از دو رکن اصلی «مشبه» یا «مشبه به» به دست می‌آید. بر اساس اینکه کدام یک از طرفین تشبیه حذف شده باشند، استعاره به دو دسته استعاره مصرحه و استعاره مکنیه تقسیم میشود

+ مجاز: استفاده از واژه هایی با معنای غیرواقعی آن‌ها در شعر یا نثر و به کار بردن واژه ای در غیر معنای اصلی اش، به شرطی که بین معنای اصلی و معنای ثانویه، یک ارتباط وجود داشته باشد.

+ کنایه: به کارگیری جمله یا عبارتی با دو معنی دور و نزدیک که فقط معنای دور آن درست باشد. معنای نزدیک (حقیقی) مفهومی است که میتوان آن را باور کرد، اما معنای دور (کنایه ای) مقصود اصلی نویسنده است و ارتباط نزدیکی با عبارت ندارد. به بیانی دیگر کنایه بیان مطلبی و دریافت مطلبی دیگر از طریق فهم معنی نهفته آن میباشد.

- گروه دوم (روابط کلمات): مراعات نظیر، تناسب، تلمیح و تضمین:

+ مراعات النظیر و تناسب: در اصطلاح بدیع، آن حالتی است که در نظم و نثر کلماتی نظیر همدیگر آورده شوند و به نوعی همدیگر را تداعی کنند. بدین معنی که میان کلمات از نظر مشابَهت، ملازمت و هم جنس بودن یا مانند آنها، ارتباط و تناسبی موجود باشد. از نظر صاحب نظران دنیای ادبیات، دو صنعت ادبی مراعات النظیر و تناسب، مجزا از یکدیگر هستند؛ بدین صورت که معمولا اگر هماهنگی و تناسب میان دو کلمه بود، آنگاه آرایه موجود، آرایه تناسب است اما در صورتی که تناسب موجود میان سه کلمه یا بیشتر برقرار بود، میتوان گفت که آرایه مراعات النظیر میان آنها برقرار است.

+ تلمیح: هنگامی رخ میدهد که شاعر یا نویسنده در شعر یا متن خود به داستان، ضرب المثل، آیه ای از قرآن، احادیث و ... معروف اشاره کند یا اصطلاحات رایج علمی را بیاورد. حافظ در «یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور» تلمیح و اشاره ای به داستان حضرت یوسف در قرآن میکند.

+ تضمین: اگر شاعر یا نویسنده ای، در میان شعر یا نثر ادبی خود، کل یا بخشی از شعر، حدیث، آیه و ... را بیاورد، از آرایه تضمین استفاده کرده. آرایه تضمین بر اساس ظاهر شدن یا نشدن در متن، به دو دسته تضمین آشکار و تضمین پنهان تقسیم میشود.

- گروه سوم (تضادها): تضاد و پارادوکس (متناقض نما):

+ تضاد (طباق): آوردن واژه هایی با معنای متضاد در یک بیت یا جمله ادبی را تضاد یا طباق مینامند. اینکار باعث ایجاد تداعی معنایی در ذهن مخاطب و بالا رفتن ارزش هنری سخن میشود. آرایه تضاد انواع مختلفی از جمله معنایی، دو سویه، واژگانی، مکانی و ... دارد

+ پارادوکس (متناقض نما): اگر شاعر یا نویسنده در سخن خود دو مفهومی که جمع آن ها با یکدیگر، محال است را بیاورد و جمع ببندد، آرایه پارادوکس یا متناقض نما ساخته است. در این آرایه، دو کلمه که هر یک به شکل جداگانه، متضاد همدیگر هستند، وقتی در یک ترکیب قرار میگیرند مفهومی میسازند که در دنیای واقعی غیرممکن است اما در عین حال، موجب زیبایی ادبی و هنری میشود.

- گروه چهارم (ظرافت های معنایی): ایهام، حسن تعلیل، اغراق و حس آمیزی:

+ ایهام: در ایهام شاعر یا نویسنده، در اثر خود از کلمه ای استفاده میکند که دارای دو معنی متفاوت باشد. به این صورت که یکی از معانی آن نزدیک به ذهن و معنی دیگر آن دور از ذهن باشد. در این حالت، مخاطب با خواندن آن کلمه، ابتدا معنی نزدیک را دریافت می کند اما سپس با کمی کوشش ذهنی به معنی دور آن نیز پی می برد.

+ حسن تعلیل: یعنی شاعر برای قانع کردن خواننده از دلایل خیال انگیز و شاعرانه، اما غیر واقعی استفاده میکند. این علت سازی عموماً مبتنی بر تشبیه است و هنر آن زشت یا زیبا نمودن چیزی است، به بیان دیگر همین که علت یک رویداد بی منطق و غیر واقعی باشد، میتوان گفت که در آن از حسن تعلیل استفاده شده

+ اغراق: آرایه ای معنوی که در آن افراط و زیاده روی در مدح یا نکوهش کسی یا چیزی دیده میشود. پس هر گاه شاعر یا نویسنده، مطلب یا موضوعی را طوری بزرگنمایی کند که مفهومی غیر منطقی، منطقی به نظر بیاید و خواننده و شنونده، مفهوم بزرگ نمایی شده را علیرغم ظاهر غیر منطقی متن برداشت کند؛ با آرایه اغراق روبرو هستیم.

+ حس آمیزی: از ترکیب چند حس از حواس پنج گانه انسان با یکدیگر یا ترکیب حواس انسان با امور انتزاعی غیرقابل حس ساخته میشود. اگر بگوییم «خیال تلخ» و یا «صدای خشک» از حس آمیزی استفاده شده. از نظر ساختار و نوع حواسی که با هم ترکیب میشوند، حس آمیزی به انواع ترکیبی و غیرترکیبی، حس-حسی و حس-انتزاعی تقسیم میشوند.

- گروه پنجم (ساختارهای خاص): لف و نشر و اسلوب معادله:

+ لف و نشر: لف و نشر نیز در جایی وجود دارد که شاعر در مصراع از شعر، یک یا چند کلمه را میاورد و در مصراع یا بیت بعدی، در توضیح این کلمه یا کلمات، واژه های مرتبطی را میاورد. بیت زیر را در نظر بگیرید:

«با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است *** ما را فراغت نیست که جمشید جم نداشت» (فرخی یزدی)

بین واژه های «جیب و مال» و «جام و می» لف و نشر وجود دارد.

+ اسلوب معادله: هر گاه شاعر دو مصراع به ظاهر بیگانه را که به لحاظ معنایی کاملاً یکسان بوده و به لحاظ دستوری کاملاً مجزا و مستقل اند، در کنار هم قرار دهد به طوریکه مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول باشد و بتوان جای دو مصراع را با هم عوض کرد یا میان آنها علامت مساوی (=) گذاشت، آرایه حاصل از این کار را اسلوب معادله گویند.



❖ فصل سوم: قالب ها و سبک ها نظم و نثر فارسی

<< قسمت اول: اجزا و ارکان شعر فارسی

- شعر چیست: ساده ترین و درعین حال دقیق ترین تعریف چنین است که «شعر، کلامی است خیال انگیز، احساسی و لزوماً آهنگین». این آهنگ یا موسیقی است که مهمترین رمز میان شعر و نثر را مشخص میکند. نثر، زبان روزمره و عادی ماست؛ اما شعر با نظم خاصی از کلمات، هجاها و آواها سروکار دارد که احساس و خیال را به شکلی مؤثرتر منتقل میکند. حال با درک شعر و تفاوت آن با نثر، در ادامه این اجزا را یک به یک بررسی میکنیم.

+ مصراع: کوچکترین بخش ظاهری شعر که به تنهایی معنای کاملی ندارد، مگر آنکه شاعر عمداً آن را کامل سروده باشد.
+ بیت: کوچکترین واحد کامل و معنادار در شعر سنتی فارسی. هر بیت از دو بخش مساوی یا همان مصراع ها تشکیل میشود.

+ قافیه: واژه هایی با حروف انتهایی مشترک که در آخر مصراع های یک شعر دیده میشوند. نحوه قرارگیری قافیه با توجه به قالب استفاده شده، متفاوت است. وجود قافیه در تمام قالب های شعر فارسی به جز شعر نو، الزامی است
+ ردیف: حال اگر کلمات تکرار شونده تماماً یکسان باشند، با ردیف مواجه هستیم؛ ردیف به واژه یا واژه هایی اشاره دارد که به صورت مکرر، عیناً و بدون هیچ تغییری در آخر مصراع ها یا بیت های شعر و پس از قافیه میآیند. ردیف همواره بعد از قافیه و در انتهای مصراع می آید. پس چنانچه عبارت عیناً تکرار شده در انتهای مصراع یا بیت نباشد، ردیف تلقی نمیشود.
+ وزن شعر: وزن شعر معیاری کمی است و یک مصراع را از نظر چینش هجاهای کوتاه و بلندش منظم میکند. این وزن مربوط به شعر است و به یک مصراع و در نهایت به کل بیت و شعر، نظم آهنگین میبخشد.

<< قسمت دوم: قالب های شعر فارسی

- قالب شعری: به شکل و ساختمان شعر گفته میشود و در شعر کلاسیک فارسی، شکل و ساختمان ظاهری است که قافیه به شعر میبخشد. طول هر مصراع، چیدمان هجاهای هر مصراع، تعداد بیت ها، آرایش مصراع ها، قافیه آرایی آنها و حتی حس انتقالی شاعر به خواننده، از دیگر عامل های تعیین کننده قالب ظاهری شعر هستند.

- عوامل تعیین کننده قالب های شعری: عواملی که مهمترین و آشکارترین تاثیر را در نوع قالب استفاده شده دارند، عبارتند از قافیه آرایی و وزن شعر. البته علاوه بر اینها، موضوع و مفهوم شعر و تعداد ابیات نیز در تعیین آن تاثیر بسزایی دارند. با در نظر گرفتن این توصیفات، به بررسی قالب های شعری میپردازیم

- مثنوی: قدیمیترین و پرکاربردترین قالب شعر فارسی که ریشه آن به قرون ۳ و ۴ قمری بازمیگردد. مهمترین ویژگی آن، قافیهی مستقل هر بیت است؛ یعنی دو مصراع هر بیت با یکدیگر هم قافیه اند و این قافیه از بیتی به بیت دیگر تغییر میکند که به شاعر آزادی چشمگیری میدهد تا بدون نگرانی از محدودیت قافیه، به سرایش داستان های بلند بپردازد.

+ ویژگی های اصلی قالب مثنوی:

قافیه: در هر بیت مستقل است که مهم ترین معیار برای تشخیص مثنوی از دیگر قالب هاست.

تعداد ابیات: حداقل ابیات مثنوی ۲ بیت است، اما حداکثری برای آن وجود ندارد. معمولاً ۲ تا ۵ هزار بیت و حتی بیشتر دارند.

+ موضوعات رایج: در مثنوی، موضوعات بسیار متنوعی دیده میشود ولی از مهمترین آنها میتوان به داستان های حماسی، تاریخی، عاشقانه، بزمی، اخلاقی، تعلیمی و عارفانه اشاره کرد

- غزل: از رایج ترین و محبوب ترین قالب های شعر فارسی است که هم در ادبیات کهن کاربرد فراوان داشته و هم امروزه شاعران معاصر از آن استفاده میکنند. این قالب در قرن ۶ هجری به وجود آمد و در واقع همان بخش «تغزل» قصیده بود که به مرور استقلال یافت.

+ ویژگی های اصلی غزل:

قافیه: هم قافیه بودن مصراع اول مطلع با تمام مصراع های زوج.

تعداد ابیات: معمولاً بین ۵ تا ۱۲ بیت، اما گاهی تا ۱۵ و ۱۶ بیت نیز سروده میشوند. به کمتر از ۵ بیت معمولاً نام غزل داده نمیشود.

+ موضوعات رایج: غزل بیش از هر قالب دیگری با احساس، تجربه های درونی و بیان عاطفه ارتباط دارد. موضوع اصلی و سنتی غزل، عشق است، اما گاهی برای بیان پندهای اخلاقی و عرفانی یا نکته های اجتماعی نیز به کار می رود. در یک غزل ممکن است تنوع مطلب وجود داشته باشد. مجموعه موضوعات دیده شده در غزل شامل: عشق (زمینی و عرفانی)، احساسات شخصی، عرفان، فلسفه، مسائل اجتماعی، اخلاق، ایثار و حق طلبی است..

+ مشهورترین غزل سرايان ادب فارسی: حافظ، سعدی، مولانا (مولوی)، صائب تبریزی، عراقی، فرخی سیستانی، وحشی بافقی، رهی معیری و شهریار.

- قصیده: از قدیمترین قالب های شعر فارسی که در قرن ۳ ه.ق پدید آمد و در قرن ۶ به اوج شکوفایی خود رسید. ریشه در شعر عرب دارد و به معنای «مقصود و هدف» است. قصیده توانایی شاعر را در پرداخت مفصل یک موضوع نشان میدهد..

+ ویژگی های اصلی قالب قصیده:

قافیه: هم قافیه بودن مصراع اول مطلع با تمام مصراع های زوج.

تعداد ابیات: قصیده معمولاً بین ۲۰ تا ۷۰ یا ۸۰ بیت دارد، اما گاهی قصیده هایی با ۱۵ بیت و همچنین با بیش از ۱۵۰ بیت نیز سروده شده اند. تعداد ابیات قصیده به اهمیت موضوع، قدرت طبع شاعر و نوع قافیه و وزن بستگی دارد.

+ موضوعات رایج: قصیده برای موضوعات متنوعی به کار میرود؛ از جمله مدح شاهان و بزرگان، رثا و مرثیه، تبریک جشن و عید، توصیف طبیعت، وصف پیروزی در جنگ ها، پند و اندرز، مباحث اخلاقی، اجتماعی، عرفانی و مذهبی. انواع قصیده شامل: مدحی، مذهبی و فلسفی، اخلاقی و زهدی و سیاسی و اجتماعی است.

+ مشهورترین قصیده سرايان مدیحه گو: رودکی (پدر قصیده سرایی فارسی)، منوچهری دامغانی، فرخی سیستانی، عنصری بلخی، انوری ابیوردی، خاقانی شروانی. از دیگر بزرگان قصیده میتوان به ناصر خسرو (قصاید حکمی)، سنایی و مسعود سعد سلمان اشاره کرد

- قطعه: از قالب های کهن شعر فارسی که از آغاز شعر فارسی رواج داشته است. قطعه در لغت به معنای «پاره» یا «بخشی از یک کل» است و در اصطلاح ادبی، مجموعه ابیاتی است بر یک وزن و قافیه که از آغاز تا انجام به یکدیگر مربوط بوده و درباره یک موضوع مشخص سروده شده اند

+ ویژگی های اصلی قالب قطعه:

قافیه: فقط مصراع های زوج هم قافیه هستند.

تعداد ابیات: قطعه حداقل ۲ بیت دارد و معمولاً بین ۲ تا ۱۵ یا ۱۶ بیت است، اما گاهی قطعه هایی با ۴۰ تا ۵۰ بیت و حتی بیش از آن نیز سروده شده اند.

+ موضوعات رایج: قطعه بیشتر برای بیان موضوعات اخلاقی و تعلیمی، پند و اندرز، مدح، هجو، تهنیت و تعزیت، مناظره، نامه نگاری و داستان های پندآموز به کار میرود. برخی شاعران از قطعه برای بیان داستان های کوتاه اخلاقی استفاده میکنند.

+ مشهورترین قطعه سرایان فارسی: انوری ابیوردی، ابن یمین فریومدی، پروین اعتصامی (با قطعات مناظره ای و اجتماعی)، خاقانی شروانی، ایرج میرزا و سنایی غزنوی.

- ترجیع بند: ترجیع بند قالبی آهنگین و کهن در شعر فارسی است که نام خود را از «ترجیع» به معنای «برگرداندن و تکرار کردن» گرفته است و اشاره به بیت تکراری میان بخش های شعر دارد. این قالب از زمان فرخی سیستانی (قرن ۴ و ۵ ه.ق) رواج داشته است..

+ ویژگی های اصلی قالب ترجیع بند:

قافیه: قافیه هر خانه مشابه غزل و به صورت مصراع اول و مصراع های زوج میباشد. در بند ها، هر دو مصراع هم قافیه اند.

تعداد ابیات: هر خانه معمولاً بین ۵ تا ۲۵ بیت (گاه کمتر یا بیشتر) دارد. تعداد خانه ها متغیر است و محدودیت دقیقی ندارد.

+ موضوعات رایج: در ترجیع بند اغلب مضامین عارفانه، عاشقانه، مدح، منقبت و احساسات عمیق بیان میشود. تکرار بیت ترجیع، این قالب را برای بیان مفاهیمی که نیاز به تأکید دارند و نیز برای ایجاد حالتی از شور و جذبه بسیار مناسب ساخته است.

+ مشهورترین ترجیع بندها و سرایندگان: فرخی سیستانی (از نخستین ترجیع بندسرایان)، سعدی شیرازی (ترجیع بند معروف با مضامین عاشقانه و وطنی)، هاتف اصفهانی (ترجیع بند عارفانه بلند با بیت ترجیع «که یکی هست و هیچ نیست جز او / وحده لا اله الا هو») از دیگر سرایندگان: مولانا و جامی و در دوره معاصر سید حسن حسینی.

- ترکیب بند: یکی از قالب های شعری فارسی است که مشابه با ترجیع بند بوده و از چند دسته از بیت های هم قافیه که با بیت های بند به هم متصل شده اند، ساخته میشود.

+ ویژگی های اصلی قالب ترکیب بند:

قافیه: قافیه در هر خانه مشابه غزل و به صورت مصراع اول و مصراع های زوج میباشد. دو مصراع هر بند هم قافیه اند ولی هر بند با دیگری متفاوت است.

تعداد ابیات: هر خانه معمولاً بین ۵ تا ۱۰ بیت دارد. تعداد خانه ها متغیر است و محدودیت دقیقی ندارد. بلندترین ترکیب بند فارسی در شرح واقعه کربلا و در ۴ هزار بیت سروده شده.

+ موضوعات رایج: ترکیب بند برای مضامین متنوعی از جمله مرثیه (به ویژه سوگ های مذهبی)، مدح، وصف، عشق، عرفان و مضامین دینی به کار میرود. به دلیل بیت های رابط متغیر، این قالب برای روایت داستان های بلند و بیان اندیشه های فلسفی پیچیده نیز بسیار مناسب است.

+ مشهورترین ترکیب بندها و سرایندگان: محتشم کاشانی (مشهورترین ترکیب بند سرا)، وحشی بافقی، جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، از دیگر سرایندگان: کمال الدین اسماعیل اصفهانی، قآنی شیرازی و فدایی مازندرانی.

- رباعی: از اصیل ترین قالب های شعر فارسی که ریشه در ادبیات شفاهی و فہلویات پیش از اسلام دارد. در قرن ۳ ه. ق رواج یافت و در قرن های ۶ و ۷ به اوج رسید. این قالب کاملاً ایرانی بوده و از شعر عرب وام گرفته نشده، بلکه از فارسی به عربی راه یافته.

+ ویژگی های اصلی قالب رباعی:

قافیه: مصراع های اول، دوم و چهارم هم قافیه اند. هم قافیه بودن مصراع سوم اختیاری است.

تعداد ابیات: همواره ۲ بیت.

+ موضوعات رایج: رباعی از نظر موضوع به سه دسته اصلی تقسیم میشود: رباعی عاشقانه (رباعیات رودکی)، رباعی صوفیانه و عارفانه (رباعیات عطار، مولوی و ابوسعید ابوالخیر) و رباعی فلسفی (رباعیات خیام). همچنین موضوعات فرعی مانند مدح، مسائل اجتماعی و سیاسی، مرثیه و هجو نیز در رباعی دیده میشود.

+ مشہورترین رباعی سرایان: خیام نیشابوری (بزرگترین رباعی سرای تاریخ)، رودکی و شہید بلخی (از نخستین رباعی سرایان)، عطار نیشابوری (صاحب رباعیات «مختارنامه») و از دیگر سرایندگان: ابوسعید ابوالخیر، باباافضل کاشانی، سنایی غزنوی و اوحالدین کرمانی.

- دوبیتی: از کهن ترین و مردمی ترین قالب های شعر فارسی که ریشه در ادبیات شفاهی و فہلویات دارد. این قالب در میان عامه مردم رواجی چشمگیر داشته و گوینده بسیاری از دوبیتی ها ناشناس باقی مانده است.

+ ویژگی های اصلی قالب دوبیتی:

قافیه: مصراع های اول، دوم و چهارم هم قافیه اند و در موارد اندکی هر چهار مصراع هم قافیه اند.

تعداد ابیات: ۲ بیت (۴ مصراع).

+ موضوعات رایج: عشق، عرفان، هجران، غربت، مرثیه، شکایت از ظلم، اشاره های تاریخی، مسائل مربوط به چوپانی و ساربان و مسائل اجتماعی و سیاسی

+ مشہورترین دوبیتی سرایان: باباطاهر عریان (مشہورترین دوبیتی سرا)، فائز دشتستانی، از دیگر سرایندگان: بندار رازی، پورفریدون، شرفشاه گیلانی، شمس مغربی. در دوره معاصر: سید حسن حسینی و قیصر امین پور با مضامین تازه در دوبیتی طبع آزمایی کرده اند.

- چهارپاره: قالبی نسبتاً نوظهور در شعر فارسی که پس از انقلاب مشروطه رواج یافت. این قالب را میتوان پلی میان شعر سنتی و شعر نو دانست. چهارپاره از چند بند (پاره) تشکیل میشود که هر بند ۲ بیت (۴ مصراع) دارد. وزن تمام بندها یکسان است، اما قافیه هر بند مستقل و متفاوت با بندهای دیگر است. در هر بند، مصراع های زوج با یکدیگر هم قافیه اند و مصراع های فرد معمولاً بی قافیه اند.

+ ویژگی های اصلی قالب چهارپاره:

قافیه: در هر بند، مصراع های زوج هم قافیه اند و این قافیه در بند بعدی تغییر میکند. همین آزادی در انتخاب قافیه، چهارپاره را به قالبی منعطف تبدیل کرده و شاعر را از محدودیت یک قافیه در کل شعر (مانند غزل و قصیده) رها میسازد.

تعداد بندها: محدودیتی برای تعداد بندها وجود ندارد و شاعر میتواند بنا به نیاز، شعر را کوتاه یا بلند بسراید.

+ موضوعات رایج: چهارپاره در آغاز (دوره مشروطه) برای بیان مضامین اجتماعی، سیاسی، اعتراضی و نقد حکومت به کار میرفت. رفته رفته با نزدیک شدن به دوران معاصر، مضامین عاطفی، عاشقانه و شخصی نیز در آن راه یافت.

+ مشهورترین چهارپاره سرایان: ملک الشعرای بهار، فریدون توللی و فریدون مشیری، فروغ فرخزاد و هوشنگ ابتهاج (سایه). از دیگر سرایندگان: جعفر خامنه ای تبریزی (نخستین سراینده)، حمیدی شیرازی، پرویز ناتل خانلری، گلچین گیلانی، نادر نادرپور، اسلامی ندوشن و امید صباغ نو.

- مسمط: از قالب های آهنگین شعر که بنیان گذار آن منوچهری دامغانی، به شمار میرود. مسمط از چند بخش مساوی تشکیل شده که هر بخش را یک «لَخت» مینامند. در هر رشته، همه مصراع ها به جز مصراع آخر با یکدیگر هم قافیه اند و مصراع آخر هر رشته، با مصراع آخر سایر رشته ها با یکدیگر هم قافیه اند که به آن «بند» میگویند. بندها حلقه اتصال همه رشته ها به یکدیگرند.

+ ویژگی های اصلی قالب مسمط:

قافیه: در هر رشته، قافیه مستقل و متفاوتی به کار میرود، اما بندها هم قافیه و تکراری هستند.

تعداد رشته ها: مسمط حداقل از ۳ رشته تشکیل میشود و حداکثری برای آن وجود ندارد.

+ موضوعات رایج: مسمط بیشتر برای توصیف طبیعت، مضامین عاشقانه، بزم، مدح و سرودهای ملی و میهنی به کار میرود.

+ مشهورترین مسمط سرایان: منوچهری دامغانی (بنیان گذار مسمط و سراینده مشهورترین مسمط فارسی)، قاتنی شیرازی، ناصر خسرو، شیخ بهایی و ملک الشعرای بهار.

- مستزاد: قالب شعر فارسی که برای نخستین بار توسط مسعود سعد سلمان سروده شد و بعدها در دوره مشروطه به اوج رواج رسید. مستزاد قالبی بر پایه سایر قالب ها که در آن، شاعر پس از هر مصراع، واژه، عبارت یا جمله ای کوتاه میافزاید که از نظر معنا با مصراع اصلی مرتبط است و آن را کاملتر میکند.

+ ویژگی های اصلی قالب مستزاد:

قافیه: چینش قافیه ها متنوع است و بستگی به قالب پایه دارد، اما افزوده ها معمولاً نظام قافیه ای مستقل خود را دارند.

کاربرد افزوده ها: افزوده ها معنا یا تأکید مصراع پیشین را کاملتر میکنند و گاه لحن طنزآمیز یا انتقادی به شعر میبخشند.

+ موضوعات رایج: در مستزاد معمولاً مضامین عاشقانه، عرفانی و به ویژه انتقادی و اجتماعی دیده میشود. این قالب در دوره مشروطه برای بیان طنزهای سیاسی و اجتماعی بسیار به کار رفت.

+ مشهورترین مستزادسرایان: مسعود سعد سلمان (نخستین سراینده)، میرزاده عشقی، ایرج میرزا و ملک الشعرا بهار (از شاعران برجسته مستزاد در دوره مشروطه)، نسیم شمال، مهدی اخوان ثالث (م. امید).

- بحر طویل: قالبی منحصر به فرد در شعر فارسی است که از نظر ساختار، در مرز میان نظم و نثر قرار میگیرد. نام آن اشاره به طول بی اندازه مصراع های آن دارد. در این قالب، مصراع های مساوی و بیت به معنای معمول وجود ندارد. طول بندها هیچ محدودیتی ندارد و گاه یک بند تا ۱۴۰ رکن عروضی را در خود جای میدهد. بحر طویل از یک یا چند بند تشکیل میشود. هر بند به بخش های هماهنگ و آهنگین تقسیم میشود که گاه مسجع و هم قافیه اند. از آنجا که محل قرارگیری قافیه در این قالب بسیار متنوع است، نمیتوان الگوی ثابتی برای آن ترسیم کرد.

+ ویژگی های اصلی قالب بحر طویل:

ساختار: فاقد بیت و مصراع به معنای سنتی؛ شعر به صورت بندهای بلند و یک پارچه یا چندپارچه ارائه میشود.

قافیه: انعطاف پذیر و بدون الگوی ثابت. شباهت زیادی به قصیده دارد، اما آزادی عمل شاعر در چینش قافیه بیشتر است.

+ موضوعات رایج: بحر طویل بیش از هر چیز برای طنز، هزل، هجو، مطایبه و نقل داستان های فکاهی و عامیانه به کار میرود. لحن شوخ طبعانه و ریتم تند و نفس گیر آن، فضایی سرگرم کننده ایجاد میکند.

+ مشهورترین بحر طویل سرایان: قاسم لاربن (شاعر عصر قاجار)، ابوالقاسم حالت. از دیگر سرایندگان: ایرج میرزا و نسیم شمال.
- نیمایی: نخستین و مهمترین قالب شعر نو فارسی که با ظهور نیما یوشیج (علی اسفندیاری) و انتشار شعر «افسانه» بنیان گذاشته شد. با این قالب، بزرگترین تحول در تاریخ شعر فارسی رقم زده شد و شعر از قید تساوی طول مصراع ها و جایگاه اجباری قافیه رهایی یافت. در این قالب، از وزن عروضی استفاده میشود، اما تعداد ارکان عروضی در مصراع ها با یکدیگر برابر نیست.
+ ویژگی های اصلی شعر نیمایی:

وزن: دارای وزن عروضی است، اما تعداد ارکان در هر مصراع ثابت نیست و شاعر میتواند ارکان را گاه حذف و گاه تکرار کند.
طول مصراع ها: آزاد و متغیر؛ از یک کلمه تا چند جمله. طول هر مصراع تابع معنا و احساس شاعر است، نه قاعده از پیش تعیین شده.

ساختار روایی و نمادین: شعر نیمایی معمولاً ساختاری روایی و نمادین دارد. شاعر از یک تصویر یا خاطره ساده طبیعی (شب، دریا، جنگل) آغاز میکند و آن را به تدریج به نمادی از یک حقیقت اجتماعی یا فلسفی بدل میسازد.

+ موضوعات رایج: از تغزل و عشق شخصی و طبیعت گرایی گرفته تا عمیق ترین مسائل اجتماعی، سیاسی، فلسفی و اعتراضی.
+ مشهورترین شاعران نیمایی سرا: نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث (م. امید)، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری. از دیگر شاعران: احمد شاملو (در دوره نخست)، فریدون مشیری و سیمین بهبهانی.

- سپید: دومین گام بزرگ در مسیر نوگرایی شعر فارسی پس از شعر نیمایی. این قالب که در دهه ۳۰ و با مجموعه «هوای تازه» از احمد شاملو ظهور کرد، وزن عروضی را به کل کنار گذاشت و موسیقی شعر را از درون کلمات، تصاویر و ساختار زبان بیرون کشید. شعر سپید قالب و فرم مشخص و از پیش تعیین شده ای ندارد و شاعر میتواند محتوای سخن خود را به طور خیال انگیز و شاعرانه، اما بدون محدودیت فرمی، مطرح کند.

+ ویژگی های اصلی شعر سپید:

وزن: فاقد وزن عروضی؛ موسیقی برآمده از آهنگ درونی کلمات و ساختار زبانی است.
طول سطرها: کاملاً آزاد؛ از یک کلمه تا چند جمله.
زبان: فاخر، فشرده و شاعرانه. بنیادی ترین رکن شعر سپید، تخیل قوی، تصاویر بکر و عمیق و زبان فاخر است که آن را از نثر عادی جدا میکند.

+ موضوعات رایج: شعر سپید با ساختار آزاد خود، بستر مناسبی برای بیان عمیق ترین و پیچیده ترین مضامین فلسفی، اجتماعی، سیاسی، عاشقانه و انسانی بوده است.

+ مشهورترین شاعران: احمد شاملو (ا.بامداد)، یدالله رویایی، بیژن جلالی، محمد مختاری، شمس لنگرودی، مهدی اخوان ثالث.
- موج نو: جریانی رادیکال در شعر معاصر فارسی است که تمام مرزهای بازمانده از شعر سنتی را درنوردید. در شعر موج نو، برخلاف تمام قالب های پیشین، نه وزن عروضی وجود دارد، نه قافیه و نه حتی آهنگ و موسیقی بیرونی. تنها چیزی که این قالب را از نثر متمایز میکند، زبان شاعرانه و استفاده از آرایه های ادبی همچون تشبیه، استعاره و ... است که نوعی «آهنگ معنوی» در کلام پدید میآورد.

+ ویژگی های اصلی شعر موج نو:

وزن: فاقد وزن عروضی و حتی وزن درونی منظم. ریتم شعر تابع جریان ذهنی شاعر است.

ساختار: کاملاً آزاد و ضد فرم. هرگونه قالب از پیش تعیین شده کنار گذاشته میشود.

شکستن نحو: دستور زبان فارسی گاه عمداً مخدوش میشود و جملات ناتمام میمانند یا ارکان آن ها جابه جا میشود.

+ موضوعات رایج: در موج نو بیشتر فضاهای ذهنی، احساسات شخصی، نگاه های انتزاعی، خیال، رؤیا و ناخودآگاه مطرح میشود.

+ مشهورترین شاعران: احمدرضا احمدی، بیژن الهی، یدالله رویایی، از دیگر چهره ها: پرویز اسلام پور، بهرام اردبیلی، شهرام شاهرخش، فیروز ناجی و هوشنگ چالنگی.

<< قسمت سوم: سبک های نظم و نثر فارسی

ادبیات هر ملت، بازتابی از روح زمانه، اندیشه ها و ذائقه های فرهنگی آن دوران است. سبک های نظم و نثر فارسی، گواه این تحول پیوسته در بیان هنری و فکری ایرانیان هستند. از سادگی و صلابت سبک خراسانی گرفته تا لطافت و خیال انگیزی سبک عراقی، و از پیچیدگی های سبکی هندی تا نوآوری های شگرف شعر نو، هر یک فصل درخشانی از تاریخ ادبیات ما را تشکیل میدهند.

- سبک های نظم فارسی:

سبک های شعری فارسی، طی قرون متمادی، بیانگر تحولات فکری، اجتماعی و زبانی مردمان ایران بوده اند. در ادامه به بررسی ویژگی های هر یک از این سبک های مهم، تحول قالب های شعری از کهن ترین اشکال تا نوگرایی های نیمایوشیج و پیروانش، و تأثیر این دگرگونی ها بر زبان و بیان شعر فارسی خواهیم پرداخت.

+ سبک خراسانی: اولین سبک ادبی در زبان فارسی که از اواسط قرن سوم تا اواخر قرن پنجم در فضای شعر فارسی حاکم بوده است. این سبک به طور کلی و از نظر زبان و آرایه های ادبی و ... ساده تر از سبک های ادبی بعدی است. از مشهورترین شاعران سبک خراسانی میتوان به «رودکی»، «فردوسی»، «عنصری»، «فرخی سیستانی» و «ناصرخسرو» اشاره کرد.

ویژگی زبان سبک خراسانی: زبان شعر سبک خراسانی ساده، روان و طبیعی است. در اشعار این دوره، از برخی واژه های فارسی استفاده شده که امروزه در زبان فارسی کاربردی ندارند.

ویژگی فکری سبک خراسانی: شعر سبک خراسانی واقع گرا است و طبیعت و شادی و نشاط و مضامینی این چنین را بیان میکند. در شعر این دوره، شاعران به ایران پیش از اسلام علاقه و توجه بیشتری دارند و دانش آنها نیز در این زمینه بیشتر است. به همین دلیل در این اشعار، شاهان و قهرمانان کهن ایرانی نسبت به معارف اسلامی، نمود بیشتری دارند. موضوعاتی که در این سبک مطرح میشود غالباً یا مدح است و یا هجو و هزل که هر دو ملایم، معتدل و دور از اغراق است. تغزلات عاشقانه و پند و اندرز و حکمت با شیوه ای شاعرانه و نه عالمانه نیز از مشخصات شعر این دوره به شمار می رود.

+ آذربایجانی: سبک آذربایجانی (آرانی) سبک شاعران حوزه شمال غربی ایران، یعنی منطقه آران و آذربایجان است و به عنوان سبک حد واسط خراسانی و عراقی شناخته میشود. رئیس این حوزه ادبی، ابوالعلائی گنجوی بود. شاعران معروف آن، مجیرالدین بیلقانی، فلکی شروانی، خاقانی شروانی و نظامی گنجوی هستند. مختصات فکری آنان از نظر بنیان زبان، همان

زبان خراسانی است. شعر آذربایجانی از نظر تحول فکر و مختصات ادبی شعر، در اوج روند تکامل شعری قرن ششم قرار دارد. مکتب آذربایجانی در قرن ششم پدید آمد و اگرچه عمر کوتاهی داشت، اما تأثیر عمیقی بر شکل گیری سبک عراقی گذاشت

+ عراقی: سبک عراقی از اواخر قرن ششم تا قرن نهم هجری بر فضای شعر فارسی حاکم بوده است؛ دوره ای که از نظر تاریخی مصادف با حکومت های مغولان، ایلخانان و تیموریان بود. دلیل نامگذاری این سبک این است که بعد از مغول ها، کانون های فرهنگی از خراسان به عراق منتقل شد و شاعران و نویسندگان بزرگ آن، بیشتر از شهرهای عراق عجم برخاسته اند.

مختصات زبانی سبک عراقی: زبان سبک عراقی از واژه های سبک خراسانی که واژه های کهن فارسی بودند فاصله گرفت و استفاده از واژگان تازی در شعر رو به فزونی گرفت. میتوان گفت که زبان از دیدگاه خواننده امروزی مأنوس تر است، لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و به جای آن لغات تازی جایگزین شده است.

مختصات فکری سبک عراقی: اندیشه غالب در این سبک، عشق و عرفان است. برخلاف سبک خراسانی، عشق جایگاه بالایی دارد و مقام معشوق دیگر پست نیست، بلکه چنان والاست که قابل اشتباه با معبود است. عرفان نیز در سبک عراقی از حالت پند و اندرز سبک خراسانی خارج شد و مسائل عرفانی جدید وارد آن شدند که از جمله آنها میتوان به وحدت وجود، تفوق عشق بر عقل، مسأله تجلی و ظهور، ستایش شراب و بی خودی و بی خردی اشاره کرد. اما، در کنار همه این ها حمله به زاهد و صوفی هم مرسوم بود. همچنین میتوان گفت که ادبیات این دوره بر خلاف ادبیات سبک خراسان، ادبیاتی است درون گرا، عشق گرا، محزون و غیررئالیستی که بیش از آن که به آفاق نظر داشته باشد به انفس نظر دارد.

+ هندی (اصفهانی): انقلاب اجتماعی دیگری که باعث تغییر سبک شد، شروع حکومت صفویان و رواج شیعه در اواخر قرن نهم بود که مسبب تغییر سبک و شروع دوره ادبیات مذهبی بود. حکومت صفوی ایدئولوژی مذهبی شیعه را ترویج میکرد و به شعر مدحی، درباری و شعر عاشقانه بهایی نمیداد، همچنین آموزه های سنتی عرفانی با این ایدئولوژی ها همخوانی نداشت.

مختصات زبانی سبک هندی: در این دوره، محدوده شعر از دربار و خواص جامعه فراتر رفت و روی آوردن اقشار مختلف مردم به شعر باعث شد زبان کوچه و بازار به شعر راه یافته و وسعت دایره واژگان شعر گسترش یابد و بسیاری از لغات ادبی کهن از شعر بیرون رود. بر اثر همین تغییر، زبان شعر نیز متفاوت شد. از این رو زبان سبک هندی را زبانی واقع گرا میدانند، زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

مختصات فکری سبک هندی: شعر سبک هندی، شعری معنی گراست و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند، تا به زبان و شاعران بیشتر به مضمون یابی و ارائه معنی برجسته پرداختند؛ به عبارتی، در این دوره توجه و اندیشه شاعران بر معنای کلام است نه ظاهر آن. در واقع شاعر در این دوره، از زبان و هرچیز دیگری برای بیان معنا استفاده میکند و شعر این دوره در یک نگاه کلی، شعر تعلیمی است و پند و اندرز میدهد و ترهیب و ترغیب اخلاقی میکند

+ سبک بازگشت ادبی: دوره بازگشت ادبی، یکی از دوره های مهم در تاریخ ادبیات فارسی است که از اواخر حکومت افشاریه و زندیه، که دوره های رشد و شکوفایی چندانی در ادبیات ایران شاهد نبودند، تا آغاز سلسله قاجار را در بر می گیرد. در این فاصله زمانی، با وجود اینکه برخی شاعران از سبک هندی فاصله می گرفتند، همچنان تأثیرات این سبک در آثارشان مشهود

بود. با روی کار آمدن قاجاریان و تثبیت حکومت مرکزی، میل به بازگشت به شیوه ها و الگوهای گذشتگان در ادبیات، قوت گرفت. در همین راستا، انجمن ادبی خاقان به ریاست فتحعلی شاه تشکیل شد که هدف از اینکار، نجات شعر فارسی از انحطاط و تباهی اواخر دوره صفوی و دوره های پس از آن بود. اما روشی که برای رسیدن به این هدف در پیش گرفته شد، جز تقلید از آثار پیشینیان نبود و این امر موجب شد شعر به دوران گذشته بازگردد و سبک بازگشت پدیدار شود.

از نظر زبانی: در ابتدای شکل گیری سبک بازگشت، زبان شاعران دوره اول از قبیل مشتاق اصفهانی، آذر بیگدلی و صباحی بیدگلی، تقلیدی نادرست از زبان سبک خراسانی و غالبا ساده، خام و ابتدایی بود؛ اما بعد از آن و با پیشرفت شاعران سبک بازگشت، آن ها توانستند زبان شاعران قدیمی را به درستی زنده کنند. در واقع، زبان دوره اول سبک بازگشت، خام و زبان دوره دوم آن، پخته است.

از نظر فکری: از نظر فکری، شاعران این دوره تلاش می کردند تا افکار رایج در عهد غزنوی و سلجوقی (در قصیده) و دوران حافظ و سعدی (در غزل) را بازتاب دهند و برای نزدیکی بیشتر به اسلوب گذشتگان، از مسائل روز و وقایع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوری می جستند که این رویکرد منجر به محدود شدن دایره موضوعات شعری و فکری آنها شد. در قصیده، آوردن تغزل و سپس مدح و در غزل مضامین عاشقانه و عارفانه جزئی از الگوهای مرسوم بود. در این دوره، شعر صوفیانه نیز رواج داشت و شاعرانی چون صفی علی شاه، نور علی شاه و صفای اصفهانی در این زمینه شناخته شدند؛ هرچند عرفان این دوره اغلب سطحی و تقلیدی توصیف شده است.

+ شعر دوره مشروطه: اواخر دوره قاجار شاهد آغاز جنبش های مردمی برای ایجاد تغییر در سطح حکومت و اجتماع بود. شاعران این دوره، تحت تأثیر این رویدادهای سیاسی و اجتماعی، قلم خود را در خدمت مردم قرار دادند. در نتیجه، مفاهیم جدیدی چون قانون، آزادی، عدالت، ملت، میهن، پارلمان، کابینه، انقلاب، استعمار، استثمار، استبداد و ارتجاع، به محتوای اصلی شعر این دوره بدل شدند.

+ شعر نو و تحول در قالب های شعری: انقلاب مشروطیت یکی از مهمترین رخداد های تاریخ ایران بود که به سبب آن، تحول عظیم اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در تاریخ معاصر ایران رخ داد؛ این دوره مهمترین تغییر سبکی را در پی داشت. سبک مشروطه ایجاد شده در این دوره، به نوعی حد واسط سبک شعر دوره بازگشت و سبک شعر نو تلقی میشود که ادبیات ایران را در ابعاد فکری و صوری تغییر داد و آن را به بخش های کهن و نو تقسیم نمود. هیچ گاه بین سبک های ادبی پیشین، تا این اندازه اختلاف نبوده است.

اعتراضی که بر شعر سنتی بود، این بود که شعر خیالی و غیرواقع گرا است و با اوضاع اجتماعی - سیاسی آشوب زده ایران آن روزگار، فاصله بسیار دارد و شاعران باید به زبانی شعر بسرایند که از مبارزات و مشکلات مردم سخن میگوید، نه معشوق های خیالی. ویژگی اصلی شعر نو، حساسیت بالای آن نسبت به سرنوشت انسان، به عنوان موجودی اجتماعی و دارای اختیار و مسئولیت است. شعر نو بیشتر دارای مضامین سیاسی و اجتماعی، همچون: آزادی، آزادگی، ایستادگی در برابر ظلم و ستم و دفاع از محرومان و ستمدیدگان، جنگ و ایثار و شهادت و وطن دوستی و عشق است

- سبک های نثر فارسی:

نثر فارسی، در کنار شعر، همواره حامل پیام‌ها، دانش‌ها و اندیشه‌های ایرانیان بوده و تحولات سبکی آن، بازتابی از روح زمانه خویش است. از نثر ساده و بی‌تکلف آغازین تا نثر فنی و پیچیده دوره‌های متأخر، هر سبک ویژگی‌های خاص خود را دارد.

+ نثر ساده (مرسل): نثر مرسل یا ساده که با نام‌های نثر سبک خراسانی و نثر بلعمی نیز شناخته می‌شود، نوشته‌ای است ساده که از پیرایه‌ها، آرایه‌های ادبی و لغات مهجور عربی خالی است. در حقیقت، نثر مرسل از صنایع لفظی و معنوی و سجع عاری بوده و کلمات آن آزاد و خالی از قید خاص هستند. در این نوع از نثر، نویسنده مقاصد خود را در کمال سادگی و بی‌پیرایگی مینویسد و از استعمال کلمات و عبارات هماهنگ و واژه‌ها و اصطلاحات مهجور اجتناب میکند.

+ نثر مسجع یا موزون: نثر مسجع سخنی است که در آن جمله‌های قرینه دارای سجع و آهنگ باشد، که این حالت در نثر به منزله قافیه در شعر است. به دو یا چند جمله‌ای که در آخر آن‌ها کلمات سجع آورده می‌شود، جمله‌های قرینه و آن متن یا نوشته را نثر مسجع می‌نامند. جملات در نثر مسجع آهنگین می‌باشند و در بعضی از موارد ممکن است این متون با شعر/نظم اشتباه گرفته شوند. سجع خود به سه نوع تقسیم می‌شود که این سه دسته عبارتند از سجع متوازن، سجع مطرف و سجع متوازی.

+ نثر بینابین: نثر بینابین نثر منشیان و دبیران عهد غزنوی است که در پایان دوره نثر مرسل و آغاز نثر فنی، به فاصله نیم قرن ظاهر می‌شود. این نوع نثر هم سادگی و استواری نثر مرسل را دارد و هم نشانه‌هایی از آمیختگی نظم و نثر و ورود لغات عربی و آیات و احادیث نثر فنی را به همراه دارد؛ به بیانی دیگر، نوشته‌ها در نثر بینابین هم از خشکی و ملالت درمی‌آیند و هم از سادگی و بی‌پیرایگی نثر مرسل بهره می‌برند.

+ نثر متکلف یا فنی: نثر فنی آمیزه و ترکیبی از دو نوع نثر مرسل و مسجع است که در آن لغات و ترکیبات و مثل‌ها و روایات و آیات و اصطلاحات و تعبیرات زیادی نیز به کار رفته است. نثر فنی نثری است که می‌خواهد به شعر نزدیک شود و به این جهت، هم از نظر زبان، هم از نظر فکر و هم از نظر ویژگی‌های ادبی نمیتوان آن را نثر دانست، بلکه نثری است شعروار که دارای زبان تصویری و سرشار از آرایه‌های ادبی است. در نثر مصنوع و فنی، نویسنده از لغات سنگین و جملاتی پیچیده و دارای تکلف بهره می‌گیرد تا به نوعی توان طبع خود را نیز به مخاطب نشان دهد.

+ نثر شکسته یا محاوره‌ای: نثر محاوره‌ای یا گفتاری اولین مرحله از مراحل نثر به شمار میرود و از زبان مردم سرچشمه می‌گیرد و گوینده جایز است تمام تعبیرات و لغاتی را که در زبان محاوره استفاده می‌شود، به کار گیرد. در این نوع نثر که منعکس‌کننده زبان محاوره و گفتگوی معمولی و رایج مردم کوچه و بازار است، جمله‌ها ساده و کوتاه و گاه بریده بریده است. برخی آغاز آن را به زمان سامانیان نسبت میدهند و بعضی اعتقاد دارند که این نثر در دوران معاصر به وجود آمده است.

❖ فصل چهارم: تاریخ ادبیات

ادبیات فارسی، گنجینه ای سترگ و میراثی گران بهاست که در طول بیش از هزار سال، شکوفایی، تحول و بالندگی شگرفی را پشت سر گذاشته است. این میراث، نه تنها آینه ای تمام نما از اندیشه ها، احساسات، باورها و تاریخ مردمان این سرزمین است، بلکه نقشی بنیادین در شکل گیری هویت فرهنگی و زبانی ما ایفا کرده است.

<< قسمت اول: شاعران و نویسندگان (مشاهیر ادبی) ایرانی

تاریخ ادبیات فارسی، با نام های درخشانی از شاعران و نویسندگان بزرگی مزین است که هر کدام با نبوغ و خلاقیت خود، میراثی ماندگار بر جای نهاده اند.

- رودکی (۲۳۷ - ۳۱۹ ه.ق): ابوعبدالله جعفر بن محمد، شاعر بزرگ قرن چهارم هجری و متخلص به رودکی؛ از القاب وی میتوان به آدم الشعرا و استاد شاعران اشاره کرد. همچنین رودکی را نخستین شاعر بزرگ پارسی گوی و پدر شعر پارسی میدانند و این به این خاطر است که تا پیش از وی کسی دیوان شعر نداشته است و او نخستین بار به شعر فارسی ضبط و قاعده معین داده و آن را در موضوعات مختلفی از جمله داستان، غزل، مدح، وعظ و رثا به کار برده است. این شاعر بزرگ با نبوغ خود توانست پایه های محکمی برای شعر فارسی بنا کند و تأثیر او بر گسترش و استمرار این زبان تا قرن ها باقی ماند. متأسفانه بسیاری از اشعار او از بین رفته اند و از تمام آثار رودکی، که گفته میشود بیش از یک میلیون و سیصد هزار بیت و نیز شش مثنوی بوده است، فقط ابیاتی پراکنده به همراه چند قصیده، غزل و رباعی باقی مانده است. تعداد بیت های باقی مانده از رودکی را ۱۰۴۷ بیت گزارش میکنند، اما همان تعداد اندک باقی مانده نیز گواهی بر قدرت بیان و عمق اندیشه اوست که تا به امروز مورد تحسین قرار میگیرد. شعر رودکی به دلیل زیبایی، روانی و عمق معنایی همواره مورد توجه شاعران و نویسندگان پس از او بوده است. آثار وی نه تنها نمایانگر ذوق و استعداد او هستند، بلکه نقش مهمی در غنی سازی زبان و فرهنگ فارسی ایفا کرده و تأثیری ماندگار بر ادبیات و هنر ایران و منطقه داشته اند. آثار او که مملو از پیام های اخلاقی، انسانی و فلسفی است، توانست زبان فارسی دَری را به یکی از مهم ترین زبان های فرهنگی تبدیل کند. کتاب های تاریخی و تذکره ها همچون تاریخ بیهقی، تاریخ سیستان و لباب اللباب به اشاراتی درباره رودکی پرداخته اند. نظامی عروضی سمرقندی از مجموع شاعران فارسی گوی، تنها شعر رودکی، فردوسی و عنصری را نیکو و بسیج خوانده است و ضمن اذعان به استادی رودکی، هنر او را در بدیهه سرایی می داند که کسی را یارای مقابله با وی نیست.

- ابوعلی بلعمی (ن.م - ۳۸۳ ه.ق): ابوعلی بلعمی که نام اصلی او ابوعلی محمد بن عبدالله بلعمی است، در بخارا متولد شد. پدرش ابوالفضل بلعمی نیز از پیش از وی در دستگاه سامانیان به وزارت رسید و از وزیران مشهور این سلسله بود. او در سال ۳۴۹ هجری با پشتیبانی آلپ تگین به جای ابومنصور یوسف بن اسحاق به وزارت عبدالملک بن نوح سامانی رسید و پس از عبدالملک بن نوح، وزیر منصور بن نوح سامانی نیز شد. در این دوره از وزارت بلعمی بود که منصور بن نوح سامانی دستور ترجمه تاریخ طبری را به وی داد. یکی از ماندگارترین و ارزشمندترین کارهای ابوعلی بلعمی، ترجمه و تلخیص کتاب «تاریخ الرسل والملوک» یا همان «تاریخ طبری»، از عربی به فارسی میباشد. اینکار در سال ۳۵۲ هجری انجام شد. هر چند نام دقیق این کتاب مشخص نیست اما از این کتاب با نام «تاریخ بلعمی» یاد میشود که قدیمی ترین تاریخ عمومی فارسی به شمار می آید. تاریخ بلعمی صرفاً یک ترجمه تحت اللفظی نیست، بلکه تألیفی جدید محسوب میشود، بدین صورت که بلعمی اسناد و روات (راویان حدیث)

را حذف کرده و از ذکر روایات مختلف در یک مورد پرهیز نموده است و از میان اختلاف روایات، آنچه نزد او ترجیح داشته را انتخاب کرده و تنها به آن بسنده کرده است هر جا روایتی ناقص یافته، آن را از منابع دیگر تکمیل کرده و تصریح نموده که این مطلب در تاریخ طبری نیامده است. وی حوادث را تا سال ۳۵۵ هجری پوشش داده است، در حالی که تاریخ طبری تنها تا سال ۳۰۲ هجری را دربرداشته است؛ بنابراین این بخش را میتوان پیوستی مستقل بر تاریخ طبری دانست.

- حکیم ابوالقاسم فردوسی (۳۲۹ - ۴۱۶ ه.ق): ابوالقاسم حسن منصور بن محمد بن اسحاق شرفشاه، که او را با نام حکیم ابوالقاسم فردوسی میشناسیم، در ۳۲۹ ه.ق در روستای باژ (توابع طوس) به دنیا آمد. پدرش از مالکان زمین خراسان و مادرش از خاندان اسپهبدان مازندران بود. فردوسی از همان دوران جوانی علاقه ای شدید به تاریخ و ادبیات ایران داشت. وی در حدود سال ۳۷۰ ه.ق، نظم شاهنامه را آغاز کرد. این اثر بر پایه منابع پیشین، از جمله شاهنامه ابومنصوری، سروده شده است و فردوسی آن را در سال ۳۸۴ ه.ق به پایان رساند و تحریر دوم آن را در ۲۵ اسفند ۴۰۰ ه.ق، یعنی در هفتاد و یک سالگی خود، کامل نمود. فردوسی در ابتدا زندگی مرفه ای داشت، اما با سرمایه گذاری بزرگ در راه سرودن شاهنامه، در سال های پایانی عمر با تنگدستی روبه رو شد. شاهنامه در دربار غزنویان به درستی پذیرفته نشد و جایزه مالی متعارفی را از دریافت نکرد. دلیل اول این مسئله کم لطفی سلطان محمود غزنوی و دلیل دیگر آن، شیعه بودن فردوسی بود. برای مسلمانان خراسان قبول شیعیان در زمان حیات فردوسی دشوار بود و به همین جهت او را از خود میراندند. تنها سروده ای که به طور قطعی به فردوسی نسبت داده میشود، شاهنامه است که بزرگ ترین اثر حماسی ادبیات فارسی و یکی از طولانی ترین اثرهای جهان است. این کتاب، داستان های اساطیری و تاریخی ایران را از آغاز تا پایان دوران ساسانی در بر میگیرد. فردوسی با این اثر، زبان فارسی را نجات داد، هویت ملی ایرانیان را تقویت کرد و شاهنامه را به مرجعی اصلی در فرهنگ و تاریخ ایران تبدیل نمود. درگذشت فردوسی در سال ۴۱۱ ه.ق (حدود هشتاد سالگی) در روستای تولدش، باژ طوس، درگذشت. فردوسی شاهنامه را در مدت ۳۰ سال نوشت که نشان از اراده او در این زمینه است. شاهنامه که یکی از بزرگ ترین آثار ادبیات کهن فارسی میباشد، نزدیک به پنجاه هزار بیت دارد که مجموعه ای از داستان ها و افسانه های پهلوانان و پادشاهان قدیم ایران است.

- ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ ه.ق): ابوریحان بیرونی، دانشمند بزرگ قرن ۴ و ۵ ه.ق، در ذی الحجه سال ۳۶۲ قمری در اطراف کاث در خوارزم متولد شد. پس از فتح خوارزم توسط سلطان محمود غزنوی در سال ۴۰۸ ه.ق، ابوریحان بیرونی به غزنین، پایتخت سلسله غزنویان رفت و در آنجا فعالیت کرد. در غزنین، او در رصدخانه ای که سلطان محمود برایش ساخته بود، به تحقیق و تألیف پرداخت. بیرونی از نخستین دانشمندانی بود که آثار مهم خود را نه به عربی، بلکه به فارسی نوشت. دو اثر او به فارسی، یعنی «آثار الباقیه» و «صفحة الأرض»، نه تنها از نظر علمی بی نظیر بودند، بلکه سبک نثری را در فارسی ایجاد کردند که هم دقیق، هم روان و هم منسجم بود. در «آثار الباقیه»، بیرونی با جملات طولانی اما ساختاریافته، مفاهیم تاریخی، فرهنگی و اقلیمی را به گونه ای بیان کرد که برای مخاطب غیرمتخصص هم قابل فهم بود؛ این سبک، الگویی برای نثر علمی فارسی در قرون بعد شد. او اولین کسی بود که اصطلاحات تخصصی را به صورت سیستماتیک به فارسی ایجاد کرد، واژگانی چون «طول جغرافیایی»، «دایره العرض»، «تقویم هلالی» و «ساعت آفتابی»، که اغلب ترجمه ای از عربی نبودند، بلکه ترکیبی از ریشه های فارسی با مفهوم دقیق که در ادبیات علمی فارسی رایج شدند. همچنین، در «تاریخ الهند» که به عربی نوشته شد، اما بعدها به فارسی ترجمه شد، با آشنایی عمیق با زبان سانسکریت، مفاهیم فرهنگی و دینی هند را به فارسی و عربی منتقل کرد، این کار، نه تنها دانش را گسترش داد، بلکه نحوه ترجمه مفاهیم پیچیده را به فارسی معرّفی کرد. تأثیر بیرونی در تثبیت جایگاه

فارسی به عنوان زبانی قابل استفاده برای علوم دقیق، مستقیماً بر دانشمندان بعدی، از سامانیان تا سلجوقیان، تأکید کرد تا به جای ترجمه وفادارانه، به بیان خودمانی، دقیق و زیبای فارسی بپردازند.

- ابوالفضل بیهقی (۳۸۵ - ۴۸۰ ه.ق / ۳۷۴ - ۴۵۶ ش): ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، دبیر و مورخ بزرگ غزنوی بود که در بیهق به دنیا آمد. جوانی خود را در نیشابور گذراند و پس از تحصیل، به دیوان غزنویان پیوست. او پس از خدمت در دیوان محمود غزنوی و جایگزینی به جای استادش ابونصر مشکان، در زمان عبدالرشید غزنوی به مقام صاحب دیوان رسالت رسید؛ اما پس از قتل عبدالرشید و آتش زدن طغرل، به زندان افتاد و سرانجام در سال ۴۳۷ ه.ش آزاد شد و بلافاصله پس از آزادی، شروع به تألیف «تاریخ بیهقی» کرد. اولین و مهمترین منبع تاریخی درباره سلسله غزنویان، از سبکتگین تا پایان دودمان را پوشش میدهد. هرچند امروزه تنها بخش مربوط به سلطان مسعود غزنوی باقی مانده است. این اثر، نه تنها از نظر تاریخی بی نظیر است، بلکه به دلیل وضوح، رسوخ، زیبایی و دقت ادبی، به عنوان اوج نثرنویسی فارسی در قرن پنجم مورد تحسین قرار گرفته. بیهقی در آن از شعر و نثر فراوانی استفاده کرده است و با دقت و زیبایی، شخصیت هایی از جمله ابونصر مشکان، ابوریحان بیرونی و ... را با توصیفی دقیق و تحسین آمیز نقل کرده. نثر بیهقی تأثیر عمیقی بر نویسندگان و شاعران بعدی داشت و بسیاری از آنان از سبک و واژگان او الهام گرفته اند. بیهقی را پدر نثر فارسی می دانند و کتابش را در کنار آثاری چون «گلستان» و «تذکرة الاولیاء» از نمونه های اصیل و برجسته ادبیات فارسی می شمارند. او ضمن تاریخ نگاری، نقش مهمی در تثبیت و گسترش زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و ادبی در غرب آسیا ایفا کرد.

- باباطاهر عریان (۳۹۱ - ۴۷۶ ه.ق): باباطاهر عریان، شاعر و عارف بزرگ قرن پنجم هجری که در دوران طغرل بیک سلجوقی فعالیت میکرد و در همدان ساکن بود. لقب «بابا» نشان دهنده احترام و رهبری معنوی بود، در حالی که «عریان» به سادگی، بی پرده گویی و دوری از علایق دنیوی او اشاره دارد. اطلاعات دقیقی از زندگی نامه او وجود ندارد؛ اما بر اساس دو بیتی هایش، سال تولدش را میتوان حدود ۳۹۱ ه.ق در نظر گرفت، دیگر اینکه وی پس از حدود ۸۵ سال زندگی، در همدان درگذشت که در اینصورت سال وفات وی نیز ۴۷۶ ه.ق در نظر گرفته میشود. باباطاهر به دلیل مسلک درویشی، فروتنی و انزواطلبانه، گمنام ماند و اثری مفصل از زندگی اش باقی نگذاشت؛ اما از آثار او میتوان دوبیتی های ساده، روان و پرمعنی که بیشتر به زبان لری بودند و همچنین مجموعه ای از کلمات قصار به عربی را بیان کرد. او در این دوبیتی ها که تعدادشان تا ۳۵۴ میرسد، به مباحث عرفانی، حکمت، عشق به خدا، فراق، مرگ و طبیعت میپردازد. سبک باباطاهر، بدون استفاده از اصطلاحات پیچیده، با لحن صمیمی و دل سوخته، افکار را به زبانی راستین و قابل درک بیان میکند و از این رو بر مخاطب تأثیر عمیقی میگذارد. او به عنوان پیشگامی در دوبیتی سرایی ساده تلقی میشود که تأثیر مستقیمی بر شاعران بعد از خود همچون سعدی و حافظ داشت. باباطاهر، با ایجاد ارتباط نزدیکتر بین شعر و مردم عامه، نقش مهمی در گسترش و تثبیت زبان فارسی به عنوان زبان ادب و عرفان در غرب ایران ایفا کرد.

- خیام نیشابوری (۴۳۹ - ۵۲۶ ه.ق / ۴۲۷ - ۵۱۷ ش): حکیم عمر خیام نیشابوری، در اردیبهشت ۴۲۷ خورشیدی در نیشابور به دنیا آمد. نام کاملش غیاث الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری است. او دانشمندی چندجانبه در ریاضیات، نجوم، فیزیک، فلسفه و موسیقی بود که دوره سلجوقیان می زیست و با لقب «حجة الحق» شناخته میشد. خیام دستاورد های بنامی در برخی زمینه ها داشت، من جمله تنظیم تقویم جلالی. البته حکیم عمر خیام، بیشترین شهرتش در سطح جهان را مدیون «رباعیات» خود است. رباعیاتی که به بسیاری از زبان های جهان ترجمه شده و ادوارد فیتزجرالد با ترجمه آنها، در گسترش شهرت وی در

غرب نقش کلیدی داشت. زبان شعر حکیم ساده و روان است و از هیچ شاعری پیروی نکرده؛ بلکه با اصالت و خودگردانی، گاه در خلال اشعارش، دیدگاه های فلسفی خود را بیان کرده است. خیام در مسائل بنیادین همچون ماهیت واقعیت، ابدیت، ناپایداری زندگی و رابطه انسان با خدا تعمق کرده و از ضعف و ناتوانی انسان، نادانی و ابهام های وجودی آگاه بود. با اینکه پاسخ قطعی به سردرگمی هایش نیافته بود، انتخاب میکند که شادمانه، قدردان زیبایی های فانی زندگی باشد. کهن ترین منبعی که او را به عنوان شاعر نام می برد، «خریده القصر» است که عماد اصفهانی این کتاب را در سال ۵۷۲ هجری و در حدود ۵۰ سال پس از وفات خیام نیشابوری به رشته تحریر در آورده است. اشعار منسوب به او بیش از هزار رباعی است، اما محققان تنها ۱۰۰ تا ۲۰۰ مورد را اصیل می دانند و مابقی آنها را اغلب سروده شاعران و عارفان پس از وی می شمارند که از ترس زیاده روی در ابراز عقاید فلسفی خود، آنها را به حکیم نسبت داده اند. تمامی اشعار حکیم در قالب رباعی است. افکار فلسفی عمیق پشت رباعیات حکیم، باعث این شده است که آنها وزنی سنگین در فلسفه داشته باشند و برخی از ادبا، آنها را به افکار وجودگرا یا اگزیستانسیالیسم نزدیک میدانند. برخی معتقدند که اشعار خیام، وسیله ای برای بیان نکته بینی های فلسفی اش بوده است.

- سنایی غزنوی (۴۷۳ - ۵۴۵ ه.ق): ابوالمجد محدود بن آدم سنایی غزنوی، مشهور به حکیم سنایی، در غزنه متولد شد و در همان شهر درگذشت. او از بزرگ ترین صوفیان و شاعران قصیده گو و مثنوی سرای زبان پارسی است و در سده پنجم و ششم هجری می زیست. تصوف سنایی، با وجود تأثیرپذیری از قلندران و اهل ملامت، رویکردی معتدل داشت. سنایی در طول زندگی خود سه حالت شخصیتی داشت، نخست مداح و هجو گو بود، سپس به وعظ و نقد اجتماعی روی آورد و در نهایت عاشق و قلندر و عارف شد و تا پایان عمر در میان این سه حالت متغیر بود. او در بیشتر علوم زمان خود، از جمله ادبیات عرب، طب، نجوم و فقه به درجه ای والایی رسیده بود و بسیاری از مضامین عرفانی و اخلاقی از طریق آثار او وارد شعر پارسی شد. غزل های سنایی حال و هوایی ممتاز از غزل های پیش از وی دارد و قصاید او، نمونه برجسته شعر اجتماعی، اخلاقی و عرفانی میباشد. مضامین این قصاید اغلب در نکوهش دنیادوستی و دنیاداران است و در آنها با ریا کاری زاهدان و ستمگری حاکمان بی پروا ستیز کرده است. سنایی با نقد اوضاع بد اجتماعی زمانه اش و بیان دردهای مردم، خود را شاعری اهل درد و دین نشان داد. او در کنار عطار نیشابوری و مولوی، به عنوان یکی از سه شاعر بزرگ اهل تصوف شناخته میشود و مولوی به او ارادت فراوانی داشت و در مثنوی معنوی خود از او با عناوین «حکیم» و «حکیم غزنوی» یاد کرده است. آثار سنایی شامل دیوان اشعار، مثنوی های «حقیقه الحقیقه»، «سیر العباد الی المعاد»، «طریق التحقیق»، «کارنامه بلخ»، «عشق نامه»، «عقل نامه» و «تجربه العلم» و همچنین نامه هایی به نثر است.

- خاقانی شروانی (۵۲۰ - ۵۹۵ ه.ق): افضل الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی که بیشتر با نام خاقانی شروانی شناخته میشود، از بزرگترین شاعران و قصیده سرایان شعر و ادب فارسی و ستون اصلی شعر سده ششم هجری است. وی در کودکی تحت حمایت عموی خود که فیلسوف و طبیب بود تربیت شد و تا ۲۵ سالگی علوم ادبی و حکمی را نزد او فرا گرفت و پس از وفات عمویش، به خدمت ابوالعلاء گنجه ای پیوست، پس از آنکه ابوالعلاء وی را به خدمت خاقان منوچهر شروانشاه معرفی کرد لقب «خاقانی» بر او نهاد. خاقانی بی شک از بلند پایه ترین شاعران پارسی است و حتی در میان بزرگترین شاعران پارسی هم کمتر کسی به اندازه خاقانی مورد استقبال و اقتباس دیگران قرار گرفته. طریق غریبی که خاقانی در شعر فارسی ابداع کرد، به سبب استحکام لفظ و ترکیبات تازه و نازک اندیشی و کاربرد استادانه صنایع ادبی، زبانزد است. واژه ها در شعر خاقانی در ترکیبی نغز و سنجیده و در ضمن شبکه ای درهم تنیده از روابط پیدا و پنهان لفظی و معنوی به یکدیگر پیوند خورده اند. خاقانی به فراوانی از اصطلاحات

علوم و فنون مختلف، مانند ریاضیات و نجوم و ...، در ساختن تصویرهای بدیع بهره برده است. قصاید خاقانی در مقایسه با غزلیات او، از مرتبه بالاتری برخوردارند. آثار خاقانی عبارتند از دیوان خاقانی (شامل حدود ۱۷۰۰۰ بیت در قالب های رایج شعری از جمله مقطعات، قصاید، غزل ها، ترجیعات و رباعیات)، تحفه العراقین (با حدود ۳۲۰۰ بیت که در ۵۵۱ ه.ق تألیف شد و اولین سفرنامه منظوم فارسی است که در آن اولین سفر به مکه و عراقین را توصیف کرده)، منشآت خاقانی (مجموعه ای از نامه های ادبی خطاب به شهریاران، مشاهیر و بزرگان زمان خود، که هم از لحاظ ادبی و هم از نظر تاریخی دارای اهمیت و ارزش بالایی است). خاقانی پس از بازگشت از دومین حجه در ۵۷۱ هجری در پی اتفاقات ناگوار، دربار شروانشاهان را ترک کرد و اواخر عمر خود را در تبریز گذراند و در سال ۵۹۵ ه.ق درگذشت. آرامگاهش در مقبره الشعرا تبریز واقع است.

- نظامی گنجوی (۵۳۰ - ۶۱۴ ه.ق): حکیم ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید، مشهور به نظامی گنجوی، یکی از برجسته ترین شاعران و داستان سرایان پارسی گوی سده ششم ه.ق است که به عنوان پیشوای داستان سرایی در ادب فارسی شناخته میشود. او که با تخلص «نظامی» شعر میسرود، در حدود سال ۵۳۰ ه.ق در گنجه متولد شد و بیشتر عمر خود را در این شهر گذراند و در نهایت همان جا نیز به خاک سپرده شد. شواهد تاریخی نشان میدهد که او برخلاف بسیاری از شاعران هم عصر خود که به مدیحه سرایی میپرداختند، روحیه ای عزلت نشین داشت و علاقه ای به دربار پادشاهان و مراسم آنان نشان نمی داد، با این حال از محبوبیت و احترام بالایی نزد حاکمان زمان برخوردار بود. اگرچه اطلاعات دقیقی از تاریخ وفات او در دست نیست، اما بسیاری سال ۶۱۴ ه.ق را به عنوان سال وفات وی ذکر کرده اند. نظامی که ریشه های ایرانی داشت، پایه ای محکم در ادبیات کلاسیک فارسی محسوب میشود و او را در کنار نام هایی چون فردوسی و سعدی قرار میدهند. او با مهارت بی نظیر در چینش کلمات، به کارگیری آرایه ها، توصیف دقیق مناظر و اشخاص، و تلفیق دانش علمی گسترده خود در علوم ادبی، نجوم، علوم اسلامی، فقه، کلام و زبان عرب با هنر شاعری، سبکی منحصر به فرد و خلاقانه را پایه گذاری کرد. نظامی را پیش از هر چیز به عنوان داستان سرا میشناسند، اما شناخت عمیق تر او نشان میدهد که او فیلسوفی اندیشه ورز بود که حتی در اشعار عاشقانه نیز، تاریخ و فرهنگ ایران را به نمایش میگذاشت. مهم ترین آثار او، که «پنج گنج» یا «خمس نظامی» نام دارد، شامل پنج مثنوی بلند و برجسته است که عبارتند از «مخزن الاسرار» با مضامین عرفانی و اخلاقی، «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» به عنوان شاهکارهای داستان سرایی عاشقانه، «هفت پیکر» (بهرام نامه یا هفت گنبد) و «اسکندرنامه» (شرف نامه و اقبال نامه) که به شرح فتوحات و اندیشه های اسکندر مقدونی میپردازد. زبان شیرین و روان نظامی، خلاقیت در به کارگیری وزن و قافیه، و توانایی او در خلق شخصیت های زنده و ماندگار، باعث شده تا آثار او تا به امروز مورد توجه و مطالعه ادب دوستان و پژوهشگران قرار گیرد و الهام بخش بسیاری از شاعران و نویسندگان پس از خود باشد. او تنها شاعری است که توانست شعر تمثیلی را در زبان فارسی به اوج تکامل برساند.

- شمس تبریزی (۵۸۲ - ۶۴۵ ه.ق): محمد بن علی بن ملک داد تبریزی، ملقب به شمس الدین یا شمس تبریزی، یکی از برجسته ترین و در عین حال رازآلودترین عارفان قرن هفتم ه.ق است. او در سال ۵۸۲ ه.ق در تبریز متولد شد و از نوجوانی با آثار و اندیشه های عرفانی آشنا شد. شمس در ابتدا تحت تعلیم شیخ ابوبکر زنبیل باف (سله باف) تبریزی، که او را «پیر خود» میخواند، قرار گرفت و از او به نیکی یاد میکرد. او همچنین به مباحثی چون ریاضیات، جهانگردی و مکتب داری نیز میپرداخت. همانگونه که شمس میل به گمنامی و ناشناخته بودن داشت، در پی به جا گذاشتن اثر مکتوب هم نبود. به همین خاطر اثر مکتوبی از او که خود او نوشته باشد، به جا نمانده است. یادگار مهم او، کتابی است به نام «مقالات شمس تبریزی» که مجموعه ای از

گفتارها، مواظ و اشعار اوست که در مجالس مختلف به زبان آورده است و مریدان آنها را گردآوری کرده اند. اگرچه شمس در «مقالات» به شرح احوال شخصی و پیشینه خود نپرداخته، اما از طریق توصیفات و خاطراتی که درباره افراد و اقوال مطرح میکند، میتوان تصویری از روحیه، اندیشه ها و شیوه سلوک عرفانی او بازشناخت. او در این نوشته ها، رویکردی قلندروار و بی پروا دارد و به نقد ظاهرسازی و جمود فکری میپردازد. نقطه عطف زندگی شمس، ملاقات او با مولانا جلال الدین محمد بلخی در سال ۶۴۲ ه.ق در قونیه بود. این دیدار، تحولی عمیق در مولانا ایجاد کرد و زمینه را برای خلق آثار بی نظیری چون مثنوی معنوی و دیوان شمس تبریزی فراهم آورد. درباره وفات و مدفن شمس تبریزی اقوال مختلفی وجود دارد. تاریخ درگذشت او را سال ۶۴۵ ه.ق ذکر کرده اند و برخی بر این باورند که کینه نزدیکان مولانا به شمس، سبب قتل او شد. محل دقیق مدفن او نیز محل اختلاف بوده است؛ برخی آن را شهر خوی و برخی دیگر قونیه میدانند. شمس تبریزی، با وجود آثار مکتوب اندک، از طریق پیوند معنوی اش با مولانا، تأثیری پایدار و شگرف بر عرفان و ادبیات فارسی نهاده است.

- مولانا (۶۰۴ - ۶۷۲ ه.ق / ۵۸۶ - ۶۵۲ ش): جلال الدین محمد بلخی، معروف به مولانا، مولوی و ملای رومی، یکی از مشهورترین و تأثیرگذارترین شاعران، عارفان و ادیبان ایرانی قرن هفتم ه.ق است. وی در بلخ زاده شد و به دلیل جایگاه بی نظیرش در تصوف و ادب فارسی، نادره دوران به شمار میرود. با حمله مغول به خوارزم، مولوی به همراه خانواده عازم زیارت خانه خدا شد و سپس در ۶۱۷ ه.ق به منطقه روم شرقی (ترکیه امروزی) رسیده و مورد استقبال سلطان سلجوقی آن منطقه قرار گرفتند. بهاءالدین ولد و خانواده اش در قونیه ماندند و با درگذشت پدر مولانا در سال ۶۲۸ ه.ق، مولوی در جایگاه پدر به تدریس و فتوا در قونیه مشغول شد. نقطه عطف زندگی او، ملاقات با شمس تبریزی در حدود سال ۶۴۲ قمری بود. این دیدار دگرگونی عظیمی در وجود مولانا ایجاد کرد؛ او درس و وعظ را رها کرد، شیفته مرام شمس شد و به شعر، ترانه، دف و سماع روی آورد. در این دوران، طبع او در شعر و شاعری شکوفا شد و به سرودن اشعار پرشور عرفانی پرداخت. مولانا پس از دوره ای بیماری، در سال آذر ماه ۶۵۲ ه.ش (مصادف با ۶۷۲ ه.ق)، در سن ۶۶ سالگی در قونیه درگذشت. تخلص شعری او «خاموش» یا «خاموش» بود. مثنوی معنوی، بزرگ ترین اثر عرفانی ایران و یکی از بزرگ ترین آثار هنر و اندیشه بشری است. اساسی ترین مأخذ مثنوی را قرآن میدانند. مولانا در مقدمه منثور دفتر اول، مثنوی را کشف القرآن مینامد. مثنوی را قرآن پارسی نیز گفته اند. آثار مولوی شامل نظم و نثر بوده و بخش زیادی از آثار او به زبان فارسی است؛ هرچند به زبان های ترکی، عربی و یونانی هم بیت هایی سروده است: مثنوی معنوی (از برترین کتاب ها در ادبیات عرفانی فارسی و گنجینه ای از حکمت و اندیشه های فرهنگ اسلامی). - دیوان شمس یا کلیات شمس تبریزی (شامل غزلیات عرفانی شورانگیز او که به دلیل یادکرد فراوان از شمس تبریزی، به این نام مشهور است). - رباعیات (مجموعه ای از اشعار، دوبیتی های کوتاه و عاشقانه). - فیه ما فیه (حاوی تقریرات و سخنان مولانا که گاه در پاسخ به پرسش ها و گاه خطاب به افراد معین است). - مکاتیب (مجموعه نامه های او به افراد مختلف). - مجالس سبعة (شامل هفت مجلس از موعظه ها و سخنرانی ها مولانا).

- سعدی (۶۰۶ - ۶۹۰ ه.ق / ۵۸۸ - ۶۷۱ ش): ابومحمد مشرف الدین مصلح بن عبدالله بن مشرف، معروف به سعدی شیرازی و ملقب به «شیخ اجل»، «استاد سخن» و «پادشاه سخن»، یکی از نامدارترین شاعران و نویسندگان ایران در قرن هفتم ه.ق است. بر اساس روایات مختلفی که وجود دارد، او در شیراز زاده شد و تحصیلات مقدماتی را در همین شهر آغاز کرد. در حدود ۶۲۰ ه.ق، پس از ناآرامی های ناشی از حمله غیاث الدین خوارزمشاه به شیراز، برای تکمیل تحصیلات به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه در نزد اساتیدی همچون سهروردی به فراگیری علوم گوناگون پرداخت. پس از اتمام تحصیلات، زندگی پرماجرایی سفرهای سعدی

آغاز شد. او نزدیک به ۳۰ تا ۳۵ سال در سرزمین های مختلف اسلامی، از جمله شام، حجاز، بعلبک و آسیای صغیر، به سیاحت پرداخت. تجربیات حاصل از این سفرها، غنای فکری و عمق نگاه او به مسائل اجتماعی و انسانی را افزایش داد. سعدی در سال ۶۵۵ ه.ق به شیراز بازگشت و توانست به دربار حاکم وقت فارسی رفت و آمد کند. در همین دوران و در آرامش پس از سفر در ۶۵۵ ه.ق، وی ابتدا «بوستان» را نوشت و پس از مدتی «گلستان» را. بوستان، منظومه ای اخلاقی - آموزشی است که به نظم سروده شد؛ گلستان که اثری منحصر به فرد و ترکیبی از نظم و نثر مسجع است، به دلیل فصاحت، ایجاز و ترکیبی کم نظیر از حکایت های اخلاقی، اجتماعی و طنز، قله ای در ادبیات فارسی به شمار میرود. کلیات سعدی علاوه بر بوستان و گلستان شامل تمامی آثار سعدی، از جمله قصاید، غزلیات، رباعیات، مفردات، مجالس پنجگانه، نصیحه الملوک، ملمعات و مثلثات میباشد. آثار او، که عمدتاً بر پند و نصیحت و بیان مسائل اخلاقی - اجتماعی متمرکز است، با ویژگی هایی چون سادگی کلام، مختصرگویی (ایجاز) و بهره گیری هوشمندانه از طنز و رندی ممتاز میشود. تأثیر سعدی بر زبان فارسی انکارناپذیر است؛ زبان فارسی امروزی شباهت بسیاری به بیان او دارد و بسیاری از ضرب المثلهای رایج ریشه در آثار وی دارند. آثار او سال ها در مکتب خانه ها و مراکز آموزشی تدریس میشد. بر طبق معتبرترین روایت، تاریخ وفات او ذیحجه ۶۹۰ ه.ق (مطابق با ۶۷۱ ه.ش) ذکر شده و پیکر او در خانقاه محل اقامتش در حومه شیراز به خاک سپرده شد.

- حافظ (۷۲۷ - ۷۹۲ ه.ق): حافظ شیرازی، با نام کامل خواجه شمس الدین محمد، در شیراز به دنیا آمد و نیز در همین شهر، چشم از جهان فرو بست. وی یکی از بزرگترین شاعران سده هشتم هجری ایران و از برجسته ترین غزل سرایان تاریخ ادبیات فارسی و جهان به شمار میرود. او که با القابی چون «لسان الغیب»، «ترجمان الاسرار» و «لسان العرفا» شناخته میشود و تخلص «حافظ» را برگزیده بود، سبک ویژه ای را در غزل سرایی پایه گذاری کرد که گرایش به شیوه خواجوی کرمانی در آن مشهود است. دیوان اشعار حافظ شامل غزلیات، قصاید، مثنوی ها و رباعیات است، اما شهرت اصلی و جایگاه بی بدیل او در غزل سرایی است. او توانست با پیوند زدن عمیق ترین مضامین عرفانی مولانا و لطیف ترین احساسات عاشقانه سعدی، سبکی نوین بیافریند که هم عمق معنوی دارد و هم شور و احساس را برمی انگیزد. حافظ در دوران جوانی ابتدا به نانوایی مشغول بود، اما علاقه به دانش او را به مکتب خانه ها کشاند و در محضر علما کسب علم کرد. حفظ کل قرآن کریم باعث شد تا لقب «حافظ» را دریافت کند و به «حافظ شیرین سخن» شهرت یابد. او در دستگاه های حکومتی زمان خود، از جمله دربار شاه ابواسحاق اینجو، به دیوانی مشغول بود و امرار معاش میکرد. شعر حافظ در سه فضای اصلی عاشقانه، عارفانه و مدح جریان دارد که هر یک جلوه ای خاص از جهان بینی و هنر او را به نمایش میگذارند. نوآوری او در خلق تک بیت های درخشان، مستقل و پرمضمون، از ویژگی های بارز اشعارش است. با وجود شهرت جهانی و تأثیر شگرف بر شاعران پس از خود، که حتی به ترجمه آثارش به زبان های اروپایی و توجه شاعرانی چون گوته منجر شد، گفته میشود حافظ به طور متوسط سالانه تنها ۱۰ غزل سروده و تمرکزش بر خلق آثاری شایسته مقام معشوق بوده است. مزار او در مصلی شیراز، که ۶۳ سال پس از وفاتش عمارتی بر آن ساخته شد.

- عبدالرحمان جامی (۸۱۷ - ۸۹۸ ه.ق / ۷۹۳ - ۸۷۱ ش): نورالدین عبدالرحمان بن احمد بن محمد جامی، معروف به «جامی» و ملقب به خاتم الشعرا، در خرگرد جام، در منطقه جام خراسان، به دنیا آمد و در هرات وفات یافت. او یکی از بزرگ ترین شاعران، ادیبان، موسیقی دانان و عارفان قرن نهم هجری است که آثار بی نظیر و تأثیرگذاری در حوزه ادبیات و تصوف اسلامی بر جای گذاشته است. پدر جامی، که اهل دشت در نزدیکی اصفهان بود، در قرن هشتم به خراسان مهاجرت کرد و در شهر جام منصب قضا یافت. کودکی و آموزش های ابتدایی او در خرگرد جام سپری شد، سپس در حدود سیزده سالگی به هرات رفت و در مدرسه

نظامیه، معتبرترین مرکز علمی زمان، به تحصیل علوم متداول آن دوران از جمله بیان، منطق، تفسیر و صرف پرداخت. او ابتدا تخلص «دشتی» را بر شعر خود گذارد و بعدها با توجه به زادگاهش، تخلص «جامی» را برگزید و ارادتش به شیخ احمد جام، معروف به ژنده پیل، دلیل این تغییر بود. جامی در شاعری در قالب های مختلف، از جمله غزل، قصیده و مثنوی، مهارت داشت و آثاری بی شمار در نظم و نثر به زبان های فارسی و عربی نوشته است. او مجموعه ای بزرگ از آثار خویش را در دو مجموعه گردآوری کرد: دیوان های سه گانه، شامل اشعار در سه دوره جوانی، میانسالی و پیری و هفت اورنگ، که هفت نمونه مهم در قالب مثنوی است؛ از جمله «سلسله الذهب»، «سلامان و اقبال»، «تحفة الاحرار»، «سبحة الابرار»، «یوسف و زلیخا»، «لیلی و مجنون» و «خردنامه اسکندری». همچنین دیوانی نیز به نام دیوان بی نقاط از جامی به جای مانده که در تمامی واژه های آن هیچ حرف نقطه داری استفاده نشده است. آثار منثورش نیز شامل «بهارستان»، «شواهد النبوه» و «نفحات الانس» است که در آن ها تعالیم عرفانی، اخلاقی و اجتماعی را به زبان ها فارسی و عربی عرضه کرده است. جامی در طول زندگی اش، به دلیل خلوص نیت و تواضع، مورد احترام و ارادت شاهان و دانشمندان زمان خود بود و حضور او در عرصه فرهنگ و تصوف، نقش مهمی در تاریخ ادبیات فارسی و جنبش های عرفانی ایفا کرد.

- شیخ بهایی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ ه.ق / ۹۲۵ - ۱۰۰۰ ش): بهاءالدین محمد بن حسین عاملی، مشهور به شیخ بهایی، از برجسته ترین دانشمندان، ادیبان و چهره های چندبعدی عصر صفوی است که در حوزه های گوناگون از جمله فقه، فلسفه، ریاضیات، معماری، نجوم، ادبیات و عرفان تأثیری عمیق و پایدار بر جای گذاشت. وی در بعلبک از روستاهای جبل عامل (لبنان) به دنیا آمد و یک سال پس از تولدش، در پی شهادت شهید ثانی، استاد پدرش، و به دلیل ناامنی های منطقه و دعوت شاه طهماسب اول، همراه خانواده به ایران مهاجرت کرد. بهایی دوران کودکی و نوجوانی را در اصفهان و سپس قزوین گذراند؛ جایی که پدرش به منصب شیخ الاسلامی رسید و او نیز در محضر علمای بزرگ آن روزگار به تحصیل علوم نقلی و عقلی پرداخت. بعدها شیخ بهایی خود به مقام شیخ الاسلامی (بالاترین منصب رسمی دینی در صفویه) اصفهان و ریاست علمی جامعه شیعی ارتقا یافت و اقامه نماز جمعه این شهر نیز بر عهده او بود. وی که در علوم مختلفی استاد بود، آثار فراوانی به زبان های فارسی و عربی نوشته است. علاوه بر این آثار، وی اشعار بسیاری به فارسی و عربی سروده که بیشتر آنها در کتاب «کشکول» آمده است و مضامینی عرفانی و صوفیانه دارند. کلیات اشعار فارسی او شامل غزلیات، مثنویات، قطعات، رباعیات، مُستزاد و مُخَمَّس است؛ اما گفته شده این کلیات ناقص بوده و شامل کلیه اشعار فارسی و عربی نمیباشد. مثنویات نان و حلوا، شیر و شکر، نان و پنیر او که به فارسی هستند، بازتاب گرایش او به زبانی ساده، موسیقایی و اخلاقی اند. نثر تمثیلی او در «پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش»، که اثری به زبان فارسی است، نمونه ای موفق از نقد صوفی نمایان به شیوه طنز و تمثیل است. «جامع عباسی» و «اربعین» نیز از مهم ترین مکتوبات او هستند. به گفته برخی منابع، شیخ بهایی دارای ۱۲۳ اثر در علوم دینی و شعر و ادبیات است. شیخ بهایی در نهایت در سال ۱۰۳۰ ه.ق درگذشت و در جوار حرم امام رضا(ع) در مشهد به خاک سپرده شد.

- صائب تبریزی (۱۰۰۰ - ۱۰۸۶ ه.ق): میرزا محمدعلی تبریزی متخلص به صائب، بزرگ ترین غزل سرای سده ۱۱ ه.ق و نامدارترین شاعر دوره صفویه، در ۱۰۰۰ ه.ق در تبریز زاده شد. خانواده او از هزار خانواری بودند که به فرمان شاه عباس اول از تبریز به اصفهان کوچ کردند و در محله عباس آباد این شهر سکنا گزیدند. صائب نوجوانی را در اصفهان گذراند و به آموختن علوم رایج عصر پرداخت. او پس از کسب مهارت های علمی و ادبی، سفری به حج کرد و در راه بازگشت مدتی نیز در مشهد اقامت داشت. در ۱۰۳۴ ه.ق از اصفهان رهسپار هند شد و سپس به هرات و کابل رفت. ظفرخان، حاکم وقت کابل که خود از ادیبان برجسته بود،

از صائب استقبال کرد و او را ارج نهاد. با جلوس شاه جهان بر تخت گورکانی، ظفرخان عازم دکن شد و صائب نیز همراه او عازم شد و در آنجا مورد توجه شاه جهان قرار گرفت. در ۱۰۴۲ ه. ق در پی درخواست پدر به ایران بازگشت و در اصفهان اقامت گزید. پس از شهرت روزافزونی، شاه عباس دوم وی را به مقام «ملک الشعرائی» دربار مفتخر کرد. صائب در ایران زندگی آرام و محترمانه ای داشت و گاه به گاه به شهرهایی مانند قزوین، اردبیل، تبریز و یزد سفر میکرد. او حدود هشتاد سال زیست و در ۱۰۸۶ ه. ق در اصفهان درگذشت. صائب شاعری کثیرالشعر بود و شمار اشعارش را میان شصت تا صد و بیست هزار بیت ذکر کرده اند. بخش عمده آثار او غزل است و تنها حدود سه تا چهار هزار بیت در قالب قصیده، چند قطعه و یک مثنوی کوتاه و ناتمام به نام «قندهارنامه» سروده است. افزون بر فارسی، هفده غزل به ترکی آذربایجانی نیز دارد. نازکی خیال، نرمی بیان، مضمون یابی ظریف و کاربرد ابتکاری تشبیهات و تعابیر از ویژگی های برجسته شعر اوست. برخی تک بیت هایش شاهکارهای بی بدیل ادب فارسی به شمار میروند و صائب را معتبرترین نماینده پخته سبک هندی ساخته اند.

- سید اشرف الدین حسینی (نسیم شمال) (۱۲۸۷ - ۱۳۵۲ ه. ق / ۱۲۴۹ - ۱۳۱۲ ش): سید اشرف الدین حسینی، مشهور به «نسیم شمال»، شاعر احمدی شرا، نویسنده و مدیر روزنامه نسیم شمال از روزنامه های دوره مشروطیت ایران و از مردمی ترین شاعران طنزپرداز بود. وی در ۱۲۴۹ ش (۱۲۸۷ ه. ق) در قزوین دیده به جهان گشود و در شش ماهگی پدر را از دست داد و غصب میراث پدری، او و مادرش را به ورطه فقر و تنگدستی کشاند. اشرف الدین تحصیلات مقدماتی را در مدرسه صالحیه قزوین به پایان رساند و سپس برای تکمیل علوم دینی رهسپار عتبات عالیات شد و حدود پنج سال در کربلا به فراگیری فقه و اصول مشغول بود. پس از بازگشت، چندی در تبریز اقامت گزید و صرف و نحو، هیئت، منطق و کلام را آموخت و با «پیری روشن ضمیر» دیدار کرد که تأثیری ژرف بر حیات روحی اش نهاد. تحول اساسی در زندگی او هنگامی رخ داد که در ۱۳۲۴ ه. ق به رشت مهاجرت کرد. او در گیلان با رهبران جنبش مشروطه آشنا شد و نخستین شماره روزنامه خود با عنوان «نسیم شمال» را منتشر ساخت؛ نامی که از غزل مشهور حافظ وام گرفته بود و به زودی به لقب همیشگی خود شاعر بدل گشت. اهمیت ادبی و تاریخی نسیم شمال در گرو توانایی منحصر به فرد او در انتقال مفاهیم پیچیده سیاسی و اجتماعی به زبان توده مردم است. او با سرودن اشعاری ساده، آهنگین و آکنده از طنز گزنده و هزل مردمی، توانست تریبون محرومان و رنج دیدگان باشد. روزنامه نسیم شمال چنان محبوبیتی یافت که به گفته سعید نفیسی، مردم کوچه و بازار برای خریدنش سر و دست میشکستند و باسوادها اشعارش را برای بی سوادها در گذرها بلندخوانی میکردند. او در جریان استبداد صغیر و بمباران مجلس، از بیم مأموران محمدعلی شاه با لباس مبدل گریخت از رشت گریخت و پس از بازگشت به رشت، به عضویت «کمیته ستار» درآمد. اشعار او تلفیقی از نقد بی پروای استبداد، نکوهش بیگانگان و درد دل فقرا بود. از آثار او میتوان به «باغ بهشت» (منتخب اشعار)، منظومه «بشارت ظهور»، «تاریخ مختصر ایران» و داستان «عزیز و غزال» (اقتباسی از رومئو و ژولیت) اشاره کرد. وی در اواخر عمر به ناروا به تیمارستان افکنده شد و سرانجام در اسفند ۱۳۱۲ ش (۱۳۵۲ ه. ق) در تهران درگذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

- اقبال لاهوری (۱۲۵۶ - ۱۳۱۷ ش / ۱۸۷۷ - ۱۹۳۸ م): محمد اقبال لاهوری، مشهور به «اقبال لاهوری» و ملقب به «شاعر مشرق»، از بزرگ ترین شاعران پارسی گوی شبه قاره و از تأثیرگذارترین فیلسوفان و مصلحان اجتماعی جهان اسلام در سده ۲۰ میلادی است. وی در سیالکوت (پنجاب) دیده به جهان گشود، هرچند که او از نظر تابعیت سیاسی، متعلق به پاکستان امروزی است و به عنوان «شاعر ملی پاکستان» شناخته میشود، اما تعلق خاطر بی نظیر او به زبان و ادبیات فارسی چنان است که برخی ملی گرایان، او را «ایرانی ترین غیرایرانی» یا «فردوسی برون مرز» نامیده اند. اقبال تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند و در

کالج میسیونری اسکاتلندی ها با علوم جدید آشنا شد. او زبان های فارسی و عربی را به روش سنتی فرا گرفت و همزمان با ادبیات انگلیسی و فلسفه غرب انس یافت. در ۱۸۹۹ م نخستین شعرش با نام «ناله یتیم» را در انجمن حمایت الاسلام لاهور خواند. وی برای تکمیل تحصیلات راهی اروپا شد و از دانشگاه مونیخ آلمان دکترای فلسفه گرفت. عنوان رساله او «سیر متافیزیک در ایران» بود که در ایران بنام «سیر فلسفه در ایران» منتشر شد. اهمیت ادبی و تمدنی اقبال در گرو انتخاب آگاهانه زبان فارسی برای بیان عمیق ترین اندیشه های فلسفی و سیاسی خویش است. از حدود ۱۲ هزار بیت دیوان او، نزدیک به هفت هزار بیت به فارسی است. او به تصریح خود، مرید معنوی مولوی بود و در آثار سترگ خویش، مولانا را راهنمای سیر روحانی قرار داده است. مفهوم محوری در فلسفه شعری اقبال، نظریه «خودی» (خودآگاهی و عزت نفس اسلامی) است که در منظومه «اسرار خودی» تبیین شده و در «رموز بیخودی» تکمیل گردیده است. دیگر آثار برجسته فارسی او عبارتند از: «پیام مشرق» (پاسخی به گوته)، «زبور عجم»، «جاویدنامه» (به تقلید از کمدی الهی دانته)، «مثنوی مسافر» و «پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟». اقبال سرانجام در ۱۳۱۷ شمسی (۱۹۳۸ م) در لاهور، امروزه زیارتگاه اهل ادب و اندیشه است.

- علی اکبر دهخدا (۱۲۵۷ - ۱۳۳۴ ش): علی اکبر دهخدا، ملقب به «علامه دهخدا»، از بزرگ ترین ادیبان، لغت شناسان و طنزپردازان تاریخ معاصر ایران و از چهره های ماندگار عصر مشروطیت است. وی در ۱۲۵۷ ش در تهران دیده به جهان گشود. پدرش هنگامی که دهخدا ده سال داشت درگذشت و سرپرستی او بر عهده مادرش قرار گرفت. دهخدا تحصیلات مقدماتی را نزد استادان برجسته ای گذراند و سپس وارد مدرسه علوم سیاسی (وابسته به وزارت امور خارجه) شد و در آنجا زبان فرانسه را نیز آموخت. در ۱۲۸۱ ش به عنوان منشی سفیر ایران راهی وین شد و دو سال در آنجا اقامت گزید. این سفر، آشنایی او با اندیشه های نوین غربی را عمق بخشید. اهمیت ادبی و تاریخی دهخدا در دو عرصه متمایز اما درخشان تجلی میابد؛ پایه گذاری نثر مدرن فارسی با طنز سیاسی و تدوین بزرگ ترین لغت نامه زبان فارسی. دهخدا پس از بازگشت به ایران، به جمع آزادی خواهان مشروطه پیوست و در ۱۲۸۶ شمسی همراه با میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل و میرزا قاسم خان تبریزی، روزنامه تاریخی «صور اسرافیل» را منتشر کردند. ستون فکاهی-انتقادی این روزنامه با عنوان «چرند و پرند» که با امضای مستعار «دخو» (مخفف دهخدا) به قلم خود او نوشته میشد، نقطه عطفی در تاریخ نثر فارسی به شمار میرود. او در این نوشته ها، با زبانی ساده، عامیانه و طنز، به نقد استبداد محمدعلی شاهی، ریاکاری و جهل میتاخرت و از این رهگذر، سبکی نو در روزنامه نگاری ایران پایه گذاری کرد. شاهکار جاودانه دهخدا، لغت نامه دهخدا است که بزرگ ترین و جامع ترین فرهنگ واژگان زبان فارسی بوده و تدوین آن چهل و پنج سال به طول انجامید. دیگر اثر سترگ او «امثال و حکم» در چهار جلد است که شامل نزدیک به ۵۰ هزار ضرب المثل، حدیث و کلمات قصار فارسی میباشد. اشعار دهخدا نیز به سه دسته کلاسیک، نو و فکاهی تقسیم میشود. دهخدا سرانجام در اسفند ۱۳۳۴ شمسی در تهران چشم از جهان فروبست و در گورستان ابن بابویه شهر ری به خاک سپرده شد.

- محمدتقی بهار (ملک الشعرا) (۱۲۶۵ - ۱۳۳۰ ش): محمدتقی بهار، ملقب به «ملک الشعرا» و متخلص به «بهار»، واپسین قصیده سرای بزرگ سنت ادب فارسی و یکی از تأثیرگذارترین شاعران، ادیبان، روزنامه نگاران و سیاست مداران عصر مشروطه و دوره پهلوی است، به طوری که خانلری او را «آخرین ادیب بزرگ ایران» نامیده است. وی در مشهد دیده به جهان گشود و پدرش ملک الشعرا آستان قدس رضوی بود. بهار از همان اوان کودکی با ادب و شعر انس گرفت و گفته میشود که او در هفت سالگی شاهنامه را به پایان برده و نخستین شعر خود را سروده بود. بهار تحصیلات خود را نزد استادان برجسته ادب خراسان، به ویژه ادیب نیشابوری، پی گرفت و در ادبیات فارسی و عربی به مرتبه ای والا دست یافت. با درگذشت پدر، در ۱۸ سالگی، به فرمان

مظفرالدین شاه، عنوان «ملک الشعراى آستان قدس» به او اعطا شد، اما دیری نپایید که با طلوع انقلاب مشروطیت، مسیر زندگی اش به کلی دگرگون گشت. او منصب درباری را رها کرد و به صفوف مشروطه خواهان پیوست. اهمیت ادبی و تاریخی بهار در دو عرصه تجلی میابد: کمال قصیده سرایی در سنت کهن و تزریق روح زمانه در قالب های سنتی. او را میتوان بزرگ ترین قصیده سرای زبان فارسی پس از سده ۶ هجری دانست. از مشهورترین اشعار او میتوان به قصیده «دماوندیه» (سروده ۱۳۰۱ در واکنش به هرج و مرج سیاسی) و تصنیف ماندگار «مرغ سحر» اشاره کرد. فعالیت های مطبوعاتی او با انتشار روزنامه های «نوبهار» و «تازه بهار» که به دلیل خط مشی ضد استبدادی و ضد روسی بارها توقیف شدند، از مهم ترین اقدامات سیاسی- فرهنگی اوست که به تبعیدش به تهران انجامید. آثار بهار بسیار متنوع است و علاوه بر دیوان اشعار، شامل تألیفاتی چون «سبک شناسی»، «تاریخ مختصر احزاب سیاسی»، «چهار خطابه»، «زندگانی مانی»، «دستور پنج استاد» و تصحیح انتقادی متونی ارزشمند همچون «تاریخ سیستان» میشود. بهار سرانجام در اردیبهشت ۱۳۳۰ شمسی بر اثر بیماری سل در تهران درگذشت و در گورستان ظهیرالدوله شمیران به خاک سپرده شد.

- محمدعلی جمالزاده (۱۲۷۰ - ۱۳۷۶ ش): سید محمدعلی موسوی جمال زاده، نویسنده و مترجم، بی گمان «پدر داستان کوتاه فارسی» و آغازگر سبک واقع گرایی در ادبیات معاصر ایران است. او در اصفهان و در خانواده ای سرشناس زاده شد. پدرش، سید جمال الدین واعظ اصفهانی، از خطیبان برجسته مشروطه بود که به دست عوامل محمدعلی شاه به شهادت رسید. جمال زاده در دوازده سالگی برای تحصیل به بیروت فرستاده شد و سپس فرانسه رفت و دکترای حقوق گرفت. آنچه جمال زاده را در تاریخ ادبیات ایران جاودانه ساخت، انتشار مجموعه داستان «یکی بود، یکی نبود» در ۱۳۰۰ در برلین بود. مقدمه این کتاب را باید بیانیه ای برای نثر نوین فارسی دانست؛ او در آن، نثر فارسی را به چهار طبقه تقسیم کرد و با شعار «دموکراسی ادبی»، خواهان نزدیکی زبان نوشتار به زبان مردم کوچه و بازار شد. داستان «فارسی شکر است» از همین مجموعه، با طنزی گزنده، شکاف میان زبان نخبگان و توده را به نقد میکشد. نقل است که جمال زاده این داستان را نخستین بار در حضور علامه قزوینی و تقی زاده خواند و قزوینی، با آن سخت گیری معروفش، نخستین کسی بود که او را تشویق کرد. جمال زاده با تلفیق سنت های کهن داستان سرایی ایرانی با فنون داستان نویسی اروپایی، سبکی نو آفرید. نثر او ساده، طنزآمیز و آکنده از ضرب المثل ها و اصطلاحات عامیانه است. شخصیت های داستان هایش تیپ هایی از جامعه ایران اند و با نگاه انتقادی اش، باورهای خرافی و تعصبات زمانه را به چالش میکشد؛ نمونه درخشان آن، داستان «کباب غاز» است. جمال زاده در سال ۱۹۶۵ نامزد جایزه نوبل ادبیات شد و در کنار زین العابدین رهنما و حسین قدس نخعی، از معدود فارسی زبانانی است که به این افتخار دست یافته اند. از دیگر آثار او میتوان به رمان «دارالمجانین»، «صحرای محشر»، «سروته یه کرباس» (اصفهان نامه) و ترجمه هایی چون «ویلهم تل» و «دون کارلوس» اشاره کرد. جمال زاده سرانجام در ۱۷ آبان ۱۳۷۶، در ۱۰۵ سالگی، در آسایشگاهی در ژنو درگذشت و بنا به وصیتش، پیکرش به اصفهان منتقل و در آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد.

- علی اسفندیاری (نیما یوشیج) (۱۲۷۶ - ۱۳۳۸ ش): علی اسفندیاری، متخلص به «نیما یوشیج»، شاعر، نویسنده و نظریه پرداز ادبی معاصر است که به حق «پدر شعر نو فارسی» لقب گرفته است. وی در روستای یوش از توابع مازندران دیده به جهان گشود و کودکی را در دل طبیعت بکر و کوهستانی یوش و در میان شبانان سپری کرد و در ۱۲ سالگی به تهران مهاجرت کرد و در مدرسه سن لویی به تحصیل پرداخت. در آنجا با زبان فرانسه آشنا شد و «نظام وفا»، معلم ادبیاتش، استعداد نهفته او را کشف کرد و به سرودن شعر تشویقش نمود. نیما نخستین کتاب شعر خود را با نام «قصه رنگ پریده، خون سرد» در سال ۱۳۰۰ ش با

سرمایه شخصی منتشر ساخت. اهمیت ادبی و تاریخی نیما یوشیج در انقلابی بنیادین است که در صورت و ساختار شعر فارسی ایجاد کرد. او با انتشار منظومه «افسانه» در ۱۳۰۱ ش که بیانیه ای بر شعر نو فارسی خوانده میشود، آگاهانه تمام بنیادها و ساختارهای شعر کهن را به چالش کشید. در شعر نیمایی، تساوی طول مصراع ها و قافیه بندی مکرر از میان رفت و مصراع ها کوتاه و بلند شدند تا با ضرباهنگ طبیعی اندیشه و احساس شاعر هماهنگ شوند. او زبان شعر را به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک کرد و مضامین آن را به دغدغه های اجتماعی و سیاسی انسان معاصر پیوند زد. از مشهورترین اشعار او میتوان به «آی آدم ها» (که در نخستین کنگره نویسندگان ایران در ۱۳۲۵ ش خواند)، «ققنوس»، «داروگ» و «خانه ام ابریست» اشاره کرد. نیما علاوه بر اشعار فارسی، به گویش مازندرانی نیز اشعاری سروده که مجموعه آن ها با عنوان «روجا» منتشر شده است. از آثار منثور او میتوان به «دنیا خانه من است» (مجموعه نامه ها) و «مرقد آقا» (مجموعه داستان های کوتاه) اشاره کرد. مجموعه «هفت کتاب» نیز دربرگیرنده بهترین اشعار اوست. تمام جریان های اصلی شعر معاصر فارسی وامدار این انقلاب و تحولی هستند که نیما نوآور آن بود. او سرانجام در شامگاه ۱۳ دی ۱۳۳۸ بر اثر بیماری ذات الریه در تهران درگذشت و بنا به وصیتش، پیکرش به یوش منتقل و در حیاط خانه پدری اش به خاک سپرده شد.

- پروین اعتصامی (۱۲۸۵ - ۱۳۲۰ ش): رخشنده اعتصامی، مشهور به پروین اعتصامی، شاعری است که نامش با احیای مناظره های اخلاقی و اجتماعی در شعر فارسی گره خورده و بی گمان برجسته ترین چهره زن در تاریخ ادبیات کهن ایران به شمار میرود. او در تبریز زاده شد، اما کودکی را در تهران و در دامان پدری ادیب که مدیر مجله «بهار» و از مترجمان برجسته عصر مشروطه بود، سپری کرد. پروین فارسی، عربی و انگلیسی را نزد پدر آموخت و در محفل ادبی خانه شان که پذیرای بزرگانی چون ملک الشعرای بهار و علی اکبر دهخدا بود، طبع شاعرانه اش پرورش یافت. او تحصیلات رسمی را در مدرسه آمریکایی بیتئیل تهران به پایان رساند و همانجا به تدریس انگلیسی پرداخت. در ۲۸ سالگی ازدواج کرد، اما به دلیل اختلافات فکری، این پیوند چندان نپایید و پروین پس از جدایی، مدتی در کتابخانه دانشسرای عالی به کتابداری مشغول شد. آنچه پروین را در میان شاعران هم عصرش ممتاز میکند، نه حجم دیوانش، بلکه استقلال فکری و نظام اخلاقی منسجم اوست. او در روزگاری که شعر فارسی عمدتاً در قبضه ذوق مردانه بود، صدایی رسا و اخلاق مدار از پس حجاب عزلت برآورد که هرگز به ابتذال مدیحه سرایی فرو نغلطید. قالبی که بدان شهره است، مناظره است؛ شیوه ای کهن که از روزگار اسدی طوسی کم فروغ شده بود و پروین با نبوغ خود آن را به اوج بازگرداند. در دیوان او بیش از هفتاد مناظره دیده میشود که در آنها اشیاء بی جان، عناصر طبیعت و حتی مفاهیم انتزاعی را به گفتگو و میدارد و از دل این مکالمات، پندهای اخلاقی و انتقادهای اجتماعی گزنده بیرون میکشد. ویژگی جالب شعر پروین آن است که برخلاف بسیاری از شاعران، تقریباً خالی از ارجاع به حوادث شخصی است؛ گویی شاعر آگاهانه «من» فردی خود را پشت «من» انسانی و اخلاقی پنهان کرده است. زبان شعرش آمیزه ای از سادگی و قدمت است؛ او با به کارگیری واژگان کهن خراسانی چون «مانا»، «گفتا» و «بوریا»، لحنی استوار و در عین حال بی تکلف میآفریند. تنها اثر پروین، دیوان اوست که مشتمل بر ۶۰۶ شعر در قالب های مثنوی، قطعه و قصیده است. از مشهورترین اشعار او میتوان به «مست و هوشیار»، «ای مرغک خرد» و «اشک یتیم» اشاره کرد. پروین در ۱۳۱۵ از پذیرش مدال درجه سه لیاقت دولتی و نیز پیشنهاد تدریس به ملکه و ولیعهد رضاشاه سر باز زد. او سرانجام در ۱۳۲۰ بر اثر ابتلا به حصبه در تهران درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س) در قم، در آرامگاه خانوادگی اش، به خاک سپرده شد.

- محمد حسین بهجت (شهریار) (۱۲۸۵ - ۱۳۶۷ ش): سید محمدحسین بهجت تبریزی، متخلص به «شهریار» (پیش از آن «بهجت»)، از محبوب ترین شاعران معاصر ایران است که نامش با غزل های پرسوز فارسی و منظومه های ترکی آذربایجانی در حافظه جمعی ایرانیان پیوند خورده است. او در تبریز زاده شد، اما کودکی را در روستای اجدادی اش سپری کرد. پدرش، حاج میرآقا بهجت، وکیل و اهل ادب بود. شهریار تحصیلات مقدماتی را در تبریز گذراند و در ۱۳۰۰ برای ادامه تحصیل راهی تهران شد. او در دارالفنون درس خواند و سپس وارد رشته پزشکی گردید، اما حدود شش ماه پیش از دریافت مدرک دکتری، به سبب ناکامی در عشق (دل باختگی به دختری به نام ثریا) و فشارهای روحی ناشی از آن، تحصیل را رها کرد. غزل مشهور «آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا» زاده همین شکست عاطفی است. شهریار در تهران با حلقه درخشان ادیبان و هنرمندان هم عصرش حشر و نشر داشت؛ از ابوالحسن صبا، ملک الشعرای بهار، ایرج میرزا و عارف قزوینی گرفته تا نیما یوشیج، هوشنگ ابتهاج و کریم امیری فیروزکوهی. نخستین دفتر شعرش در سال ۱۳۱۰ با مقدمه بهار، سعید نفیسی و پژمان بختیاری منتشر شد. آنچه شهریار را در چشم مردم ایران جاودانه ساخته، تنها غزل های ناب فارسی او نیست؛ او توانست با سرودن منظومه «حیدربابایه سلام» به زبان مادری اش، جایگاهی بی بدیل در ادبیات ترکی آذربایجانی پیدا کند. این منظومه، که در آن شاعر با کوه حیدربابا به گفتگو مینشیند و حسرت کودکی را بازمی گوید، به بیش از ۸۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. دومین منظومه ترکی او، «سهندیه» نیز از آثار ماندگار ادبیات آذری به شمار میرود. شهریار در سرودن انواع قالب های فارسی، از قصیده و غزل تا شعر نیمایی، چیره دست بود، اما بی شک غزل قالب اصلی هنرمایی اوست. غزل «علی ای همای رحمت» در مدح امام علی (ع) و ارادت ویژه اش به آن حضرت و نیز شیفتگی اش به حافظ (که حتی تخلص «شهریار» را با تغال به دیوان او برگزید) از شاخصه های شعر اوست. بسیاری از قطعات و رباعیات او نیز آکنده از اندرزهای اخلاقی و تربیتی است که مخاطبش نه فردی خاص، که نوع بشر در طول تاریخ است. شهریار سرانجام در شهریور ۱۳۶۷ در بیمارستان مهر تهران درگذشت و بنا به وصیتش در مقبرةالشعرای تبریز به خاک سپرده شد. ۲۷ شهریور به افتخار او «روز ملی شعر و ادب» نام گذاری شده است.

- محمد معین (۱۲۹۷ - ۱۳۵۰ ش): دکتر محمد معین، ادیب، لغت شناس، مصحح متون کهن و از برجسته ترین چهره های پژوهشی ادبیات فارسی در سده اخیر است. نام او بیش از هر چیز با «فرهنگ فارسی معین»، یکی از مهم ترین واژه نامه های زبان فارسی، گره خورده است. او در رشت دیده به جهان گشود و در کودکی پدر و مادرش را از دست داد و سرپرستی او را پدر بزرگش بر عهده گرفت. معین تحصیلات مقدماتی را در رشت گذراند و برای ادامه تحصیل راهی تهران شد. او دوره متوسطه دوم را در دارالفنون به پایان رساند و در ۱۳۱۳ با نوشتن پایان نامه ای به زبان فرانسه، لیسانس ادبیات و فلسفه گرفت. عطش آموختن، او را به بلژیک کشاند تا به صورت مکاتبه ای، روان شناسی عملی، خط شناسی و قیافه شناسی را زیر نظر پروفیسور المر نولز فراگیرد. پس از بازگشت، دوره دکترای ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران زیر نظر ابراهیم پورداوود آغاز کرد. پایان نامه او با عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» با قید «بسیار خوب» پذیرفته شد و او را به عنوان نخستین فارغ التحصیل دکترای ادبیات فارسی در تاریخ دانشگاه تهران مطرح ساخت. معین به زبان های فرانسه، انگلیسی، عربی، آلمانی و زبان های باستانی پهلوی و اوستایی تسلط داشت. دستاوردی که نام معین را جاودانه ساخت، تألیف «فرهنگ فارسی» در شش جلد و ۷۹۰۰ صفحه بود. او بنا به وصیت علی اکبر دهخدا، مسئولیت نظارت بر تدوین لغت نامه دهخدا را نیز بر عهده گرفت و تا پایان عمر، بخش عمده ای از وقت خود را صرف تکمیل این اثر عظیم کرد. جالب آنکه نیما یوشیج نیز در وصیت نامه اش، اختیار چاپ آثارش را به معین سپرده بود، در حالی که هیچ دیدار نزدیکی بین این دو رخ نداده بود. از دیگر آثار او میتوان به تصحیح «برهان قاطع»

(در چهار جلد) و تألیف «حافظ شیرین سخن» اشاره کرد. دولت فرانسه در ۱۳۴۰، بالاترین نشان «هنر و ادب» خود را به او اعطا کرد. دکتر معین در آذر ۱۳۴۵، پس از بازگشت از ترکیه، دچار سکتة مغزی شد و پنج سال در حالت اغما به سر برد تا آنکه سرانجام در ۱۳ تیر ۱۳۵۰ در تهران درگذشت و بنا به وصیتش، در آستانه اشرفیه گیلان به خاک سپرده شد.

- جلال آل احمد (۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ ش): سید جلال الدین سادات آل احمد، مشهور به جلال آل احمد، داستان نویس، مقاله نویس و مترجم، از تأثیرگذارترین روشنفکران و منتقدان اجتماعی ایران است. او در تهران و در خانواده ای مذهبی زاده شد. جلال در جوانی وارد دانشسرای عالی تهران شد و در رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیل گردید. او تحصیل در دوره دکتری ادبیات را نیز آغاز کرد، اما در اواخر آن را ناتمام گذاشت. در ۱۳۲۳ به حزب توده پیوست، اما سه سال بعد به دلیل انتقاد از نفوذ شوروی از حزب کناره گرفت و دومین کتاب خود «از رنجی که میبریم» را همزمان با این خروج منتشر کرد. مهم ترین و جنجالی ترین میراث فکری او رساله «غرب زدگی» است که با نثری تند و خطابی، شیفتگی کورکورانه به غرب را نقد میکند و به بیانیه ای برای نسلی از روشنفکران دینی بدل شد. نثر آل احمد فشرده، موجز، عصبی و آکنده از اصطلاحات عامیانه است؛ سبکی که از زبان مردم کوچه و بازار وام گرفته و نویسندگان بسیاری پس از او از آن تأثیر پذیرفتند. از میان داستان هایش، «مدیر مدرسه (تصویری تلخ از نظام آموزشی)»، «نون والقلم (روایتی تمثیلی از مبارزه با قدرت)» و «سنگی بر گوری (بازتاب حسرت بی فرزندی)» از شهرت بیشتری برخوردارند. آل احمد سرانجام در ۱۸ شهریور ۱۳۴۸ در اسالم گیلان بر اثر سکتة قلبی درگذشت. وصیت جنجالی او مبنی بر اهدای جسد به سالن تشریح، با مخالفت شرعی مواجه شد.

- محمدعلی اسلامی ندوشن (۱۳۰۴ - ۱۴۰۱ ش): محمدعلی اسلامی ندوشن، شاعر، نویسنده، مترجم، حقوقدان و از برجسته ترین منتقدان ادبی و پژوهشگران فرهنگ و ادب فارسی در سده اخیر است. او در ندوشن از توابع یزد دیده به جهان گشود. سرودن شعر را از دوازده سالگی آغاز کرد و در دوران دبیرستان، اشعارش در مجله سخن منتشر میشد. اسلامی ندوشن پس از تحصیل در دبیرستان ایرانشهر یزد و دبیرستان البرز تهران، وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و کارشناسی حقوق گرفت. سپس برای ادامه تحصیل راهی فرانسه گردید و از دانشگاه سوربن پاریس موفق به دریافت دکترای حقوق بین الملل خصوصی شد. پس از بازگشت به ایران، مدتی به قضاوت پرداخت، اما با دعوت فضل الله رضا به دانشگاه تهران پیوست و از ۱۳۴۸ تا دو سال پس از انقلاب، در دانشکده حقوق و دانشکده ادبیات به تدریس حقوق و ادبیات تطبیقی مشغول بود. او همچنین فصلنامه هستی را بنیان نهاد و با مجلاتی چون نگین، سخن، یغما و روزنامه اطلاعات همکاری داشت. آنچه نام اسلامی ندوشن را ماندگار ساخته، دلبستگی بی پایان او به ادبیات فارسی و فرهنگ ایران و تسلط کم نظیرش بر دو حوزه تمدن غرب و فرهنگ اسلامی - ایرانی است. از میان بیش از هفتاد تألیف و ترجمه او، آثار متعددی به شاهنامه پژوهی اختصاص دارد؛ از جمله «داستان داستان ها: رستم و اسفندیار» و «زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه». در حافظ شناسی نیز «ماجرای پایان ناپذیر حافظ» از آثار خواندنی اوست. کتاب های «ایران را از یاد نبریم»، «فرهنگ و شبه فرهنگ»، «چهار سخنگوی وجدان ایران (درباره فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ)» و سفرنامه هایی چون «صغیر سیمرغ» و «کارنامه چین» از دیگر آثار برجسته اویند. نثر او فارسی ای پاکیزه، استوار و شاعرانه است. اسلامی ندوشن سرانجام در اردیبهشت ۱۴۰۱ در تورنتو کانادا، در ۹۷ سالگی، چشم از جهان فروبست.

- مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷ - ۱۳۶۹ ش): مهدی اخوان ثالث، متخلص به «م. امید»، شاعر، موسیقی پژوه و از برجسته ترین چهره های شعر نو فارسی است. او در مشهد و در خانواده ای اصالتاً یزدی دیده به جهان گشود. اخوان در نوجوانی نوازندگی تار را نزد

ابوالحسن صبا فراگرفت و بعدها با حسین قوامی همکاری داشت. پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲، به دلیل فعالیت در حزب توده دستگیر و در زندان قصر و قزل حصار زندانی شد که در آن دوره با احمد شاملو هم بند بود. اخوان شاعری را با قالب های کهن آغاز کرد که مجموعه «ارغنون» حاصل این دوره است. آشنایی با نیما یوشیج و تحولات سیاسی دهه ۱۳۳۰، او را به شعر نیمایی کشاند. نقطه عطف کارنامه او، مجموعه «زمستان» است که شاهکارش شعر «زمستان» با مطلع «هوا بس ناجوانمردانه سرد...» در دی ۱۳۳۴، دو سال پس از کودتا، سروده شد و خود او به دلیل همین شعر زندانی گردید. آنچه شعر اخوان را ممتاز میکند، آمیزش حماسه کهن خراسانی (تأثیرپذیری از فردوسی) با قالب نو نیمایی است. زبان شعر او صلابت و سنگینی شعر کهن را با ترکیبات تازه و بدیع درمی آمیزد و لحن حماسی - سوگناک او، حسرت بر گذشته پرشکوه ایران را فریاد میزند. خود او میگوید: «من به گذشته و تاریخ ایران نظر دارم. من عقده عدالت دارم ... هرکس قافیه را می شناسد، عقده عدالت دارد. قافیه دو کفه ترازو است که خواستار عدل است». از میان آثار برجسته او میتوان به «آخر شاهنامه»، «از این اوستا»، «در حیاط کوچک پاییز در زندان»، «زندگی میگوید: اما باز باید زیست»، «دوزخ اما سرد» و «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم» اشاره کرد. اخوان بر نسل های بعدی شاعران معاصر تأثیری عمیق گذاشت. او سرانجام در شهریور ۱۳۶۹ در تهران درگذشت و بنا به وصیتش، در توس (در باغ آرامگاه فردوسی) به خاک سپرده شد.

- سهراب سپهری (۱۳۰۷ - ۱۳۵۹ ش): سهراب سپهری، شاعر، نویسنده و نقاش برجسته معاصر، بی گمان یکی از محبوب ترین و تأثیرگذارترین چهره های شعر نو فارسی است. اشعار او با زبانی نرم، لطیف و سرشار از تصویرهای بکر، به زبان های بسیاری ترجمه شده است. او در قم دیده به جهان گشود، اما خود را «اهل کاشان» میدانست؛ شهری که کودکی اش را در باغ بزرگ اجدادی در محله دروازه عطا گذراند و این انس با طبیعت، بعدها در شعرها و نقاشی هایش بازتابی عمیق یافت. پدرش اسدالله سپهری، کارمند پست و تلگراف و اهل ادب و موسیقی بود. سپهری دوره ابتدایی را در دبستان خیام و متوسطه را در دبیرستان پهلوی کاشان گذراند. پس از دریافت دیپلم، به تهران آمد و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و در ۱۳۳۲ با نشان درجه اول علمی فارغ التحصیل شد. او نخستین مجموعه شعر نیمایی خود را با نام «مرگ رنگ» در ۱۳۳۰ و دومین مجموعه، «زندگی خواب ها» را در ۱۳۳۲ منتشر کرد. سپهری به فرهنگ مشرق زمین دلبستگی ویژه ای داشت و سفرهای متعددی به هندوستان، ژاپن و چین انجام داد. آنچه شعر سپهری را ممتاز میکند، زلالی و لطافت آن است. او شاعری تصویرگر بود که با نگاهی عارفانه و متأثر از فلسفه ذن، خدا را در طبیعت جستجو میکرد و اشیاء بی جان را صاحب روح و احساس میدید. مجموعه «هشت کتاب»، شامل «مرگ رنگ»، «زندگی خواب ها»، «آوار آفتاب»، «شرق اندوه»، «صدای پای آب»، «مسافر»، «حجم سبز» و «ما هیچ ما نگاه» میباشد که حاصل عمر شاعری اوست. شعر بلند «صدای پای آب» یکی از بلندترین شعرهای نو فارسی و شعر «نشانی» با مطلع «خانه دوست کجاست؟» در حافظه جمعی ایرانیان جاودانه شده است. سپهری در طول عمر خود بیش از سی نمایشگاه نقاشی نیز برگزار کرد. او در ۱۳۵۸ به سرطان خون مبتلا شد و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۵۹ در بیمارستان پارس تهران درگذشت. پیکرش بنا به وصیت خودش در صحن امامزاده سلطانعلی بن محمد باقر در مشهد اردهال کاشان به خاک سپرده شد.

<< قسمت دوم: شاعران و نویسندگان (مشاهیر ادبی) خارجی

ادبیات، مرز نمی شناسد و تاثیرگذاری آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل میشود. در کنار مشاهیر ادبی ایران، همواره شاعران و نویسندگان بزرگی در جهان بوده اند که آثارشان الهام بخش ادبا و اندیشمندان ایرانی بوده و یا به طور متقابل، بر

ادبیات ایران تأثیر گذاشته اند. در این بخش، به معرفی برخی از برجسته ترین شاعران و نویسندگان خارجی که به نحوی با تاریخ و فرهنگ ادبی ایران پیوند خورده اند یا آثارشان در دوره های مختلف مورد توجه بوده است، میپردازیم. این بررسی، گستره تاثیرگذاری ادبیات را نشان داده و به درک بهتر جریان های ادبی جهانی و نسبت آن ها با ادبیات فارسی کمک میکند.

- هومر (سده هشت و هفت ق.م): هومر، شاعر حماسه سرای یونان باستان، نخستین و تأثیرگذارترین چهره ادبیات غرب و سرچشمه فرهنگ و اندیشه اروپایی است. نام او با دو شاهکار بی بدیل، «ایلیاد» و «اودیسه»، گره خورده است. این دو اثر چنان تاثیری در آیندگان داشتند که آنها را باید شالوده تمام حماسه های پس از خود دانست. با این حال، درباره خود شاعر هاله ای از ابهام وجود دارد و برخی پژوهشگران حتی در وجود تاریخی او تردید کرده اند. دوران زندگی هومر را حدود قرن هشتم پیش از میلاد تخمین میزنند. هرودوت، مورخ یونانی، او را حدود ۸۵۰ ق.م میداند. زادگاهش نیز نامعلوم است؛ اسمیرنا و جزیره خیوس خود را زادگاه او میخوانند. روایت سنتی، هومر را شاعری نابینا و دوره گرد توصیف میکند که با نوای چنگ اشعارش را برای مردم میخواند. شاهکارهای او حاصل یک سنت شفاهی کهن هستند. گمان میرود این اشعار قرن ها سینه به سینه نقل میشدند تا سرانجام در سده ششم ق.م به دستور پیسیستراتوس، حاکم آتن، مکتوب شدند. «ایلیاد» روایتگر چهل و نه روز از آخرین سال جنگ تروا و متمرکز بر «خشم آشیل» است. «اودیسه» نیز داستان ده سال سرگردانی اولیس در راه بازگشت به وطن و وفاداری همسرش پنه لویه را روایت میکند و موجودات افسانه ای چون سیکلپ ها و سیرن را معرفی مینماید. فراتر از ارزش ادبی، این دو منظومه گنجینه اصلی شناخت اساطیر، باورها و آرمان های اخلاقی یونان باستان هستند. ارسطو در «فن شعر»، هومر را سرآمد همه شاعران میداند. تأثیر او بر غول های ادبیات غرب، از ویرژیل (در «اِنه اید») تا دانته، شکسپیر و جیمز جویس، چنان عمیق است که بدون شناخت هومر، درک ادبیات غرب ناممکن مینماید.

- دانته آلیگیری (۱۲۶۵ - ۱۳۲۱ م): دانته آلیگیری، شاعر، نویسنده و سیاست مدار اهل فلورانس، بزرگ ترین شاعر ایتالیا و از ستون های اصلی ادبیات جهان است. شاهکار او، «کمدی الهی»، نه تنها اوج ادبیات قرون وسطی، که پلی به سوی رنسانس و سرآغاز زبان ایتالیایی مدرن به شمار میرود. او این حماسه عظیم را به گویش توسکانی و نه لاتین، سرود و به همین دلیل «پدر زبان ایتالیایی» لقب گرفت. دانته در خانواده ای اشرافی زاده شد و به آموختن دستور زبان، فلسفه و علم کلام پرداخت. بزرگ ترین رویداد زندگی اش، دیدار با بئاتریچه پورتیناری در ۹ سالگی و سپس ۱۸ سالگی بود؛ عشقی افلاطونی که پس از مرگ زود هنگام بئاتریچه، به نیروی محرکه اصلی تمام آثارش بدل شد. در ۱۸ سالگی هنر شاعری را خودآموز فراگرفت و با ارسال شعری برای مشهورترین شاعران زمانه، دوستی عمیقی با کاوالکانتی آغاز کرد. نخستین اثرش، «زندگانی نو»، تلاشی برای به تصویر کشیدن بئاتریچه به عنوان الگویی از زیبایی و عشق کمال یافته بود. فعالیت سیاسی دانته در فلورانس، با پیوستن به گوتلف های سفید (جناح رقیب پاپ)، به تبعید ابدی او انجامید. در ۱۳۰۲، رقبا ی سیاسی اش اموالش را مصادره و او را غیاباً به اعدام محکوم کردند. دانته دیگر هرگز به وطنش بازنگشت و بیست سال پایانی عمرش را در شهرهای مختلف ایتالیا در تبعید گذراند. همین دوران بود که بزرگ ترین شاهکارش، «کمدی الهی» (با سه بخش دوزخ، برزخ و بهشت)، و نیز «ضیافت» و «سلطنت» را آفرید. در این سفر خیالی، ویرژیل (نماد عقل) راهنمای او در دوزخ و برزخ، و بئاتریچه (نماد ایمان) راهنمای او در بهشت است. صفت «الهی» را بعدها بوکاچیو به «کمدی» افزود. دانته در ۱۳۲۱ در راونا درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.

- ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴ - ۱۶۱۶ م): ویلیام شکسپیر، نمایشنامه نویس، شاعر و بازیگر انگلیسی، بزرگ ترین نمایشنامه نویس تاریخ و از تأثیرگذارترین چهره های ادبیات جهان است. او در استراتفورد-آپون-ایون در خانواده ای بازرگان زاده شد. پدرش پوست فروش و از صاحب منصبان دیوانی بود. در مدرسه گرامر لاتین و یونانی آموخت، اما به دلیل مشکلات مالی، تحصیل را رها کرد و مدتی شاگرد قصاب بود. در ۱۸ سالگی با آن هاتاوی ازدواج کرد و صاحب سه فرزند شد. در حدود ۱۵۸۵ به لندن رفت. بنا بر روایتی مشهور، نخستین شغلش در تماشاخانه، نگهبانی اسب های مشتریان بود. سپس به تماشاخانه گلوب (Globe) راه یافت و به عنوان بازیگر، ویراستار و نمایشنامه نویس فعالیت کرد. گروه او، «مردان لرد چمبرلین»، بعدها با حمایت جیمز اول به «مردان شاه» تغییر نام یافت. شکسپیر در مالکیت تماشاخانه گلوب سهیم شد، اما این تماشاخانه در ۱۶۱۳، حین اجرای «هنری هشتم»، در آتش سوخت. در طول ۲۵ سال، ۳۹ نمایشنامه و ۱۵۴ غزل واره آفرید که به سه دوره کمدهای اولیه («رؤیای شب نیمه تابستان»)، تراژدی های بزرگ («هملت»، «مکبث»، «شاه لیر»، «اتللو») و رمانس های پایانی («طوفان») تقسیم میشوند. آنچه او را فراتر از همه قرار میدهد، شناخت بی نظیر از روان انسان و راوی نامرئی بودن است؛ او در هیچ یک از آثارش «صدایی» از آن خود ندارد. بن جانسون در وصف او نوشت: «او نه متعلق به یک عصر، که متعلق به تمام اعصار است». شکسپیر با ابداع حدود ۱۷۰۰ واژه و عبارت جدید، تأثیری برگشت ناپذیر بر زبان انگلیسی گذاشت. او در ۱۶۱۶ در زادگاهش درگذشت و در کلیسای تثلیث مقدس به خاک سپرده شد. بر سنگ مزارش، نفرینی برای باز نکردن قبر حک شده است. دوستانش در ۱۶۲۳ «نخستین فولیوی کامل آثار» را منتشر کردند که بدون آن، ۱۸ نمایشنامه او برای همیشه از دست میرفت.

- یوهان ولفگانگ گوته (۱۷۴۹ - ۱۸۳۲ م): یوهان ولفگانگ فون گوته، شاعر، نمایشنامه نویس و نویسنده آلمانی، بزرگ ترین چهره ادبیات آلمان و از قله های ادبیات جهان است. او در فرانکفورت در خانواده ای ثروتمند زاده شد. پدرش او را از هشت سالگی به فراگیری لاتین، یونانی، فرانسوی، انگلیسی و عبری واداشت و سپس در لایپزیگ و استراسبورگ حقوق خواند، اما در نهایت دل به شعر سپرد. نخستین موفقیت بزرگش در ۲۴ سالگی با رمان نامه نگارانه «رنج های ورتن جوان» رقم خورد که داستان عشق نافرجام جوانی هنرمند است و موجی از «تب ورتن» را در اروپا برانگیخت. این اثر او را به رهبر جنبش «توفان و طغیان»، پیش درآمد رمانتیسم آلمان، تبدیل کرد. در ۱۷۷۵ به دعوت دوک کارل آگوست به وایمار رفت و تا پایان عمر همانجا ماند. سفر به ایتالیا سبکش را به کلاسیسیسم متعادل (وایمار کلاسیک) تغییر داد و دوستی عمیق با شیلر را رقم زد. بزرگ ترین شاهکارش، تراژدی «فاوست» است. این اثر داستان دانشمندی است که در ازای دانش مطلق و تجربه کامل زندگی، روح خود را به مفیستوفلس (شیطان) میفروشد و به نماد انسان مدرن در جستجوی بی پایان معنا بدل شده است. گوته شیفته حافظ بود و قرآن و زبان فارسی را مطالعه کرد. حاصل این علاقه، «دیوان غربی شرقی»، تلفیقی از شعر آلمانی و عرفان شرقی، است. او در علوم طبیعی نیز فعال بود و نظریه رنگ ها را مایه افتخار واقعی خود میدانست. گوته در ۱۸۳۲ در وایمار درگذشت.

- ویکتور هوگو (۱۸۰۲ - ۱۸۸۵ م): ویکتور-ماری هوگو، شاعر، رمان نویس و نمایشنامه نویس فرانسوی، بزرگ ترین چهره ادبیات رمانتیک فرانسه و از قله های ادبیات جهان است. او در بزانشون در خانواده ای که پدر ژنرال ناپلئون بود و مادر سلطنت طلب کاتولیک، زاده شد. این تضاد سیاسی، عمیقاً بر جهان بینی او تأثیر گذاشت. هوگو در جوانی سلطنت طلب بود، اما به تدریج به جمهوری خواهی و عدالت خواهی اجتماعی گرایید. نخستین رمان بزرگش، «گوژپشت نوتردام»، با شخصیت فراموش نشدنی کازیمودو (ناقوس زن گوژپشت) و اسمردا (دختر کولی)، نه تنها یک داستان عاشقانه تراژیک، که تلاشی برای احیای معماری گوتیک پاریس بود. اما شاهکار بی بدیل او، «بینوایان» است؛ رمانی عظیم که نگارش آن ۱۷ سال طول کشید و داستان ژان والژان،

دهقانی که به جرم دزدیدن یک قرص نان ۱۹ سال زندان را تحمل میکند را روایت میکند. این رمان، سرود باشکوه رنج دیدگان، ستمدیدگان و عدالت خواهی است. هوگو در ۱۸۵۱، به دلیل مخالفت با کودتای ناپلئون سوم، از فرانسه تبعید شد و ۱۹ سال را در تبعید گذراند. در تبعید، بزرگ ترین آثارش از جمله «بینوایان»، «افسانه قرون» و «ناپلئون صغیر» را نوشت. او در ۱۸۷۰، با سقوط ناپلئون سوم، در میان استقبال پرشکوه مردم به پاریس بازگشت. دیگر آثار مهمش عبارتند از «آخرین روز یک محکوم به اعدام (تأثیرگذار بر الغای مجازات اعدام)»، «مردی که میخندد» و «کارگران دریا». هوگو در مه ۱۸۸۵ در ۸۳ سالگی در پاریس درگذشت و پیکرش در پانتئون به خاک سپرده شد.

- فئودور داستایفسکی (۱۸۲۱ - ۱۸۸۱ م): فئودور داستایفسکی، رمان نویس و فیلسوف روس، یکی از بزرگ ترین روان شناسان ادبیات جهان و از بزرگان ادبیات وجودی (اگزیستانسیالیسم) است. داستایفسکی در مسکو و در خانواده ای از طبقه متوسط زاده شد. پدرش پزشکی نظامی و مستبد بود که بعدها توسط رعایایش به قتل رسید. در ۱۸۴۶، نخستین رمانش «بیچارگان» با تحسین بلینسکی، منتقد مشهور، روبرو شد. اما نقطه عطف زندگی اش در ۱۸۴۹ رقم خورد. به دلیل شرکت در حلقه پتراشفسکی (گروهی از روشنفکران منتقد حکومت)، دستگیر و به اعدام محکوم شد. او را تا پای جوخه آتش بردند، اما در آخرین لحظه، عفو تزار رسید و حکمش به ۴ سال کار اجباری در سبیری و ۶ سال خدمت سربازی تخفیف یافت. این روبه رو شدن با مرگ، جهان بینی او را برای همیشه دگرگون کرد. پس از تبعید، چهار شاهکار بزرگ خود را آفرید که این موارد عبارتند از «جنایت و مکافات»، داستان راسکولنیکف، دانشجویی که به انگیزه فلسفی مرتکب قتل میشود و در چنگال عذاب وجدان گرفتار میآید - «ابله»، داستان شاهزاده میشکین، انسان «کاملاً خوب» که جامعه او را «ابله» میپندارد - «جن زدگان»، هجویه ای تند علیه نیهیلیسم و انقلاب گری و سرانجام «برادران کارامازوف» که بسیاری آن را بزرگ ترین رمان تاریخ میدانند. فصل «بازرس اعظم» در این رمان (مناظره خیالی مسیح و رهبر تفتیش عقاید) یکی از عمیق ترین متون درباره آزادی، ایمان و قدرت در تاریخ فلسفه است. داستایفسکی در ۱۸۸۰ با سخنرانی در جشن پوشکین به اوج شهرت رسید. او در فوریه ۱۸۸۱ بر اثر خون ریزی ریه در سن پترزبورگ درگذشت.

- لئو تولستوی (۱۸۲۸ - ۱۹۱۰ م): کنت لئو نیکولایویچ تولستوی، رمان نویس، فیلسوف و مصلح اجتماعی روس، بزرگ ترین رمان نویس تاریخ ادبیات و از بزرگان رئالیسم و اندیشه اخلاقی جهان است. دو شاهکار او، «جنگ و صلح» و «آنا کارنینا»، قله های رمان حماسی و روان شناختی به شمار میروند. تولستوی در املاک یاسنایا پالیانا در خانواده ای از اشراف کهن روس زاده شد. پدر و مادرش را در کودکی از دست داد و عمه اش سرپرستی اش را بر عهده گرفت. تحصیلاتش را در دانشگاه قازان ناتمام گذاشت و به املاکش بازگشت تا زندگی ۳۵۰ رعیتش را بهبود بخشد، اما شکست خورد. سپس به ارتش پیوست و در جنگ کریمه شرکت کرد؛ تجربه مستقیم جنگ، شالوده «جنگ و صلح» را شکل داد. «جنگ و صلح» با حدود ۵۸۰ شخصیت، حماسه حمله ناپلئون به روسیه را روایت میکند و فلسفه خاص تولستوی از تاریخ را مطرح میسازد: تاریخ را «قهرمانان» نمی سازند، بلکه میلیون ها تصمیم کوچک انسان های معمولی آن را رقم میزنند. «آنا کارنینا» با جمله معروف «همه خانواده های خوشبخت شبیه هم هستند، اما هر خانواده ناشاد، به شیوه خودش ناشاد است» آغاز میشود. داستایفسکی آن را «کامل ترین رمان تاریخ» خواند. در ۵۰ سالگی، تولستوی دچار بحران روحی عمیقی شد و مالکیت خصوصی، کلیسا و دولت را رد کرد و به ساده زیستی و پرهیز از خشونت دعوت نمود. مهاتما گاندی ایده «مقاومت بدون خشونت» را از او الهام گرفت. از دیگر آثار مهمش میتوان به «مرگ

ایوان ایلچ»، «رستاخیز» و «پدر سرگی» اشاره کرد. تولستوی در ۸۲ سالگی، مخفیانه خانه را ترک کرد و در ایستگاه قطاری کوچک (آستاپوو) بر اثر ذات الریه درگذشت. او بارها نامزد نوبل ادبیات و صلح شد، اما هرگز آن را دریافت نکرد.

- جبران خلیل جبران (۱۸۸۳ - ۱۹۳۱ م): جبران خلیل جبران، شاعر، نویسنده و نقاش لبنانی - آمریکایی، مشهورترین چهره ادبیات عرب در قرن بیستم و از پرفروش ترین شاعران جهان است. شاهکار او، «پیامبر»، پس از انجیل و شکسپیر، پرفروش ترین کتاب در جهان انگلیسی زبان است و به بیش از ۱۰۰ زبان ترجمه شده است. جبران در روستایی در شمال لبنان و در خانواده ای فقیر زاده شد. به دلیل فقر، از تحصیل رسمی محروم ماند و نزد کشیش روستا انجیل، عربی و سریانی را فراگرفت. در ۱۸۹۵، مادرش با فرزندانش به بوستون آمریکا مهاجرت کرد. در مدرسه، استعداد نقاشی اش کشف شد و فرد هلند دی (ناشر مشهور) او را با اساطیر یونان و ادبیات جهان آشنا کرد. در ۱۸۹۸ به بیروت بازگشت و در مدرسه حکمت ادبیات عربی و انجیل را عمیقاً آموخت. در ۱۹۰۲ به بوستون بازگشت، اما در فاصله چند ماه، مادر، برادر و خواهرش را بر اثر سل از دست داد. این ضربات روحی، عمیق ترین تأثیر را بر لحن تلخ و شیرین آثارش گذاشت. با حمایت مری هسکل (مدیر مدرسه و حامی مادام العمرش) در پاریس هنر خواند. نخستین آثارش به عربی «ارواح سرکش» بود که به دلیل نقد کلیسا و دولت، در لبنان محکوم و سوزانده شد. سپس به انگلیسی نوشت و شاهکارش «پیامبر»، داستان المصطفی حکیمی که پیش از ترک شهر اورفلیس، درباره عشق، ازدواج، کار، آزادی و مرگ به پرسش های مردم پاسخ میگوید، تلفیقی از عرفان شرقی، تصوف اسلامی و ادبیات حکمی انجیل است. جبران در آوریل ۱۹۳۱ بر اثر سل و سیروز کبدی در نیویورک درگذشت. بنا به وصیتش، پیکرش به زادگاهش منتقل و به خاک سپرده شد. او همچنین بیش از ۷۰۰ اثر نقاشی از خود به جا گذاشت.

- ارنست همینگوی (۱۸۹۹ - ۱۹۶۱ م): ارنست میلر همینگوی، رمان نویس و روزنامه نگار آمریکایی، یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان قرن بیستم و برنده نوبل ادبیات ۱۹۵۴ و پولیتزر ۱۹۵۳ است. او با سبک موجز و تلگرافی اش، که خود آن را «نظریه کوه یخ» مینامید، به نماد «مردانگی سرسخت و رمانتیک» در ادبیات جهان بدل شد. همینگوی در شیکاگو و در خانواده ای متوسط زاده شد. پس از دبیرستان، به جای دانشگاه، خبرنگار شد. با ورود آمریکا به جنگ جهانی اول، داوطلب صلیب سرخ گشت و به عنوان راننده آمبولانس در جبهه ایتالیا خدمت کرد. در دهه ۱۹۲۰ به پاریس رفت و به «نسل گمشده» (گروه نویسندگان آمریکایی مهاجر) پیوست. نخستین رمان بزرگش، «خورشید همچنان میدرخشد» و سپس «وداع با اسلحه»، با الهام از عشقش به پرستار بیمارستان میلان، او را به شهرت جهانی رساندند. همینگوی عاشق اسپانیا، گاو بازی، شکار در آفریقا و ماهیگیری در کوبا بود. جنگ داخلی اسپانیا الهام بخش رمان حماسی اش، «زنگ ها برای که به صدا درمی آیند» شد. آخرین شاهکارش، «پیرمرد و دریا»، داستان سانتیاگو، ماهیگیر کهنه کار کوبایی در نبردی حماسی با کوسه ها و دریا، جایزه پولیتزر و نوبل را برایش به ارمغان آورد. او در ۱۹۵۴ در دو سانحه هوایی پی در پی در آفریقا به شدت مصدوم شد و تا پایان عمر از درد مزمن رنج برد. همینگوی در ژوئیه ۱۹۶۱، در ۶۱ سالگی، در آیداهو و با شلیک تفنگ شکاری به زندگی خود پایان داد.

- آلبر کامو (۱۹۱۳ - ۱۹۶۰ م): آلبر کامو، رمان نویس و فیلسوف فرانسوی-الجزایری، از تأثیرگذارترین چهره های ادبیات قرن بیستم و پیشگام فلسفه پوچی (ابسوردیسم) است. او در ۱۹۵۷، در ۴۴ سالگی، دومین برنده جوان نوبل ادبیات در تاریخ شد. کامو در الجزایر و در خانواده ای بسیار فقیر زاده شد. پدرش در جنگ جهانی اول کشته شد و مادرش خدمتکاری بی سواد بود. لویی ژرمن، معلم دبستان، استعدادش را کشف کرد و با بورسیه به دبیرستان فرستاد؛ کامو ۳۴ سال بعد، نوبل را به او تقدیم کرد. در ۱۷ سالگی به سل مبتلا شد و در جنگ جهانی دوم به مقاومت فرانسه پیوست و سردبیر روزنامه مخفی «گُمبا» شد. نقطه عطف

کارنامه‌اش با «بیگانه» رقم خور، داستان مورشو که «بی‌دلیل» مرتکب قتل می‌شود و بیش از قتل، به خاطر «بی‌تفاوتی‌اش» محکوم می‌گردد. این رمان، همراه با جستار «افسانه سیزیف»، با جمله معروف «امروز مادر مُرد، شاید هم دیروز، نمی‌دانم»، از متون بنیادین فلسفه پوچی هستند. کامو، «سیسیفوس»، محکوم اساطیری که صخره‌ای را تا ابد به بالای کوه می‌گلتاند را «قهرمان پوچی» می‌نامد و برخلاف سارتر، خود را اگزیستانسیالیست نمی‌داند. دیگر شاهکارهای او عبارتند از نمایشنامه «کالیگولا»؛ رمان «طاعون»، تمثیلی از اشغال فرانسه و مقاومت انسان در برابر شر و «انسان طاعی» که به جدایی از سارتر انجامید. کامو در ژانویه ۱۹۶۰ و در سن ۴۶ سالگی، بر اثر سانحه رانندگی در نزدیکی سن فرانسه درگذشت.

<< قسمت سوم: آثار مهم و برتر ادبی ایرانی

ادبیات هر سرزمین، در گرو آثار ماندگاری است که حاصل تلاش ذهن خلاق هنرمندان و اندیشمندان آن است. در ادامه به معرفی و بررسی اجمالی شماری از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آثار ادبی ایران، از آغاز تا دوران معاصر، می‌پردازیم. این آثار، ستون‌های استوار شعر و نثر فارسی را تشکیل می‌دهند و هر یک، عصاره اندیشه، هنر و تجربیات دوره خود هستند.

۱. ادبیات حماسی و اساطیری کهن

- تاریخ بلعمی: ترجمه ابوعلی بلعمی؛ ۳۵۲ ه.ق؛ ترجمه ای کهن و ارزشمند از «تاریخ طبری» به زبان فارسی که به دستور امیر منصور بن نوح سامانی فراهم آمد. بلعمی با تلخیص، افزودن روایات ایرانی (به ویژه در تاریخ ایران در ارتباط با کیومرث و اسطوره‌های پیشدادی) و حذف زنجیره سلسله راویان، آن را به اثری مستقل و روان بدل کرده. نثر تاریخ بلعمی، یکی از نخستین نمونه‌های نثر ساده و مرسل فارسی و از مهم‌ترین منابع شناخت زبان فارسی در قرن چهارم هجری است.

- شاهنامه: حکیم ابوالقاسم فردوسی؛ ۳۷۰ - ۴۰۰ ه.ق؛ مهم‌ترین حماسه ملی ایران و از بزرگترین منظومه‌های حماسی جهان. در این منظومه حدوداً ۵۰ هزار بیتی، سراسر تاریخ اساطیری و حماسی ایران از کیومرث تا فروپاشی ساسانیان به تازیان در سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی روایت شده. درون مایه اصلی آن ستایش خرد، نبرد نیکی با بدی و پاسداشت هویت ملی است. فردوسی با پرهیز آگاهانه از واژگان بیگانه، نقشی بی‌بدیل در احیای زبان فارسی ایفا کرد. داستان‌هایی مانند «رستم و سهراب» (تراژدی پدرکشی ناخواسته) و «رستم و اسفندیار» (نبرد سرنوشت) از ماندگارترین داستان‌های حماسی تاریخ هستند.

۲. ادبیات غنایی، عرفانی و فلسفی قرون اولیه اسلامی

- ویس و رامین: فخرالدین اسعد گرگانی؛ حدود ۴۴۶ ه.ق؛ نخستین منظومه داستان عاشقانه بزرگ به زبان فارسی دری و مبتنی بر روایتی بازمانده از دوران اشکانیان که به دستور حاکم اصفهان به نظم درآمده. برخلاف عشق‌های آرمانی و تصعید شده ادبیات متأخر، ویس و رامین داستانی زمینی با محوریت عشق مثلث‌گونه و پرشور میان ویس (زن پیمان بسته شاه موبد)، رامین (برادر جوان شاه) و خود شاه است. این اثر بی‌پرده به کشمکش عشق و تعهد می‌پردازد و شخصیت‌هایش از ضعف‌ها، حيله‌گری‌ها و امیال انسانی تهی نیستند. گرگانی با این منظومه، نه فقط یک عتیقه ادبی را زنده کرد، که بنیان داستان‌سرایی عاشقانه فارسی را با روابط علی و معلولی پیش از نظامی گنجوی پی ریخت.

- مناجات‌نامه: خواجه عبدالله انصاری؛ قرن ۵ ه.ق؛ اوج نثر مسجع و عارفانه در ادبیات فارسی. این کتاب مجموعه‌ای از مناجات‌های عاشقانه و عارفانه است که با زبانی آهنگین، شاعرانه و سرشار از سوز و گداز، گفتگوی بنده با پروردگار را به تصویر می‌کشد. خواجه آن را برای عموم مردم و نه خواص، به فارسی هروی نوشت. جملات کوتاه و ضربی، همراه با جناس و سجع‌های دل‌نشین، نثری بی‌تکلف و سرشار از احساسات ناب پدید آورده که نمونه درخشان نثر فنی فارسی است. برخلاف نیایش‌های خشک عبادی، این اثر تجربه زیستن عرفان در ساحت عشق شخصی است و شور و شوق عاشقانه‌اش تأثیر عمیقی بر ادبیات عرفانی پس از خود، از سنایی و عطار گرفته تا مولوی، گذاشته است.

- **کیمیای سعادت:** امام محمد غزالی؛ اوایل قرن ۶ ه.ق؛ اثری فلسفی - عرفانی به نثر شیوای فارسی که خلاصه ای از کتاب عربی احیاء علوم الدین است. غزالی آن را پس از بحران روحی اش برای عموم فارسی زبانان نوشت. در چهار بخش اصلی (عبادات، معاملات، مهلکات و منجیات) راه رسیدن به سعادت ابدی را با تلفیق شریعت و طریقت تشریح میکند. نثر کتاب برخلاف نثر فنی رایج، ساده، روان و قابل فهم برای عموم است و عرفان را از انحصار خواص خارج می کند. برجسته ترین نوآوری غزالی، درآمیختن فقه، اخلاق فلسفی و تصوف در قالبی همه فهم است. این کتاب را «رساله نجات بخش» نیز خوانده اند و تأثیر آن بر ادبیات تعلیمی و عرفانی فارسی بسیار گسترده بوده است.

- **الهی نامه:** حکیم سنایی غزنوی؛ قرن ۶ ه.ق؛ منظومه ای عرفانی - اخلاقی که نباید با حقیقة الحقیقه (که گاه «الهی نامه» خوانده شده) اشتباه گرفت. این مثنوی کوتاه تر، مجموعه ای از پندها، حکمت ها و اندرزه های عرفانی است که با زبانی ساده و بی تکلف سروده شده. سنایی در این اثر با استفاده از تمثیل ها و داستان های کوتاه، مفاهیم عمیق عرفانی مانند توکل، عشق الهی و ترک تعلقات دنیوی را برای مخاطب عام قابل فهم ساخته. الهی نامه تمرکزی منسجم تر بر اخلاق عملی و سلوک فردی دارد و ادامه دهنده راهی است که سنایی در حقیقة الحقیقه آغاز کرده بود و پلی است میان نگاه تعلیمی - عارفانه او و آثاری چون منطق الطیر که بعدها شیوه تمثیل سازی را به اوج رساندند.

- **خمس گنجوی:** نظامی گنجوی؛ ۵۶۷ تا ۵۹۹ ه.ق؛ خمسه یا پنج گنج شامل پنج منظومه مستقل است که با هم شالوده ادبیات غنایی و حکمی فارسی را میسازند. مخزن الاسرار (۵۶۷ ق) اثری زاهدانه و تعلیمی؛ خسرو و شیرین (۵۷۶ ق) اوج عشق زمینی با محوریت قهرمانی زن و تأکید بر وفا؛ لیلی و مجنون (۵۸۴ ق) تراژدی عشق نافرجام؛ هفت پیکر (۵۹۳ ق) داستان بهرام گور و هفت افسانه از هفت شاهزاده به رنگ هفت سیاره، که نماد سلوک نفسانی است؛ اسکندرنامه (۵۹۹ ق) در دو بخش شرفنامه و اقبالنامه، تلفیق تاریخ و حکمت سیاسی. نظامی با تخیل بی نظیر، شخصیت پردازی عمیق و ترکیب عشق و خرد، مثنوی عاشقانه را از روایت ساده به ژانری پیچیده و فلسفی ارتقا داد.

- **منطق الطیر:** عطار نیشابوری؛ حدود ۵۷۳ ه.ق؛ شاهکار تمثیلی عرفان فارسی که سفر مرغان جهان به راهنمایی هدهد برای یافتن سیمرغ (نماد حق) را روایت میکند. عطار در این منظومه، هفت وادی سلوک را با زبانی نمادین ترسیم میکند و در پایان با تمثیلی درخشان، مفهوم وحدت وجود را آشکار میسازد؛ سی مرغی که از وادی ها گذشته و درمی یابند که سیمرغ همان خودشان هستند. برخلاف سنایی که عرفان را در قالب پند و اندرز ریخته، عطار با خلق داستانی منسجم و پرکشش، مفاهیم دشوار تصوف را در روایتی جذاب و دراماتیک به مخاطب عرضه کرد. تأثیر این ساختار روایی-نمادین بر تمام ادبیات عرفانی پس از خود بی بدیل است.

- **مثنوی معنوی:** مولانا؛ حدود ۶۶۲ تا ۶۷۲ ه.ق؛ شاهکار بی بدیل عرفان اسلامی در شش دفتر و حدود ۲۶ هزار بیت که به تحریک و همراهی حسام الدین چلبی سروده شده. ساختار ظاهری حکایت در حکایت است؛ اما در لایه های زیرین، هر قصه تأویلی عرفانی می یابد و به دریایی از معانی میریزد. مثنوی برخلاف آثار عطار، تعلیم را با طنز، شور و روایت های زنده از زندگی روزمره درمی آمیزد. اوج هنر مولانا در «جریان سیال ذهن» عارفانه است که تداعی معانی را جایگزین نظم خشک منطقی میکند. این کتاب که به «قرآن فارسی» ملقب شده، نه تنها یک منظومه، که یک نظام فکری کامل از هستی شناسی تا سلوک عملی است.

- **دیوان شمس (دیوان کبیر):** مولانا؛ حدود ۶۴۲ تا ۶۷۲ ه.ق؛ مجموعه ای عظیم از غزلیات و رباعیات مولانا که حاصل جوشش بی اختیار شور عاشقانه پس از دیدار شمس تبریزی است. بسیاری از این اشعار در سماع و بی خودی سروده شده که دیگران مکتوب کرده اند. به همین دلیل، زبان آن برخلاف مثنوی، فاقد نظم تعلیمی و سرشار از موسیقی، پارادوکس و تصاویر سوررئال است. در این دیوان، خود را «نی» و شمس را «نی زن» میخواند و برای نخستین بار در شعر فارسی، عشق انسانی را چنان بی پروا با عشق الهی درمی آمیزد که مرز میان عاشق و معشوق و زمین و آسمان فرو می ریزد. دیوان کبیر اوج تغزل عارفانه و نقطه اوج تجربه وحدت وجود در قالب شعر فارسی است.

- **بوستان:** سعدی شیرازی؛ ۶۵۵ ه.ق؛ منظومه ای تعلیمی - اخلاقی در قالب مثنوی که یک سال پیش از گلستان به پایان آمده. کتاب در ده باب عدل، احسان، عشق، تواضع، رضا، قناعت، تربیت، شکر، توبه و مناجات، سازمان یافته و برخلاف گلستان که از حکایت های پراکنده شکل گرفته، ساختاری منظم تر و موضوع محورتر دارد. ویژگی منحصر به فرد بوستان، مهارت سعدی در تبدیل مفاهیم انتزاعی اخلاقی به تصاویری ملموس و روایت های به

یادماندنی است، بی آنکه به خشکی پند و اندرزهای کلیشه ای دچار شود. زبان کتاب فاخر اما بی تکلف است و سعدی با همین اثر، در کنار فردوسی و نظامی، تثلیث بزرگ مثنوی سرایی فارسی را کامل کرد.

- **گلستان:** سعدی شیرازی؛ ۶۵۶ ه.ق؛ شاهکاری در نثر مسجع فارسی که یک سال پس از بازگشت سعدی از سفرهای طولانی اش نوشته شده و در هشت باب سیرت پادشاهان، اخلاق درویشان، فضیلت قناعت، فواید خاموشی، عشق و جوانی، ضعف و پیری، تأثیر تربیت و آداب صحبت، تدوین شده است. نوآوری در گلستان، تلفیق سه عنصر نثر آهنگین، شعر و حکایت های کوتاه است. نثر آن «سهل ممتنع» است؛ یعنی چنان ساده و روان است که تقلیدش ناممکن مینماید. هر حکایت، از دل یک موقعیت روزمره، نتیجه ای اخلاقی، اجتماعی یا عرفانی میگیرد. گلستان به دلیل زبان جهان شمول و ارجاعات مکرر به طبیعت انسان، از معدود آثار فارسی است که از زمان نگارش تا امروز بی وقفه خوانده، حفظ و تقلید شده است.

۳. ادبیات تعلیمی، تاریخی و داستانی

- **تاریخ بیهقی (تاریخ مسعودی):** ابوالفضل بیهقی؛ حدود ۴۵۰ ه.ق؛ شاهکار نثر فارسی و مهمترین نمونه تاریخ نگاری تحلیلی - روایی ایران که از میان مجموعه سی جلدی، تنها شش جلد آن (دوره مسعود غزنوی) باقی مانده. برخلاف تاریخ های وقایع نگار، بیهقی با روایت جزئیات پنهان قدرت، از مذاکرات درباری و توطئه های پشت پرده گرفته تا روانشناسی شخصیت ها، خواننده را به لایه های زیرین سیاست میبرد. نقطه اوج کتاب، داستان بر دار کردن حسنک وزیر است؛ روایتی تراژیک از سقوط یک دولتمرد که در آن بیهقی با حفظ بی طرفی ظاهری، با ظرافت، همدلی خود با قربانی را نشان میدهد. نثر او آمیزه ای از استناد، داستان پردازی و حکمت است که اثر را به یکی از نخستین نمونه های «تاریخ به مثابه ادبیات» در زبان فارسی بدل کرده است.

- **کلیله و دمنه:** نصرالله منشی؛ حدود ۵۳۹ ه.ق؛ ترجمه ای آزاد و آمیخته به ذوق ایرانی از نسخه عربی ابن مقفع که خود ریشه در پنجه تنتره سانسکریت دارد. مجموعه ای از داستان های تمثیلی که غالباً از زبان دو شغال، کلیله و دمنه، روایت میشوند و هر یک درسی سیاسی، اخلاقی یا اجتماعی در خود نهفته دارند. منشی با افزودن اشعار، امثال عربی و مقدمه ای مفصل به قلم خود، متن ساده ابن مقفع را به شاهکاری از نثر فنی و مصنوع فارسی بدل کرد. استفاده افراطی از سجع، استعاره و آیات قرآنی، نثر کتاب را دشوار اما بسیار آهنگین ساخته. کلیله و دمنه سرآغاز رسمی نثر فنی در ادبیات فارسی محسوب میشود و تأثیر آن بر تمام متون مصنوع بعدی، غیرقابل انکار است.

- **سمک عیار:** فرامرز ارجانی؛ حدود ۵۸۵ ه.ق؛ نخستین و بزرگترین رمان عامیانه و پهلوانی فارسی که از سنت قصه گویی شفاهی برخاسته. داستان در سه جلد، ماجراهای سمک، عیار زیرک و وفادار و خورشیدشاه، شاهزاده حلب، را در عشق، نبرد و سیاست روایت میکند. برخلاف ادبیات رسمی درباری، سمک عیار تصویری زنده از زندگی توده مردم، آیین های عیاری و جوانمردی و روابط اجتماعی قرون میانه ایران را ارائه میدهد. شخصیت های زن در این داستان نقشی فعال و گاه پیش برنده دارند که در ادبیات نخبه گرای هم عصرش کم نظیر است. نثر کتاب ساده و بی تکلف و آکنده از واژگان عامیانه و گفتگوهای پرکشش است. این اثر گنجینه ای از فرهنگ شفاهی و عامه ایران پیش از مغول است.

- **تاریخ جهانگشا:** عطاملک جوینی؛ ۶۵۰ تا ۶۵۸ ه.ق؛ تاریخ رسمی ظهور و فتوحات چنگیزخان و جانشینانش تا دوره هولاکوخان، نوشته دیوانسالاری ایرانی در دستگاه مغولان. جوینی از نزدیک شاهد بسیاری از وقایع بود و با دسترسی به اسناد سری ایلخانی، دقیق ترین گزارش موجود از سقوط قلعه های اسماعیلیان به دست هولاکو را ثبت کرده است. نثر کتاب دوگانه است، بخش های تاریخی با زبانی نسبتاً مستقیم روایت میشوند، اما دیباچه ها و مواضع ابراز وفاداری به مغولان، به نثر فنی متکلف و سرشار از صنایع بدیعی نگاشته شده. تناقض جانکاه کتاب در این است که نویسنده ای ایرانی، فاجعه ملی را با آب و تاب ادبی و در مقام کارگزار فاتحان روایت میکند. در هرحال، جهانگشا مهمترین سند برای شناخت تاریخ مغول و اسماعیلیان الموت باقی مانده.

۴. ادبیات دوران بازگشت ادبی و معاصر

الف) شعر معاصر

- افسانه: نیما یوشیج؛ ۱۳۰۰ ش؛ بیانیه شعر نو فارسی و نقطه آغازین گسست از سنت هزار ساله عروض. این منظومه روایی در قالبی آزاد سروده شد؛ مصرع ها کوتاه و بلندند و قافیه به جای آخر مصرع، هرجا که معنا اقتضا کند ظاهر میشود. داستان از گفتگوی عاشقانه شبانه میان شاعر و معشوقی نمادین آغاز میشود، اما به سرعت به جدالی درونی میان سنت و نوآوری بدل میگردد. «افسانه» در حقیقت مرثیه ای برای رؤیاهای از دست رفته شاعر در جامعه ای بسته است. با این شعر، وزن از زندان تساوی مصرع ها رها شده و نشان داده شد که شعر میتواند همزمان روایتگر، موسیقایی و اجتماعی باشد. افسانه را باید مبدأ تاریخ شعر معاصر فارسی دانست.

- حیدربابایه سلام: سید محمدحسین شهریار؛ ۱۳۳۰ ش؛ شاهکار ادبیات ترکی آذربایجانی که شهریار آن را در میانسالی و پس از سال ها شعر فارسی سرودن، به زبان مادری خلق کرد. منظومه در قالب بندهای یازده هجایی و خطاب به کوه حیدربابا سروده شده و شاعر از کوه میخواهد خاطرات کودکی اش را بازگو کند. این بهانه، او را به جهان رنگارنگ روستا میبرد: بازی های کودکانه، مهر مادر و بی عدالتی اربابان. برخلاف سنت ادبی غالب که ترکی را برای شعر جدی مناسب نمیدانستند، شهریار با زبانی ساده اما عمیقاً شاعرانه، حماسه ای از زندگی فراموش شده روستایی آفرید. حیدربابایه سلام به سرعت در میان ترک زبانان ایران، ترکیه و قفقاز محبوب شد و به نماد پیوند هویت قومی با عاطفه مدرن بدل گشت.

- آخر شاهنامه: اخوان ثالث؛ ۱۳۳۸ ش؛ سومین دفتر شعر اخوان که با شعر بلند و حماسی «آخر شاهنامه» گشوده میشود. شاعر در این منظومه، خود را راوی پس از پایان نبرد حماسی میبیند؛ آنجا که شاهنامه به آخر رسیده و جز ویرانه، شکست و ناامیدی چیزی باقی نمانده است. اخوان با باستان گرایی در زبان و ارجاع به اساطیر ایران، میان حماسه از دست رفته فردوسی و تراژدی مدرن ایرانی پل میزند. لحن سوگوارانه او در این دفتر، نه نوحه بر گذشتگان، که مرثیه ای بر آرمان های نسل شکست خورده معاصر است. شکست سیاسی در نگاه اخوان حادثه ای گذرا نیست، بلکه فرجام محتوم تاریخ تلقی میشود. آخر شاهنامه اوج تلفیق اسطوره و سیاست در شعر نو فارسی است.

ب) نثر و داستان معاصر

- چرند و پرند: علی اکبر دهخدا؛ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ش؛ مجموعه مقالات طنز سیاسی - اجتماعی که در هفته نامه صوراسرافیل و در فاصله پیروزی انقلاب مشروطه تا آغاز استبداد صغیر منتشر میشد. دهخدا با شخصیت های طنزآمیز متعدد (دخو، خرمگس و...) و بهره گیری از زبان محاوره کوچه و بازار، از سبک نگارش پیچیده رایج زمانه فاصله گرفت و نثر نوین فارسی را پایه گذاری کرد. او بیرحمانه به مفاسد دربار، ناکارآمدی دولت، جهل عمومی، خرافات، نفوذ خارجی و نبود آزادی میتاخت. نوآوری بزرگ دهخدا، تبدیل طنز از حربه ای شخصی به رسانه ای ادبی و ابزاری مؤثر برای نقد سیاسی بود. چرند و پرند با نثر فصیح و جملات کوتاهش، سرآغاز طنز مدرن فارسی محسوب میشود.

- چشم هایش: بزرگ علوی؛ ۱۳۳۱ ش؛ برجسته ترین رمان بزرگ علوی و از مهمترین آثار داستانی معاصر فارسی که در ایران منتشر و سپس ممنوع شد. داستان از زبان راوی ای روایت میشود که به دنبال رازِ تابلوی «چشم هایش»، نقاشی یک هنرمندِ دربندِ سیاسی به نام ماکان، است. او سرانجام با زنی مرموز به نام فرنگیس روبرو میشود که داستان عشق خود به ماکان را باز میگوید. علوی با نگاهی روان شناختی و زبانی ساده، عشق، فداکاری و مبارزه سیاسی را در هم می آمیزد و تصویری از روشنفکران و سرخوردگان عصر رضاشاه ارائه میکند.

- یکی بود، یکی نبود: محمدعلی جمالزاده؛ ۱۳۰۰ ش؛ نخستین مجموعه داستان کوتاه مدرن فارسی که سرآغاز رسمی این ژانر در ادبیات ایران محسوب میشود. این کتاب شامل ۶ داستان است که مشهورترین آن ها «فارسی شکر است» نام دارد. جمالزاده در این داستان ها با زبانی ساده، طنزآمیز و نزدیک به گفتار مردم، به نقد خرافات، فساد سیاسی، دخالت بیگانگان و عقب ماندگی ایران عصر مشروطه میپردازد. مقدمه کتاب که بسیاری آن را «مram نامه نثر مدرن فارسی» خوانده اند، نویسندگان را به پرهیز از نثر متکلف و نوشتن برای عموم مردم دعوت میکند. انتشار کتاب با استقبال روشنفکران و خشم برخی روحانیون روبرو شد، چنان که نسخه هایی از آن در ملأ عام سوزانده شد. این واکنش ها جمالزاده را برای بیست سال از نوشتن بازداشت.

- غرب زدگی: جلال آل احمد؛ ۱۳۴۰ ش؛ جریان سازترین مقاله انتقادی - اجتماعی آل احمد که به جای ارائه اثری آکادمیک، با نثری کوبنده و شبیه به بیانیه، «غرب زدگی» را چون «وبا زدگی» بیماری ای از درون میدانند. او با رویکردی چپ گرایانه و بومی، از «ماشین» به مثابه طاعون غرب میگوید که

اقتصاد و فرهنگ شرق را نابود میکند. آل احمد انسان غرب زده را «هَره‌ری مذهب» و بی ریشه توصیف میکند. توقیف فوری کتاب توسط ساواک نشان دهنده تأثیر عمیق آن بر فضای فکری پیش از انقلاب است.

- مدیر مدرسه: جلال آل احمد؛ ۱۳۳۷ ش؛ رمانی کوتاه و تلخ که راوی آن معلمی سرخورده است که برای فرار از فشارهای زندگی به مدیریت مدرسه ای متروکه در حاشیه شهر پناه میبرد. در این کتاب، با نثری ساده، موجز و فاخر، به نقد نظام آموزشی و بوروکراسی بیمار پرداخته شده که کودکان را چون مواد خام به ماشین تحقیر و بی اراده گی میسپارد. این اثر با فروش بیش از ۳۰ هزار نسخه در یک بازه زمانی کوتاه، از پرخواننده ترین آثار او شد و بازتابی از یأس روشنفکران پس از کودتای ۳۲ است.

- فاطمه فاطمه است: علی شریعتی؛ ۱۳۵۰ ش؛ متن بازنویسی شده سخنرانی شریعتی در حسینیه ارشاد که به یکی از پرخواننده ترین متون مذهبی معاصر ایران بدل شد. شریعتی در این کتاب، حضرت فاطمه (س) را نه به عنوان شخصیتی دست نیافتنی و آسمانی، که در مقام یک «الگوی انسانی-اسلامی» برای زن معاصر معرفی میکند؛ زنی که در جامعه ای دخترکُش، وارث مفاخر پدر میشود و با «بودن» خود به پرسش «چگونه شدن» پاسخ میدهد. جمله «فاطمه فاطمه است»، تأکیدی بر یگانگی شخصیت او فراتر از نسبت های خانوادگی و تعریف های قالبی است. این اثر با نثری شاعرانه و ایدئولوژیک، سال ها الهام بخش گفتمان زن مسلمان در ایران بوده است.

- عزاداران بَیَل: غلامحسین ساعدی؛ ۱۳۴۳ ش؛ مجموعه ای از هشت داستان کوتاه به هم پیوسته که در روستایی خیالی به نام «بَیَل» میگذرد. شخصیت های ثابت در سراسر داستان ها حضور دارند و روایتی منسجم شبیه به رمان میسازند. درون مایه اصلی کتاب، هراس گریزنناپذیر از مرگ، خشکسالی، قحطی و بیماری است. ساعدی با تلفیق واقعیت و خیال، تصویری تلخ از زندگی روستایی و باورهای عامیانه ارائه میدهد. مشهورترین داستان این مجموعه، قصه «مش حسن» است که پس از مرگ گاوش دیوانه میشود و بعدها اقتباس سینمایی موفق با نام «گاو» ساخته داریوش مهرجویی از آن صورت گرفت. این اثر را از نخستین نمونه های رئالیسم جادویی در ادبیات ایران دانسته اند.

- سووشون: سیمین دانشور؛ ۱۳۴۸ ش؛ پرفروش ترین و مشهورترین رمان دانشور که در شیراز تحت اشغال متفقین در جنگ جهانی دوم میگذرد. داستان از نگاه «زری»، همسر یوسف (زمینداری آرمانگرا)، روایت میشود که حاضر نیست محصولش را به انگلیسی ها بفروشد. «سووشون» در گویش شیرازی به معنای سوگواری سیاوش است و دانشور با این عنوان، رمانش را به تراژدی ملی و ایستادگی در برابر اشغالگر پیوند میزند. زری در طول داستان از زنی منفعل به کنشگری اجتماعی بدل میشود. این اثر با نثری واقع گرا، تصویرگر فساد، قحطی و مقاومت است.

- شوهر آهو خانم: علی محمد افغانی؛ ۱۳۴۰ ش؛ نخستین رمان علی محمد افغانی و از نقاط عطف ادبیات داستانی ایران که آن را در زندان نوشت و با هزینه شخصی منتشر کرد. داستان در کرمانشاه ۱۳۱۳ میگذرد و زندگی سید میران سرابی، نانوايي مرفه را روایت میکند که با ورود هما، زنی جوان، شیفته او میشود و او را به عنوان همسر دوم بر همسرش آهو، تحمیل میکند. رمان تصویری تلخ از وضعیت زنان در جامعه سنتی و نقدی بر چند همسری است. نجف دریابندری آن را با آثار بالزاک و تولستوی مقایسه کرد. فروش بالای کتاب در زمان خود، رویدادی کمسابقه بود.

- پله پله تا ملاقات خدا: عبدالحسین زرین کوب؛ ۱۳۶۶ ش؛ روایتی داستان گونه و مستند از زندگی، اندیشه و سلوک مولانا. این کتاب با نثری روان و ساده، برخلاف دیگر آثار پژوهشی زرین کوب، سیر تحول روحی مولانا را از کودکی تا دیدار شمس و پس از آن دنبال میکند و شرحی از احوال شاگردان نامدارش به دست میدهد. عنوان کتاب برگرفته از تعبیری عارفانه، سلوک پله پله مولانا به سوی کمال است. ایجاز، روایت داستانی و تحلیل های علمی - تاریخی هم زمان، شاخص ترین ویژگی این اثر محسوب میشود.

<< قسمت چهارم: آثار مهم و برتر ادبی جهان

جهان، همواره گنجینه ای از داستان ها، اندیشه ها و احساساتی بوده که در قالب ادبیات بازتاب یافته است.

- حماسه گیلگمش (The Epic of Gilgamesh): ناشناس (منسوب به سین لقی اونینی، کاتب اکدی)؛ ۲۱۰۰ تا ۱۲۰۰ پ.م (نسخه نهایی اکدی: ۱۲۰۰ پ.م)؛ کهنترین اثر ادبی شناخته شده بشر که بر الواح گلی به خط میخی اکدی نگاشته شد. داستان، ماجراهای گیلگمش، پادشاه اوروک و دوستش انکیدو را روایت میکند. مرگ انکیدو، گیلگمش را به جستجوی جاودانگی میکشاند، اما سرانجام درمی یابد که نامیرایی تنها در «میراث» ممکن است. این

حماسه نخستین روایت مکتوب از طوفان بزرگ، دوستی حماسی و تأمل در مرگ است. قطعه «مرثیه انکیدو» از نخستین سوگ سروده های تاریخ ادبیات به شمار میرود. گیلگمش با طرح پرسش های بنیادین درباره سرنوشت انسان، الگوی کهن بسیاری از روایت های بعدی، از ایللیاد تا انجیل، بوده است.

- ایللیاد (Iliad): هومر؛ حدود ۷۵۰ پ.م؛ کهن ترین حماسه غرب که تنها ۵۱ روز از واپسین سال جنگ تروا را روایت میکند. محور داستان خشم آشیل، بزرگترین جنگجوی یونانی است که پس از کناره گیری از نبرد، به خاطر مرگ دوستش پاتروکلوس به میدان بازمیگردد. هومر برخلاف روایت های قهرمان محور، به هر دو سوی یونانی و تروایی نبرد همدلی نشان میدهد. صحنه وداع هکتور و آندروماخه از نخستین تراژدی های خانوادگی ادبیات است. شفقت نهایی آشیل به پریام، پدر دشمنش، اوج انسانیت در حماسه ای سرشار از خشونت است. ایللیاد با تبیین مفهوم «کلئوس»، شکوه از راه مرگ جوانمردانه، منبع اصلی اساطیر یونان و الگوی تمام حماسه های بعدی غرب شد.

- اودیسه (Odyssey): هومر؛ حدود ۷۲۰ پ.م؛ دنباله ایللیاد که سفر ده ساله ادیستوس برای بازگشت از تروی به ایتیکا را روایت میکند. برخلاف حماسه نبرد، ادیسه حماسه «بازگشت» است. قهرمان با حيله گری (نه فقط زور بازو) از موانعی چون سیکلوپ (دیو تک چشم)، سیرن ها و کالوپسو میگذرد. همزمان در ایتیکا، همسرش پنه لوپه با ترفند هوشمندانه بافتن کفن در روز و پنهانی شکافتن آن در شب، خواستگاران را معطل میکند. هومر در این اثر، مفهوم «قهرمان» را از جنگجو به انسان صبور و چاره اندیش گسترش داد. ساختار غیرخطی روایت و تلفیق اسطوره و ماجراجویی، ادیسه را به الگوی بنیادین «سفر قهرمان» و کهن الگوی روایت بازگشت در تمام ادبیات غرب بدل کرده است.

- هزار و یک شب (One Thousand and One Nights (Arabian Nights)): روایت های عامیانه (گردآوری ناشناس)؛ سده ۸ تا ۱۸ م (هسته اولیه: سده ۹ م در بغداد)؛ گنجینه ای عظیم از داستان های تو در تو که چارچوب اصلی آن، روایت شهرزاد است، ملکه ای که با قصه گفتن هر شب، شهریار را از قتل خود باز میدارد. این ساختار «داستان در داستان»، که نخستین نمونه روایت قاب دار در ادبیات جهان است، از ایران پیش از اسلام (هزار افسان) ریشه گرفته و طی قرون با قصه های هندی، عربی و مصری درآمیخته. مشهورترین داستان ها (علاءالدین، علی بابا، سندباد) در نسخه های متأخر افزوده شدند. هزار و یک شب در غرب به پدیده ای ادبی بدل شد و نویسندگان بسیاری را تحت تأثیر قرار داد. اهمیت آن فراتر از قصه ها و در تصویری است که از ذهنیت، اخلاق و تخیل خاورمیانه قرون وسطی ارائه میدهد.

- کمدی الهی (The Divine Comedy): دانته آلیگیری؛ ۱۳۰۸ تا ۱۳۲۱ م؛ بزرگترین منظومه قرون وسطی که در سه بخش دوزخ، برزخ و بهشت سروده شده. دانته در ۳۳ سالگی، خود را گم شده در «جنگل تاریک» گناه میابد و ویرژیل، راهنمای او در دوزخ و برزخ و بئاتریس در بهشت میشود. سفر از دل زمین (دوزخ قیف مانند) تا عرش الهی، همزمان سفری تاریخی، فلسفی و سیاسی است. نوآوری بزرگ دانته، سرودن اثری الهیاتی به زبان ایتالیایی عامیانه (نه لاتین) بود که پایه زبان ادبی ایتالیا را بنا نهاد. تصاویر ماندگار دوزخ، از جمله «رها کنید هر امید را»، این اثر را به دایرةالمعارفی از جهان بینی قرون وسطی بدل کرده است.

- بینوایان (Les Misérables): ویکتور هوگو؛ ۱۸۶۲ م؛ از بزرگترین رمان های قرن ۱۹ که حماسه ای است از رنج، رستگاری و انقلاب. داستان ژان والژان، مردی که پس از نوزده سال زندان برای دزدیدن یک قرص نان، با گذرنامه زرد از همه جا رانده میشود، تا آنکه مهربانی اسقف میریل مسیر زندگی اش را تغییر میدهد. او با هویتی تازه، شهردار و نیکوکاری بزرگ میشود، اما بازرس ژاور، مأمور قانون مدار بی رحم، سایه وار تعقیبش میکند. هوگو به موازات این تعقیب و گریز، به ژرفای نکبت های اجتماعی (فقر فانتین، کودک آزاری کوزت توسط تنادریه ها، شورش دانشجویان در سنگر ۱۸۳۲ پاریس) میرود. این رمان نه فقط یک داستان، که یک رساله اجتماعی، سیاسی و فلسفی درباره عدالت، قانون و عشق است.

- جنگ و صلح (War and Peace): لئو تولستوی؛ ۱۸۶۹ م؛ حماسه ملی روسیه و یکی از گسترده ترین رمان های تاریخ ادبیات که در تقاطع زندگی پنج خانواده اشرافی در بحبوحه جنگ های ناپلئونی روایت میشود. تولستوی با تلفیق داستان شخصی و رویداد تاریخی، نظریه جبر تاریخی خود را بسط می دهد؛ تاریخ را نه «مردان بزرگ»، که نیروی ناشناخته «توده ها» میسازند. شخصیت های اصلی در جستجوی معنای زندگی اند؛ پیر بزوف در فراماسوئری و اسارت، آندره بالکونسکی در میدان نبرد و مرگ، و ناتاشا روستوا در عشق و مادری. صحنه شکار گرگ، مرگ شاهزاده آندره و تأملات پیر در

اسارت از اوج های ادبیات جهان است. تولستوی خود این اثر را «نه رمان، نه منظومه و نه تاریخ»، که «آنچه نویسنده میخواست و توانست بیان کند» نامیده.

- خوشه های خشم (The Grapes of Wrath): جان اشتاین بک؛ ۱۹۳۹ م؛ رمانی که برنده جایزه پولیتزر شد و از دل گزارش های روزنامه نگارانه اشتاین بک از اردوگاه های کارگران مهاجر در کالیفرنیا الهام گرفته است. داستان خانواده جود را روایت میکند که در پی رکود بزرگ و طوفان های گردوغبار از مزرعه خود در رانده میشوند و در جستجوی کار به کالیفرنیا کوچ میکنند. کتاب با تناوب میان فصل های روایی و فصل های مقاله گونه، مصیبت یک خانواده را به حماسه جمعی صدها هزار آواره گره میزند. جودها به جای بهشت موعود با گرسنگی، استثمار دستمزدها و خشونت پلیس روبرو میشوند. پایان تکان دهنده کتاب، نماد جاودان همبستگی انسانی در برابر شرارت «طمع حرام زاده ها» است.



❖ فصل پنجم: واژگان و اصطلاحات زبان فارسی

ادبیات کهن فارسی سرشار از واژگان و ترکیباتی است که گاهی اوقات در گذر زمان به فراموشی سپرده شده اند یا معنایشان دگرگون شده است. این فصل برای گشودن گره از دشواری درک واژگان تغییر یافته یا فراموش شده یا کم استفاده اما مهم ایجاد شده. در اینجا مجموعه ای هدفمند از واژگان دشوار و پربسامد ادبی، واژگانی با ظاهری فریبنده و معانی پنهان و گنجینه ای از کنایات و امثال را با هدف، توانمندسازی کاربر برای درک دقیق تر و لذت ژرف تر از متون ادبی جمع آورده کرده ایم. رویکرد این فصل، گزینشی، کاربردی و مبتنی بر نیازهای واقعی خوانندگانی است که با شعر و نثر کلاسیک سروکار دارند.

<< قسمت اول: واژگان پرتکرار و برگزیده فارسی

در این بخش، مجموعه ای از واژگان خاص، کم کاربرد، کمتر آشنا یا فریبنده در شعر و نثر فارسی را فهرست کرده ایم. معیار صرفاً «پرتکرار» بودن یک واژه نیست، بلکه «نیازمندی آن به توضیح» برای خواننده امروزی است. بسیاری از این واژگان ممکن است در نگاه نخست آشنا به نظر بیایند، اما در بافت ادبی حامل معنایی متفاوت، ظریف یا کاملاً مهجور باشند. با گردآوری افعال و اسامی خاص، اصطلاحات علمی، دیوانی و عرفانی قدیم، سعی بر آن شده تا خواننده از مراجعه مکرر به لغت نامه های حجیم بی نیاز گردد.

واژه	معنی	واژه	معنی
ابا	سرباز زدن، خودداری کردن، سرکشی، نافرمانی، تکبر	ابتر	بلعقب، بی اولاد، مقطوع النسل، ناقص، دم بریده
ابتلا	دچار شدن به بیماری، آلودگی، آزمودن، آزمایش	ابدال	ج. بدل، نیکان، صالحان، شریفان، مردان خدا
آخه	ترقوه، چنبره گردن	آذار	ماه اول بهار در تقویم رومی
آغوز	شیر ماده نو زائیده، اولین شیری که ماده به نوزادش دهد	آفاق	جهان ها، کرانه ها، دنیا، عالم، گیتی، افق ها
بارگی	مرکب، اسب، اسب، توسن، سمند	باره	اسب، توسن، سمند، برج، قلعه، حصار، دیوار
باسق	بلند، دراز، بلند قد	بام	بامدادان، بامداد، بامگاه، پگاه، سقف
پار	پارسال، سال گذشته، پاره، کهنه، قطعه	پارسا	باتقوا، پاکدامن، پرهیزگار، زاهد، صالح، وارسته، عارف
پاس	بار، دفعه، نوبت، محافظت، نگاهبانی، احترام، مراعات	پالهنک	ریسمان و بند، یوغ، افسار، مهار، کمند
تنگ	باریک، کوچک، تنگه، دره، محدود، بی فاصله، چسبیده	تُنگ	کم پشت، کم حجم، اندک، پراکنده، نازک، لطیف
تُنگ	آبخوری، شیشه، صراحی، کوزه	تازی	عرب، عربی
ثقبه	رخنه، سوراخ، منفذ	ثمین	ارزشمند، پربها، قیمتی، گرانبها، نفیس
ثنا	تمجید، حمد، ستایش، مدح، دعا، ذکر	ثواب	احسان، کار نیک، نیکی، اجر، پاداش، مزد
جرگه	جمعیت، حلقه، زمره، گروه، مجمع، محفل	جرئت	بی باکی، جسارت، دلیری، شهامت
جلباب	حائل، غشا، پوشش، حجاب، جامه، چادر زنان	جلوس	نشستن بر تخت سلطنت، قعود، نشستن
جوشن	جبه، زره، خفتان	جولاهه	بافنده، جولاه، نساج، عنکبوت
چینه	حصار و دیواره گلی، دیوار گلی، طبقه، قشر، لایه	حاجب	پرده دار، دربان، حجاب، حایل
حادی	حدی خوان، سرودخوان، شتربان، شتران	حاذق	استاد، باتجربه، پخته، چیره دست، زیرک، ماهر
خَلق	پوسیده، ژنده، فرسوده، کهنه، مندرس	خَلق	آفریدن، آفریده، آفرینش، تولید، خلقت، عوام، امت
خُرد	حقیر، صغیر، کوچک، ناچیز، شکسته، له، ریزه	خَلق	اخلاق، خصلت، خو، طبع، طبیعت، مزاج، منش
دُوری	بشقاب، بشقاب بزرگ، بشقاب بزرگ لبه دار	داد	انصاف، عدالت، قسط، نصف، جیغ، عریده، غریو
دستگاه	تجمل، جاه، جلال، مایه، ثروت، سرمایه	دستور	حکم، فرمان، قاعده، قانون، ترتیب، وزیر، برنامه
دَم	بدگویی، قدح، مذمت، نکوهش، سرزنش	ذبح	سر بریدن، بسمل، قربانی، کشتار، کشتن
رامش	موسیقی، نوا، آرامش، آسودگی، فراغت	رامشگر	خنیانگر، رقص، سرودخوان، مطرب، نوازنده
رای زدن	مشاوره، مشورت کردن در کاری	رایت	بیرق، پرچم، درفش، علامت، علم، لوا
زجر	آزار، اذیت، رنج، سختی، شکنجه، عذاب	زخم درای	ضربه ی پُتک، کوبش و نواختن پتک آهنگری

واژه	معنی	واژه	معنی
زلت	خطا، گناه، لغزش	زمام	افسار، دهانه، عنان، لگام، مهار
سبو	آبخوری، سفالینه، کوزه، کوزه بزرگ، جره	سپاه	ارتش، جیش، فوج، قشون، لشکر، هنگ
ستیزه	جدال، جنگ، دشمنی، عناد، مجادله، منازعه، نبرد	سجایا	ج. سجه، خوی ها، خصلت ها، اخلاق نیک
شراع	بادبان، خیمه، سایبان، شامپانه	شرزه	خشمگین، غضبناک، زورمند، قدرتمند، قوی
شلیته	نوعی دامن گشاد و پر چین	شم	بویایی، بوییدن، مشام، بو، رایحه، ادراک، بینش
صبا	باد برین، باد مشرق، نسیم، باد ملایم بهاری؛ پیام آور وصال	صبی	پسر، فرزند، کودک، پسرچه، طفل کوچک
صفیر	آواز، آوا، بانگ، سوت، صوت، فریاد، هتک	صلا	آوا، آواز، بانگ، صدا، صوت، ندا
صلاح	مصلحت، خوبی، خیر، نیکی، آشتی، اهلیت، شایستگی	صلصال	گل خشک، گل خشکیده
ضجه	زاری، زوزه، شیون، غوغا، فریاد، فغان، ناله	ضلال	انحراف، گمراهی
ضمد	مرهم، پماد، بریزه	ضمایم	ج. ضمیمه، وابسته ها، پیوست ها، متعلقات، ملحقات
طرب	خوشی، رامش، سرور، شادمانی، شادی، عشرت، عیش	طرّه	زلف، کاکل، گیسو، کرانه، حاشیه، گوشه، جبهه
طلایه	پیش قراول، جلودار، طلیعه، مقدمه و پیش رو سپاه	طلیعه	ظاهر شدن، پیشرو، پیش قراول، طلایه، آغاز، سپیده
عاجل	چابک، چالاک، زود، سریع، دنیا، اکنون، حال	عارض	چهره، رخ، سیما، صورت، اتفاق، حادثه، شاک، شکوگر
عاریه	عاریت، قرضی، مصنوعی	عاصی	سرکش، عصیانگر، گردنکش، نافرمان، یاغی، گناهکار
غالب	پیروز، چیره، فاتح، غلبه کننده، چیره، مستولی، مسلط	غالیه	ماده ای سیاه و خوشبو مرکب از مشک
غریبه	اجنبی، بیگانه، غیر، نامحرم، هر چیز نو و بدیع	غریو	بانگ، جیغ، خروش، داد و بیداد، زاری، غوغا، نعره، همههمه
فاق	ترک، چاک، شکاف، دشت، هامون، شکاف نوک قلم	فایق	پیروز، چیره، غالب، فاتح، مسلط، برتر، عالی، والا
فتراک	ترک بند، زین، تسمه ای که به زین میبندند	فتنه	آشوب، جنجال، شورش، غائله، بلا، تباهی، فساد
قاب	چارچوب، کادر، سینی، غلاف، محفظه، اندازه، مقدار	قاپوچی	حاجب، دربان، دروازه بان
قاصد	پیک، چاپار، فرستاده، نامه بر، نامه رسان	قبض	فشردگی، اخذ، گرفتن، تصرف، ملالت، رسید، انقباض
کام	آرزو، خواست، مراد، دهان، سقف دهان	کانا	ابله، احمق، زودباور، کودن، نادان، ناقص العقل
کاینات	هستی، سپهر، آفریده ها، پدیده ها، موجودات	کپر	آلونک، کلبه، کومه، خانه ای از نی و حصیر
گزاردن	ادا کردن، به جای آوردن، پرداختن	گراف	سنگین، بیهوده، مبالغه، اغراق آمیز، بسیار، هنگفت
گزند	آزار، آسیب، آفت، بلا، خدشه، صدمه، ضرر	گو	زمین پست، مغاک، گودال، چاله
لجام	افسار، دهنه، زمام، عنان، لگام، مهار	لجه	میانه دریا، پرتگاه، جای عمیق
لطیفه	جوک، شوخی، مزاح، گفتار نغز، نکته باریک، مطلب نیکو	لعل	از سنگ های گرانبها به رنگ سرخ
مألوف	آشنا، خوگرفته، معمول، دمخور، مانوس، همدم	مأمون	ایمن، در امان، امانت دار، امین، مورد اعتماد، معتمد
مباهات	تفاخر، خودبینی، غرور، سرفرازی، فخر کردن، نازیدن	مبدل	بدل شده، تبدیل شده، تغییردهنده، تبدیل کننده
ناورد	آورد، جنگ، رزم، ستیز، نبرد، جولانگاه، رزمگاه	نبازند	توجه نکنند، نپردازند، مشغول و سرگرم نشوند
نخجیر	شکار، صید، بزکوهی	نخوت	افاده، تکبر، خودبزرگ بینی، خودپرستی، خودخواهی، غرور
وجد	ذوق، شغف، شور، شوق، شیفتگی	وخامت	دشواری، ناگواری، سختی، بدفرجامی
ودود	بامحبت، دوستدار، بسیار مهربان	ورطه	پرتگاه، گرداب، لجن زار، مهلکه
هامون	بادیه، بیابان، لم یزرع، وادی، خشکی، جلگه، دشت	هایل	ترسناک، مخوف، موحدش، مهیب، هراس انگیز
هتاک	پرده دری، بی شرمی، بی حیایی، آبرو ریزی	هژا	صدای مهیب، فریاد سهمناک، آواز مهیب و بلند
یال	گردن، بن گردن، زور، قدرت، موی گردن شیر و اسب	یاهوه	اراجیف، بیهوده، پوچ، چرت، حرف مفت، مزخرف، مهمل
یغما	تاراج، چپاول، غارت، غنیمت	یقین	اطمینان، اعتقاد، باور، بی گمان، قطع

<< قسمت دوم: واژگان هم آوا و هم نویس

یکی از رایج ترین دام های زبان در مسیر فهم متون ادبی، وجود واژگانی است که در تلفظ یا نوشتار با یکدیگر مشابهت دارند، اما معانی کاملاً متفاوتی را حمل میکنند. این بخش با دقت وسواس گونه ای، این واژگان فریبنده را بر اساس سه منطق زبانی کاملاً مجزا دسته بندی کرده است تا راه بر هرگونه بدفهمی و خطای در خوانش بسته شود.

- هم آوا: کلمات هم آوا، آوا یا صدا یکسانی دارند و کاملاً شبیه هم تلفظ میشوند، اما ۲ تفاوت عمده با یکدیگر دارند: شیوه نوشتاری آن‌ها با هم فرق دارد و معنای کاملاً متفاوتی از یکدیگر دارند:

نویسه کلمه اول	نویسه کلمه دوم	نمونه در جمله
حیاط (محوط باز خانه)	حیات (زندگی)	پدرم در حیاط خانه درخت بزرگی کاشته است. گیاهان و حیوانات هم مثل انسان‌ها دارای حیات هستند.
خار (تیزی گل‌ها و گیاهان)	خوار (کوچک و حقیر)	این کار او باعث شد پیش دیگران خوار به نظر بیاید. مواظب باش که خار در دست نرود.
خان (رئیس، حکمران)	خوان (سفره، مهمانی)	با ورود خان به مجلس، همه به احترام بلند شدند. خوان کرم او همیشه گسترده است.
خُرد (کم، ناچیز)	خورد (طعام، خوردن خوراکی)	سبزیِ قورمه باید کاملاً خُرد شود. خورد و خوراک اسبان از علوفه سال قبل تامین میشود.
خواستن (طلب کردن، تصمیم داشتن)	خاستن (بلند شدن، پیدا شدن)	همگی از قاضی خواستند که در حکم نهایی تجدید نظر کند. با شنیدن صدای انفجار، من یکهوایی از جا برخاستم.
خویش (خود، اقوام)	خیش (گاو آهن، ابزار شخم زنی)	ما هر سال در نوروز به دیدار خویشان خود میرویم. در قدیم برای شخم زدن زمین، خیش را به گردن گاو میبستند.
زن (بانو، زوجه، همسر)	ظن (شک، گمان، احتمال)	زن همسایه، هر صبح به گل‌های باغچه آب میداد. ظنِ بد بردن به دیگران، آرامش دل را میگیرد.

- هم نویس (غیر هم آوا): کلمات هم نویس، نویسه و املائی یکسانی دارند و کاملاً شبیه هم نوشته میشوند، اما ۲ تفاوت عمده با یکدیگر دارند، شیوه تلفظ آن‌ها با هم فرق دارد و معنای کاملاً متفاوتی از یکدیگر دارند:

کلمه اول	کلمه دوم	نمونه در جمله
پَر (بال، پره)	پُر (انباشته، سرشار، لبریز)	عقاب پَر‌های خود را کامل گشود و خود را به دست باد سپرد. علی لیوان پُر از آب را به یک نفس نوشید.
مُشک (ماده سیاه رنگ و خوشبو)	مَشک (انبان، خیک)	مُشک نافهٔ آهو، عطری گرانبها و کمیاب است. سقا، مَشک را از آب چشمه پر کرد و بر دوش گرفت.
مِلک (ثروت، دارایی، ارض، زمین)	مُلک (سرزمین، قلمرو، پادشاهی)	آن باغ، مِلک شخصی او بود و خود در آن زراعت میکرد. شهريار دادگر، مُلک ایران را از فساد و تباهی پاک ساخت.
مَلک (پری، جبرئیل، فرشته)	مَلِک (پادشاه، خسرو، سلطان)	مریم در خواب مَلکی را دید که بشارت فرزندى را به او میداد. مَلِک فرمان داد تا دروازه‌های شهر به روی سپاه فاتح گشایند.
نِشسته (قرار گرفته، جلوس کرده)	نَشسته (نشسته نشده، ناپاک)	کودک آرام بر روی فرش نِشسته و مشغول نقاشی بود. دست‌های نَشسته، عامل اصلی انتقال بیماری‌ها هستند.

- هم آوا - هم نویس: برخی کلمات نیز وجود دارند که هم تلفظ آنها و هم نوشتار آنها یکسان میباشد، اما معنای آنها بسته به جایگاهی که استفاده میشوند متفاوت میباشد:

کلمه اول	کلمه دوم	نمونه در جمله
بار (توشه، محموله)	بار (دفعه، مرتبه)	اسب‌ها از کشیدن بار سنگین، نای ادامه نداشتند. پس از چند بار مشورت با بزرگان، جواب مثبت داد.
باز (گشاد، گشوده)	باز (پرنده ای شکاری)	پنجره را باز کرد تا هوای تازه بهاری وارد اتاق شود. شکارچی، باز دست آموز را به سوی شکار فرستاد.
برد (تیررس، محدوده)	برد (پیروزی، ظفر، برنده شدن)	دشمن هنوز در برد توپخانه مانده که عقب رفت. یک برد قاطع، روحیه بازیکنان را دوچندان کرد.

چنگ (چنگال، پنجه)	چنگ (از سازهای سیمی)	عقاب طعمه را با چنگ خود از زمین بلند کرد. نوا چنگ در مجلس بزم، فرح بخش روان بود.
دار (خانه، سرا، منزل)	دار (چوبی اعدام و حلق آویز مجرمان)	این دنیا دار فانی و آخرت، دار باقی است. مجرم به پای دار رفت و سزای عملش را دید.
روان (سیال، مایع، جاری)	روان (روح، نفس، جان)	آب زلال چشمه روان بود و در دشت جاری میشد. اندوهی گران، روان او را آزرده و خسته کرده بود.

<< قسمت سوم: کنایات، اصطلاحات و ضرب المثل ها

ادبیات فارسی، پر از عباراتی است که معنای آن ها در ظاهر الفاظشان خلاصه نمیشود و در پس پرده کلمات، مفاهیمی عمیق و ریشه دار نهفته است. در این بخش، ما پرکاربردترین این عبارات را یکجا جمع کرده ایم و به ترتیب الفبایی چیده ایم تا خواننده ای که به دنبال یافتن معنای یک عبارت است، با استفاده از این مجموعه، به پرکاربردترین عبارات کنایی، اصطلاحات و ضرب المثل ها، همراه با مثال هایی از آنها دسترسی داشته باشد.

- آشنایی با کنایه و ضرب المثل:

+ کنایه: به سخنی گفته میشود که معنای دور و معنای نزدیک دارد اما معنای نزدیک آن منظور گوینده نیست و کسی که در سخنان خود کنایه را به کار میبرد، قصد دارد منظور و مقصود خود را به طور غیر مستقیم به مخاطب بفهماند. کنایه معمولاً به صورت یک کلمه یا عبارت کوتاه بیان میشود و برای درک معنای واقعی، باید به معنای باطنی و مفهومی آن توجه کرد.

+ ضرب المثل: جمله ای کوتاه و مشتمل بر حکمت و تجربه است که در میان مردم رایج شده و به عنوان پند و اندرز به کار میرود. این جملات معمولاً از داستان های قدیمی، اتفاقات تاریخی یا مشاهده رفتارهای مردم در طول سال های بسیار زیاد به وجود آمده اند و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده اند. ضرب المثل ها معمولاً دارای ساختاری مستقل هستند و به تنهایی معنا و مفهوم کاملی را ارائه میدهند.

- مثال هایی از کنایه ها و ضرب المثل های فارسی

عبارت و اصطلاح	معنی	کاربرد	مثال
آب از آب تکان نخوردن	هیچ اتفاقی نیفتادن؛ آرامش و سکوت کامل برقرار بودن	وقتی انتظار یک واکنش یا تغییر بزرگ می رود اما اوضاع کاملاً عادی باقی می ماند.	«فکر می کردند با این حرف ها اوضاع به هم می ریزد، ولی آب از آب تکان نخورد.»
اجاقش کور است	فرزنددار نمیشود و تداوم نسل ندارد	برای اشاره به نازایی یا بی فرزندی.	«زن و شوهر با گریه میگفتند که اجاقشان کور است و فرزندی ندارند.»
با یک تیر دو نشان زدن	با انجام یک کار واحد، همزمان به دو سود یا نتیجه رسیدن	برای بیان موقعیتی که در آن، اقدامی همزمان دو نتیجه مطلوب در پی دارد.	«با رفتن به شهر هم خانواده را دیدم، هم تفریح کردم، یک تیر دو نشان.»
پای کسی را به میان کشیدن	درگیر کردن کسی با آوردن نام او در یک بحث یا ماجرا	برای درگیر کردن فردی در موضوعی که نقشی در آن نداشته است.	«من که اصلاً دخالتی نداشتم، چرا پای مرا به ماجرا میکشی؟»
تو رو به خیر و ما رو به سلامت	جدا شدن مسالمت آمیز از یکدیگر با کمترین مشکل و آسیب	هنگامی که بخواهند راه یا کار و برنامه خود را از دیگری جدا کنند میگویند.	«همکاری ما دیگر تمام شده و بهتر است جدا شویم، تو رو به خیر و ما رو به سلامت.»
جای سوزن انداختن نبود	از شدت شلوغی و ازدحام، ذره ای فضای خالی نبودن	برای توصیف مکان هایی که از شلوغی جمعیت، امکان حرکت وجود ندارد.	«سالن کنسرت آنقدر شلوغ و پر بود که جای سوزن انداختن نبود.»

❖ فصل ششم: آیین نگارش و مکاتبات اداری

در دنیای حرفه ای و سازمانی امروز، نگارش درست و موثر، کلید ارتباطات شفاف، تصمیم گیری های آگاهانه و پیشبرد روان امور است. توانایی انتقال دقیق پیام، بیان مستندات و گزارش دهی منظم، نه تنها اعتبار فرد و سازمان را افزایش میدهد، بلکه از بروز سوء تفاهم ها، اتلاف وقت و انحراف مسیر اهداف سازمانی جلوگیری میکند.

<< قسمت اول: کلیات و مبانی آیین نگارش

- نوشتار اداری پیش از هر چیز، وسیله ای ارتباطی در در ارتباطات انسانی و ابزار انتقال مفاهیم است. برای برقراری هر نوع ارتباطی، حضور پنج عنصر الزامی است که این عناصر عبارتند از: منبع (پیام دهنده) - مخاطب (گیرنده پیام) - اصل پیام (محتوای پیام) - وسیله ارتباط - اثر پیام (بازخورد).

+ نگارش اداری: فرآیند هدفمند و سازمان یافته تولید و انتقال اطلاعات، ایده ها و دستورالعمل ها در محیط های سازمانی و رسمی از طریق نوشتار است. این نوع نگارش، بر دقت، وضوح، ایجاز، رسمیت و مستندسازی تأکید دارد.

+ آیین نگارش: به مجموعه ای از قواعد، اصول و فنون نوشتن متون در محیط های سازمانی، دولتی و رسمی گفته میشود. این نوع نگارش، برخلاف نوشته های شخصی یا خلاقانه، هدفی مشخص و اغلب عملی دارد: اطلاع رسانی، درخواست، ابلاغ، گزارش، مستند سازی یا دستور.

+ مکاتبات اداری: کلیه ارتباطات نوشتاری بین افراد، واحدها و سازمان های مختلف که در چارچوب وظایف رسمی و اداری و با هدف برقراری ارتباط میان اشخاص، سازمان ها یا واحدهای مختلف یک سازمان انجام میپذیرد. این مکاتبات میتواند به صورت نامه، بخشنامه، دستورالعمل، گزارش، صورتجلسه، ابلاغیه یا هر قالب نوشتاری استاندارد دیگری ظاهر شود.

+ تفاوت نگارش اداری با نوشتن ساده: در زندگی روزمره، ممکن است یادداشتی برای خود یا پیامی برای دوستان بنویسیم بدون آنکه نگران ساختار، رسمیت یا مستند سازی آن ها باشیم. اما در نگارش اداری، هر واژه، هر جمله و هر قاعده ای اهمیت دارد، زیرا متن تولید شده سندی رسمی و گاه حقوقی است که میتواند مبنای تصمیم، ارزیابی یا حتی پیگیری قانونی قرار گیرد.

+ انواع ارتباط:

انواع ارتباط

سازمانی

با سازمان های
خارجی

با سازمان های داخل

با مردم

فردی

با سازمان محل
خدمت

با جامعه

با خانواده

- تفاوت زبان محاوره، رسمی و اداری: برای درک درست از زبان اداری، لازم است آن را در طیفی از زبان ها قرار دهیم. سه نقطه اصلی این طیف عبارتند از زبان محاوره ای، زبان رسمی و در نهایت زبان اداری.

+ زبان محاوره ای: یا همان زبان روزمره و خودمانی، زبانی است که در گفتگوهای روزانه با دوستان، خانواده و همکاران صمیمی استفاده میشود.

+ زبان رسمی: زبانی عمومی که با به صورت اداری غیر تخصصی نیز شناخته میشود. این زبان که در رسانه ها، سخنرانی های رسمی، مجامع عمومی و برخی نامه های نیمه رسمی به کار میرود، در سطحی بالاتر از زبان محاوره ای قرار دارد ولی چنان رسمی تلقی نمیشود که درک آن برای عموم مردم سخت و دشوار باشد.

+ زبان اداری: زبانی تخصصی تر و مناسب برای سازمان ها و ادارات که در مکاتبات اداری، چه درون سازمانی و چه برون سازمانی، به کار میرود.

با دقت در جمله «بدین وسیله به استحضار میرساند، نامه شماره ۱۲۰/م مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ در تاریخ فوق دریافت گردید.» میتوان دید که از عبارات تخصصی تر و اشاراتی به مستند سازی استفاده شده است که نشاندهنده لحن اداری آن میباشد. * به عنوان مقایسه میان سه زبان گفته شده به جدول زیر دقت کنید که در آن جمله ای با مضمون درخواست ارسال بسته ای در هر سه زبان بیان شده است:

نوع زبان	نمونه	موقعیت
محاوره ای	«این بسته رو بفرست بره برای واحد»	حرف زدن با همکار نزدیک
رسمی	«لطفاً این سند را به واحد مربوطه ارسال کنید»	صحبت در جلسه عمومی
اداری	«خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به ارسال سند، اقدام لازم معمول گردد»	نوشتن نامه به اداره دیگر

! نکته: اشتباه رایج این است که برخی تصور میکنند «هرچه زبان خشک تر و پیچیده تر باشد، اداری تر است». در حالی که زبان اداری خوب، زبانی است دقیق، روشن و بی پیرایه، نه پیچیده و طولی.

- ویژگی های زبان اداری: یک متن اداری استاندارد که در آن از زبان اداری استفاده میشود، باید دارای ویژگی هایی باشد. این ویژگی ها، که شاخص هایی برای سنجش کیفیت یک مکاتبه هستند، در ادامه بررسی خواهند شد.

+ رسمیت: متن اداری هرگز نباید شبیه به گفتگوی روزمره باشد. استفاده از واژه های عامیانه، اختصارات غیراستاندارد یا لحن خودمانی، به متن آسیب می زند.

+ دقت: هر کلمه باید دقیقاً همان معنای مورد نظر را منتقل کند و دو پهلوی مجهول نباشد. لذا باید از به کار بردن واژه های مبهم یا کلی پرهیز کرد.

+ ایجاز: کوتاه نویسی بدون حذف محتوای ضروری. جملات طولانی خواننده را خسته کرده و احتمال خطا را افزایش میدهد.

+ صراحت: متنی که در زبان اداری نوشته میشود، نباید نیاز به تفسیر داشته باشد.

+ بی طرفی: متن اداری جای ابراز احساسات شخصی، تعجب، خشم، شادی یا جانبداری (از هر نوعی) نیست.

+ انسجام و پیوستگی: جملات و پاراگراف ها باید به طور منطقی به هم متصل باشند.

<< قسمت دوم: قواعد ویرایش و نگارش

- ساده نویسی و درست نویسی

+ ساده نویسی: ساده نویسی همانطور که از نامش پیداست، استفاده از واژگان و ساختارهای زبانی میباشد که فهم آن ها برای طیف وسیعی از مخاطبان آسان باشد. همچنین پرهیز از کلمات دشوار، عبارات پیچیده و جملات طولانی و تو در تو نیز در این حالت توصیه میشود.

+ درست نویسی: درست نویسی همان رعایت کامل قواعد املائی، دستوری، نگارشی و کاربرد صحیح واژگان در جای مناسب میباشد.

- فاصله گذاری: فاصله گذاری در نگارش فارسی، برخلاف ظاهر ساده اش، یکی از پیچیده ترین و در عین حال حیاتی ترین قواعد نگارشی است. رعایت فاصله ها در نگارش فارسی، به ویژه برای حروف اضافه و پسوندها و همچنین برخی حروف ربط، بسیار مهم است.

+ فاصله کامل: همان فاصله معمول و طبیعی که میان کلمات میتوان مشاهده کرد. رعایت این فاصله در میان کلمات مستقل در یک جمله باعث حفظ حد استقلال دستوری هر کلمه از نظر معنی و عمل دستوری آن شده و کلمات مستقل، جدا از کلمات دیگر نوشته میشوند.

+ نیم فاصله: که به آن «فاصله مجازی» یا «فاصله نرم» نیز گفته میشود، یکی از نقاط قوت و در عین حال چالش برانگیز نگارش فارسی است. به بیان ساده تر، نیم فاصله، فاصله بین کلماتی است که قابلیت اتصال به کلمه پس از خود را دارند؛ اما به دلیل قواعد نوشتاری به صورت متصل نوشته نمیشوند.

+ بی فاصله: نگذاشتن هر نوع فاصله برای ترکیباتی که جزء پیشین آن ها مختوم به حروف منفصلی است که قابلیت اتصال به جزء پس از خود را دارند. (به عنوان مثال ارزشمند، پرفروش و هوادار). خلاصه هر آنچه در مورد فاصله گذاری گفته شد را میتوان چنین بیان کرد:

بیش از یک فاصله	فاصله	نیم فاصله	
نباید	نباید	در صورت نیاز باید	درون یک کلمه
نباید	باید	نباید	بین دو کلمه

- علائم نگارشی: استفاده صحیح از علائم نگارشی، به سازماندهی متن، درک بهتر منظور نویسنده و جلوگیری از ابهام کمک شایانی می کند.

+ نقطه (.) : نشانه توقف کامل بوده و اغلب در موارد زیر به کار میرود.

پایان جملات خبری و امری: گزارش تهیه شد. - آن آچار را از احمد بگیر و بیاور.

بعد از شماره ردیف، حروف ابجد، حروف فارسی و یا لاتین برای تفکیک عناوین از هم: ۱. ۲. ۳. ۴. - الف. ب. ج. د.

+ ویرگول (،): کاما یا درنگ نما، نشانه مکث کوتاه در جمله است و نشان میدهد که اجزای دو طرف آن با هم پیوند دارند و اغلب در موارد زیر به کار میرود:

میان دو جمله پایه و پیرو: اگر فرار نمی‌کردم، حتما زخمی می‌شدم.

به جای واو عطف مکرر برای کلمات، عبارات و سازه‌های هم پایه: علی، محسن، مهران و مهدی همگی کلاس اولی بودند.

+ نقطه ویرگول (؛): نشانه وقف یا درنگی طولانی تر از ویرگول و کوتاه‌تر از نقطه که در موارد زیر به کار می‌رود:

جدا کردن سازه‌ها یا جمله‌های هم‌پایه دارای ویرگول: محمد، تقی و حسن؛ علی، محمود و حسین را دیدند.

در پایان جمله‌ای که خود کامل است، اما با جمله یا عبارت بعد جمله‌ای کامل‌تر می‌سازد: مسابقه امروز خیلی سخت تر از

دیروز بود؛ آنقدر که از بین شرکت کنندگان فقط ۱۰ نفر تونستن مسابقه رو تموم کنند.

+ دو نقطه (:): به طور کلی نمادی از نقل قول، شرح، توضیح و اعلام است؛ اما کاربرد های دیگری نیز دارد.

پیش از نقل قول مستقیم و وقتی که بخواهیم مطلبی را عیناً از کسی نقل کنیم: نقل است که شیخ می‌گفت: «همت، مقدم

همه اشیاء است».

برای شرح اجزای چیزی یا نمونه‌هایی از یک خانواده: انواع ویرایش عبارتند از: فنی، زبانی - ساختاری، تخصصی - علمی.

+ علامت سؤال (?): گواه این که سؤالی مطرح است و شاید پاسخی در ادامه باشد.

در انتهای جملات پرسشی مستقیم: برای حفظ ارزش زبان فارسی، تاکنون چه اقداماتی صورت گرفته است؟

انتهای جملات تاکیدی پرسشی که در آنها پرسشگر خود پاسخ را می‌داند، اما برای تاکید بیشتر سوال می‌کند: مگر فردا امتحان

نداری؟

+ علامت تعجب (!): بیان تعجب، حیرت، دستور، تاکید، تمسخر و استهزاء و به طور کلی جملاتی که بار و یا فشار عاطفی

دارند. در متون اداری معمولاً با احتیاط و به ندرت استفاده می‌شود.

بیان تعجب و حیرت: چه هوای پاکی! - عجب روزگاری شده!

بیان تحسین همراه با تعجب: موهایی به رنگ شبق داشت! - هنوز مانده تا پدرت را بشناسی!

+ خط فاصله کوتاه (-) / خط تیره: برای جدا کردن جملات معترضه یا توضیحات اضافی.

استفاده به جای اسامی افراد در دیالوگ‌ها برای پرهیز از تکرار: شب خوابم نبرد. - عاشق شده‌ای. - من و عاشقی؟ - گل گفتی.

نشان دادن حد فاصل میان تاریخ و اعداد (فاصله زمانی): در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۵ ساعت کاری فروشگاه از ۹-۱۴ بود.

+ سه نقطه (...): زمانی به کار می‌رود که سخنی ناتمام مانده باشد یا قسمتی از متن حذف شده باشد.

حذف قسمتی از نوشته یا ناتمام گذاشتن سخنی به دلیلی: همیشه می‌خواستم بگم که ...، حتی همین الانشم برام خیلی

سخته که در موردش حرف بزنم.

استفاده به جای واژه «و غیره»: «نشانه گذاری فارسی به کمک علائم مختلفی چون: ویرگول، نقطه، پرانتز و ... صورت می‌گیرد.

+ علامت ممیز (/): علامت ممیز یا خط مایل، مانند خط تیره (خط فاصله) جزو علائم جدا کننده است.

برای جدا کردن عدد روز، ماه و سال در تاریخ‌ها: این نامه در تاریخ ۱۷/۳/۱۳۹۸ به ایشان ابلاغ شد. (۱۷ خرداد ۱۳۹۸)

جدا کردن مصراع‌های شعر: جرمی ندارم بیش از این کز دل هوا دارم تو را / از زعفران روی من رو می‌بگردانی چرا - می‌تراود

مهتاب / می‌تراود مهتاب / می‌درخشد شب‌تاب

+ گیومه («»): یا نشانه نقل قول، برای نشان دادن نقل قول مستقیم و برخی موارد دیگر به کار می‌رود.

برای بیان نقل قول مستقیم: گفت: «قصده داشتیم در این مسابقه با تمام توان خود بازی کنیم.»

اشاره و تاکید بر روی یک عبارت یا واژه: یکی از مهم‌ترین بخش‌های درست‌نویسی، استفاده صحیح از «علائم ویرایشی» است.

+ پرانتز (()): برای آوردن توضیحاتی از قبیل عبارت‌ها یا جمله‌های تکمیل‌کننده یا توضیح‌دهنده، ذکر مثال‌ها، معادل کلمه‌ها و مانند اینها به کار می‌رود.

ذکر معادل یک اصطلاح یا واژه: پرانتز (کمانک) یکی از علائم نگارشی در زبان فارسی است.

بیان شهرت یک فرد و یا نام کامل یا لقب یک شخص یا نام قدیمی یک شهر: شهر بابل (بارفروش) از شهرهای مازندران است.

میرزا محمدتقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) یکی از صدراعظم‌های ایران در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار بود.

+ آکولاد ({ }): که دو ابرو هم نامیده میشود، مانند پرانتز و گیومه از علامت‌های جفت و دربرگیرنده است؛ البته در مواردی نیز ممکن است از این نشانه به صورت تک استفاده شود.

برای نشان دادن اجزای یک دسته یا مجموعه: زمان بر سه قسم است {ماضی، مضارع، آینده}

+ کروشه ([]): حاوی توضیح تکمیلی نقل‌کننده یا راوی در مورد مطلب است که گمان می‌کند بخش الحاقی به فهم بهتر متن کمک می‌کند.

بیان یا افزودن توضیحی توسط راوی و یا نقل‌کننده که در اصل کلام نباشد: او همه را [از نیک و بد، گنهکار و بی‌گناه] به یک چوب راند.

- کاربرد صحیح حروف ربط، حروف اضافه و اعداد: دقت در نگارش جزئیاتی مانند حروف ربط، حروف اضافه و اعداد، ستون فقرات یک مکاتبه اداری استاندارد را تشکیل می‌دهد. کوچک‌ترین خطا در این بخش‌ها می‌تواند منجر به ابهام، سوءتفاهم و حتی پیامدهای حقوقی شود. این قسمت به بررسی کاربرد صحیح این عناصر می‌پردازد تا شفافیت و اعتبار اسناد اداری را تضمین کند.

+ نگارش اعداد (رقم یا حرف؟): انتخاب بین نوشتن عدد با رقم (مانند ۱۴۰۵) یا حرف (مانند هزار و چهارصد و پنج) به بافت و موقعیت متن بستگی دارد.

اعداد رقمی: اعداد به صورت رقم در موقعیت‌هایی همچون تاریخ‌ها - شماره‌های اداری - مواد قانونی - مبالغ مالی - آمار و ارقام ترجیح داده می‌شوند

اعداد حروفی: اعداد به صورت حرفی معمولاً در ابتدای جملات - بیان مبالغ مهم - اعداد کوچک در متن - متون توضیحی و غیرفنی به کار می‌روند.

+ کاربرد صحیح حروف ربط و اضافه:

انواع حروف ربط پرکاربرد در متون اداری

نوع	حروف ربط
عطفی (پیوندی)	و، یا، پس، سپس، آنگاه
شرطی	اگر، چنانچه، هرگاه
سببی (دلیلی)	زیرا، چون، چونکه، از آنجا که

تضادی (مقابله‌ای)	اما، ولی، لیکن، با این حال
تفسیری (توضیحی)	یعنی، به عبارت دیگر
استثنایی	مگر، جز اینکه

+ اشتباهات رایج دیگر در حروف ربط و اضافه:

غلط رایج	صحیح
بخاطر اینکه	به دلیل اینکه
علی رغم اینکه	علی رغم اینکه (با نیم فاصله)
در صورتیکه	در صورتی که (جدا)
به طوری که	به طوری که (با نیم فاصله)
نامه را برای مدیر ارسال کنید	نامه را به مدیر ارسال کنید
بخاطر تأخیر	به دلیل تأخیر یا به خاطر تأخیر

+ پرهیز از اختصارات غیرضروری و غیررسمی: در مکاتبات اداری، اصل بر وضوح و رسمیت است. استفاده از اختصارات باید محدود به موارد استاندارد و از پیش تعریف شده باشد.

اختصارات محاز (با احتیاط):

اختصاراتی که در حوزه تخصصی رایج بوده و در ابتدای متن تعریف شده باشند (مثلاً ق.م.م برای قانون مالیات‌های مستقیم، که باید در اولین استفاده توضیح داده شود).

نام سازمان‌ها پس از ذکر نام کامل در ابتدای مکاتبه، می‌توانند به اختصار ذکر شوند (مثلاً: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (بانک مرکزی)).

<< قسمت سوم: قالب بندی

- حاشیه‌گذاری: حاشیه‌ها، فضاهای خالی در چهار طرف صفحه هستند که متن اصلی را احاطه می‌کنند. این فضاها از فشردن متن و خستگی چشم جلوگیری کرده و به صفحه نظم و خوانایی می‌بخشند.

+ استاندارد رایج برای حاشیه گذاری در مکاتبات اداری:

موقعیت	اندازه پیشنهادی
راست	۳ تا ۴ سانتی‌متر
چپ	۲ تا ۳ سانتی‌متر
بالا	۲ تا ۳ سانتی‌متر
پایین	۲ تا ۳ سانتی‌متر

- اندازه و نوع قلم: انتخاب قلم مناسب تأثیر مستقیمی بر خوانایی و رسمیت متن دارد. در متون اداری، قلم باید خوانا، رسمی و استاندارد باشد.

+ اندازه قلم (font size): اندازه قلم باید متناسب با نوع متن و میزان اهمیت آن انتخاب شود.

+ رنگ قلم (font color): بهتر است از رنگ سیاه استفاده شود. رنگ های آبی، قرمز و ... جنبه رسمی ندارند.

- پاراگراف‌بندی و ترازبندی متن:

+ پاراگراف‌بندی:

اصول پاراگراف‌نویسی در متون اداری:

توضیح	اصل
هر پاراگراف باید یک مفهوم اصلی را منتقل کند	یک ایده در هر پاراگراف
پاراگراف‌ها نه خیلی کوتاه (کمتر از ۲ خط) و نه خیلی بلند (بیش از ۱۰ خط)	طول مناسب
یک خط فاصله خالی بین پاراگراف‌ها	فاصله بین پاراگراف‌ها

+ ترازبندی متن: در نگارش فارسی، متن معمولاً به صورت تراز راست (Right Aligned) تنظیم می‌شود.

کاربرد	نوع تراز
متن اصلی نامه، گزارش، بخشنامه	تراز راست
ستون‌های خبری، برخی گزارش‌های رسمی	هم‌تراز (Justify)
عنوان اصلی، سربرگ	وسط‌چین
در متون فارسی کاربرد ندارد	همان‌تراز چپ

<< قسمت چهارم: سبک و لحن در مکاتبات اداری

انتخاب سبک و لحن مناسب، یکی از مهمترین عوامل در انتقال موثر پیام در محیط‌های اداری است. متون اداری باید ضمن دارا بودن دقت و صراحت، کوتاه، روشن و بی‌طرفانه باشند.

- اصل ایجاز (کوتاه‌نویسی مؤثر): ایجاز به معنای رساندن مطلب با کمترین کلمات ممکن، بدون حذف محتوای ضروری است. این اصل با «کوتاه‌نویسی» تفاوت دارد؛ کوتاه‌نویسی صرفاً به معنای کم کردن تعداد کلمات است.

- اصل شفافیت (وضوح و صراحت): شفافیت به معنای روشن، واضح و بدون ابهام بودن پیام است. مخاطب باید بتواند به راحتی منظور نویسنده را درک کند. یک متن شفاف، نیاز به پرسش‌های بعدی را کاهش می‌دهد و از سوءتفاهم جلوگیری می‌کند.

- اصل بی‌طرفی (عینیت و پرهیز از احساسات): لحن بی‌طرف، احساسی، جانبدارانه یا شخصی نیست. در مکاتبات اداری، بیان نظرات شخصی، قضاوت یا ابراز احساسات معمولاً نامناسب است.

- اصل انسجام (پیوستگی و یکپارچگی): انسجام به معنای پیوستگی منطقی و یکپارچگی در کل متن است. تمام بخش‌های نوشته باید به هم مرتبط باشند و یک جریان فکری واحد را دنبال کنند. متن منسجم، خواننده را از ابتدا تا انتها بدون سردرگمی هدایت می‌کند.

<< قسمت پنجم: مبانی و انواع مکاتبات اداری

مکاتبات اداری، شاه‌رگ حیاتی ارتباطات در سازمان‌ها و نهادها هستند و نقشی کلیدی در پیشبرد وظایف، اطلاع‌رسانی، تصمیم‌گیری و مستندسازی ایفا می‌کنند.

+ اهمیت مکاتبات اداری: مکاتبات اداری صرفاً رد و بدل کردن اطلاعات نیست، بلکه ابزاری حیاتی برای ثبت و بایگانی (مستندسازی)، هماهنگی و ارتباط، رسمیت بخشیدن، تصمیم‌گیری، پیگیری و نظارت، پاسخگویی، استمرار کار و اعتبار سازمانی میباشد.

+ اهداف مکاتبات اداری: اهداف اصلی مکاتبات اداری عبارتند از: اطلاع‌رسانی، درخواست، پاسخگویی، ابلاغ دستورات، ثبت وقایع، هماهنگی، ایجاد رابطه.

- انواع مکاتبات اداری: مکاتبات اداری تنوع زیادی دارند و بر اساس معیارهای مختلفی دسته‌بندی می‌شوند. در این بخش، مهم‌ترین انواع مکاتبات را به طور مختصر معرفی می‌کنیم. در بخش‌های بعدی، برخی از این انواع (نامه اداری و گزارش‌نویسی) به طور مفصل بررسی خواهند شد.

+ بر اساس مخاطب و هدف

نوع مکاتبه	هدف اصلی
نامه اداری	اطلاع‌رسانی، درخواست، ابلاغ، پاسخ
گزارش	مستندسازی، تحلیل، ارائه پیشنهاد
بخشنامه	ابلاغ سیاست و دستور عمومی
دستورالعمل	آموزش نحوه انجام کار
صورتجلسه	مستندسازی مباحث و مصوبات جلسه
ابلاغیه	ابلاغ حکم یا انتصاب
آیین‌نامه	تدوین قواعد الزام‌آور
مصوبه	ابلاغ تصمیم رسمی
استعلام	درخواست اطلاعات یا توضیح
پاسخ به استعلام	ارائه اطلاعات درخواستی
یادداشت اداری	اطلاع‌رسانی سریع یا درخواست مختصر
دعوت‌نامه رسمی	دعوت به جلسه، مراسم یا رویداد
اخطار اداری	تذکر کتبی رسمی در مورد تخلف یا قصور
تقدیرنامه	تشکر و قدردانی از عملکرد

<< قسمت ششم: نامه اداری

- نامه اداری: نامه اداری، نوشته‌ای رسمی است که از طرف یک شخص یا مقام اداری به شخص یا مقام اداری دیگر (درون یا بیرون سازمان) با هدف انتقال اطلاعات، درخواست، ابلاغ دستور یا ثبت وقایع نگاشته می‌شود.

+ اهمیت نامه اداری:

جنبه اهمیت	توضیح
ثبت رسمی (مستندسازی)	به عنوان سند رسمی عمل می‌کند و مبنای پیگیری‌ها و تصمیم‌گیری‌های بعدی است
ارتباطات سازمانی	ستون فقرات ارتباطات بین واحدی و برون‌سازمانی است
نماینده سازمان	لحن، سبک و کیفیت نگارش نامه، نماینده‌ای از اعتبار و حرفه‌ای بودن سازمان است
بایگانی و ارجاع	ایجاد سابقه و امکان دسترسی مجدد به مکاتبات گذشته

- انواع نامه اداری: نامه‌های اداری بر اساس معیارهای مختلفی دسته‌بندی می‌شوند:

+ بر اساس مخاطب به دو نوع داخلی و خارجی تقسیم بندی میشود

+ بر اساس محتوا و هدف به انواع نامه درخواست، نامه ابلاغی، نامه اطلاعیه، نامه استعلام، نامه پاسخ به استعلام، نامه شکایت، نامه تذکر و اخطار، نامه تقدیر و تشکر و نامه دعوت تقسیم بندی میشود.

- اجزا، ارکان و ساختار نامه اداری: یک نامه اداری استاندارد از اجزای زیر تشکیل شده است. این اجزا به دو دسته «ثابت» و «متغیر» تقسیم می‌شوند:

+ اجزای ثابت (در همه نامه‌ها وجود دارند)

جایگاه	جزء
بالای صفحه (معمولاً وسط یا راست)	سربرگ (سرلوحه)
بالای صفحه، سمت راست یا چپ	تاریخ
کنار تاریخ یا زیر آن	شماره نامه
زیر تاریخ، سمت راست	گیرنده (خطاب)
زیر گیرنده، معمولاً پررنگ	موضوع
زیر موضوع	سلام و عبارت آغازین
زیر عبارت آغازین	متن اصلی
زیر متن اصلی	عبارت پایانی
پایین صفحه، سمت چپ	امضا و مهر

+ اجزای متغیر (بر اساس نیاز اضافه می‌شوند)

جایگاه	جزء
زیر موضوع یا داخل متن	پیوست
پایین صفحه، زیر امضا، سمت چپ	رونوشت
پایین صفحه	پانویس

- مراحل نگارش نامه اداری: نگارش یک نامه اداری استاندارد شامل هفت مرحله است:

مرحله	توضیح
۱. تعیین هدف	دقیقاً مشخص کنید که چرا این نامه را می‌نویسید؟ چه پیامی را می‌خواهید منتقل کنید؟ چه نتیجه‌ای را انتظار دارید؟
۲. شناسایی مخاطب	نامه برای چه کسی نوشته می‌شود؟ سطح دانش، سمت شغلی و آشنایی او با موضوع چیست؟ این امر در انتخاب لحن و سطح جزئیات تأثیرگذار است
۳. تعیین نوع و ساختار نامه	بر اساس هدف و مخاطب، نوع نامه (داخلی/خارجی، درخواست/ابلاغ و ...) را مشخص کنید
۴. جمع‌آوری اطلاعات	تمام اطلاعات، داده‌ها، مدارک و مستندات لازم را جمع‌آوری کنید
۵. طرح‌ریزی (پیش‌نویس)	ساختار کلی نامه را مشخص کنید: مقدمه، بدنه اصلی (تقسیم به پاراگراف‌های منطقی)، و نتیجه‌گیری. سپس شروع به نوشتن متن نامه بر اساس طرح‌ریزی کنید
۶. بازبینی و ویرایش	از نظر املائی، دستوری، ساختاری، فرمت و قالب، انسجام و شفافیت بررسی کنید
۷. نهایی‌سازی و امضا	پس از اطمینان از صحت و کامل بودن، نامه را پرینت گرفته، امضا و مهر کرده و برای ثبت و ارسال آماده کنید

+ ساختار کلی نامه اداری (از بالا به پایین)

سربرگ (لوگو و مشخصات سازمان)	
تاریخ: ...	
شماره: ...	
گیرنده: ...	
موضوع: ...	
با سلام و احترام،	
متن اصلی نامه (چند پاراگراف)	
با تشکر و احترام،	
امضا و مهر	
رونوشت: ...	

* مثال یک نامه اداری استاندارد:

سربرگ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

تاریخ: ۲۵/۰۲/۱۴۰۴

شماره: ۲۵/۰۲/۱۴۰۴/م

گیرنده: ریاست محترم سازمان امور مالیاتی

موضوع: درخواست تمدید مهلت ارسال اظهارنامه

متن:

با سلام و احترام

به استحضار می‌رساند، این سازمان به دلیل بروز مشکلات فنی در سامانه‌های الکترونیکی، قادر به ارسال اظهارنامه مالیاتی تا تاریخ مقرر (۲۵/۰۲/۱۴۰۴) نمی‌باشد.

خواهشمند است دستور فرمایید مهلت ارسال اظهارنامه تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ تمدید گردد.

با تشکر و احترام

امضا: مدیرکل امور مالی

مهر: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

رونوشت: معاونت توسعه مدیریت

- ثبت، ضبط و شماره‌گذاری نامه اداری: پس از نگارش و امضای نامه، باید در دبیرخانه (سیستم بایگانی) سازمان ثبت شود.
- + نامه‌های وارده: پس از دریافت، نامه باید توسط واحد مربوطه در دفتر ثبت یا سیستم اتوماسیون اداری ثبت شود.
- + نامه‌های صادره: پس از تکمیل، امضا و تأیید نهایی، نامه به واحد دبیرخانه تحویل داده می‌شود تا در دفتر ثبت نامه‌های صادره یا سیستم اتوماسیون اداری ثبت شود.

<< قسمت هفتم: گزارش نویسی

- گزارش: گزارش، شرحی مکتوب از یافته‌ها، مشاهدات، تحلیل‌ها یا نتایج یک فعالیت، تحقیق، رویداد یا بررسی مشخص است که به منظور اطلاع‌رسانی، تحلیل یا پیشنهاد به مخاطب (معمولاً مدیران یا تصمیم‌گیرندگان) تهیه می‌شود.
- + اهمیت گزارش‌نویسی:

جنبه اهمیت	توضیح
پایه تصمیم‌گیری	اطلاعات دقیق و تحلیل‌شده در گزارش‌ها، مبنای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه مدیران است
ثبت و مستندسازی	وقایع، پیشرفت‌ها و نتایج فعالیت‌ها را به صورت رسمی ثبت و مستند می‌کند
ارزیابی عملکرد	امکان ارزیابی میزان موفقیت یک پروژه، فعالیت یا دوره زمانی را فراهم می‌آورد
شناسایی مشکلات و ارائه راه‌حل	گزارش‌ها می‌توانند به شناسایی موانع، مشکلات و ارائه پیشنهادات برای بهبود کمک کنند
ارتباطات بین‌بخشی	اطلاعات لازم را برای درک وضعیت یک پروژه یا فعالیت به سایر بخش‌ها منتقل می‌کند
ارتباط با مافوق	گزارش، مهم‌ترین ابزار ارتباطی کارکنان با مدیران ارشد است
آموزش و انتقال تجربه	گزارش‌های خوب، منبعی برای آموزش کارکنان جدید و انتقال تجربیات هستند

- انواع گزارش‌های اداری: گزارش‌ها بر اساس معیارهای مختلفی دسته‌بندی می‌شوند:

- + بر اساس زمان تهیه به دو نوع دوره ای و موردی دسته بندی میشوند.
- + بر اساس محتوا و هدف به انواع پیشرفت، تحلیلی، ارزیابی، توجیهی، خبری، نهایی، مالی و حادثه دسته بندی میشوند.
- + بر اساس مخاطب به دو نوع داخلی و خارجی دسته بندی میشوند.
- + بر اساس ساختار به دو نوع فرمی و متنی دسته بندی میشوند.
- ساختار کلی گزارش: یک گزارش اداری استاندارد معمولاً از اجزای زیر تشکیل شده است.
- صفحه عنوان، فهرست مطالب، خلاصه اجرایی، مقدمه، بدنه اصلی، یافته‌ها، تحلیل، نتیجه‌گیری، پیشنهادات، منابع، پیوست‌ها.

- مراحل گزارش نویسی: نگارش یک گزارش مؤثر و استاندارد شامل هفت مرحله است:

۱. تعیین هدف و مخاطب
۲. جمع‌آوری اطلاعات
۳. سازماندهی اطلاعات
۴. تعیین ساختار گزارش
۵. نگارش پیش‌نویس
۶. بازبینی و ویرایش
۷. نهایی‌سازی و ارائه

<< قسمت هشتم: اشتباهات و خطاهای رایج

- خطاهای زبانی: خطاهای زبانی به اشتباهات در سطح کلمات و جملات اشاره دارند که مستقیماً به ساختار و قواعد زبان فارسی مربوط می‌شوند. این خطاها بر خوانایی و اعتبار متن تأثیر می‌گذارند.

+ غلط‌های املایی

❗ راهکار: پس از نوشتن متن، آن را با صدای بلند بخوانید. بسیاری از غلط‌های املایی در خواندن بلند خود را نشان می‌دهند.

+ خطاهای نشانه‌گذاری (ویرایشی)

❗ راهکار: پس از نوشتن متن، علائم نگارشی را جداگانه بررسی کنید و از صحیح بودن جایگاه آنها اطمینان حاصل کنید.

+ خطاهای ساختار جمله

❗ راهکار: هر جمله را به تنهایی بررسی کنید. آیا فاعل و فعل دارد؟ آیا معنای کاملی را منتقل می‌کند؟ آیا می‌توان آن را به

دو جمله کوتاه‌تر تقسیم کرد؟

- خطاهای ساختاری و سبکی: خطاهای ساختاری و سبکی به رعایت نکردن چارچوب، قالب، لحن و اصول سبکی مناسب در مکاتبات اداری اشاره دارند.

+ عدم رعایت سبک رسمی

❗ راهکار: سبک متن را از ابتدا تا انتها حفظ کنید. اگر شروع را رسمی و اداری انتخاب کرده‌اید، تا آخر با همان ادامه دهید.

+ مجهول‌نویسی افراطی: مجهول‌نویسی در زبان اداری گاهی ضروری است، اما استفاده بیش از حد از آن باعث ابهام در فاعل و غیرشخصی شدن متن می‌شود.

❗ راهکار: هر جا که می‌توانید فاعل را مشخص کنید، از جمله معلوم استفاده کنید. زیرا که معمولاً کوتاه‌تر و روشن‌تر است.

+ اشتباه در عنوان و موضوع‌نویسی

❗ راهکار: عنوان باید کوتاه، گویا و هماهنگ با محتوای متن باشد. خطاب مخاطب باید دقیق و محترمانه باشد.

- خطاهای مرتبط با محتوا: خطاهای محتوایی به خودِ پیام و اطلاعات منتقل شده مربوط می‌شوند و اشتباهات در انتخاب و سازماندهی اطلاعات را شامل می‌شوند.

+ تکرارنویسی بی‌مورد

❗ راهکار: پس از نوشتن متن، آن را از نظر حذف کلمات و عبارت‌های تکراری بررسی کنید. هر مطلب را فقط یک بار بنویسید.

+ استفاده از واژگان عامیانه یا نامناسب

❗ راهکار: از واژه‌ها و عبارات رسمی و استاندارد استفاده کنید. کلمات محاوره‌ای و عامیانه در متون اداری جایی ندارند.

+ طولانی‌نویسی (اطناب)

❗ راهکار: پس از نوشتن متن، آن را کوتاه کنید. کلمات و عبارت‌های زائد را حذف کنید. هر جمله را تا حد ممکن کوتاه کنید بدون اینکه به معنا لطمه بزند.

<< قسمت نهم: اصطلاحات و عبارت‌های رایج و مشکل‌زا در نامه‌های اداری

زبان اداری، غالباً شامل مجموعه‌ای از اصطلاحات، عبارات و ساختارهای ثابتی است که برای انتقال مفاهیم خاص در چارچوب‌های رسمی به کار می‌روند. آشنایی با این واژگان و شیوه صحیح استفاده از آن‌ها، به روان شدن نگارش، دقت در بیان و رعایت رسمیت کمک شایانی می‌کند. این بخش به معرفی و بررسی برخی از این اصطلاحات و عبارات رایج و همچنین مواردی که ممکن است باعث ابهام یا خطا شوند، می‌پردازد.

- اصطلاحات و عبارات پرکاربرد اداری

عبارت	کاربرد
به استحضار می‌رساند	اطلاع‌رسانی رسمی از طرف مافوق یا سازمان
مقتضی است اقدام لازم معمول گردد	درخواست اجرا یا قید الزام (اغلب دستوری)
عطف به نامه شماره ...	ارجاع به مکاتبه قبلی برای ایجاد ارتباط و پیوستگی
پیرو نامه شماره ...	مشابه «عطف به»، اما رایج‌تر در نامه‌های اداری
با تجدید احترام	پایان‌بندی رسمی نامه
مراتب به استحضار خواهد رسید	وعده اطلاع‌رسانی به مقام بالاتر
معروض می‌دارد	اطلاع‌رسانی از طرف مرئوس به مافوق (نامه به مافوق بی‌واسطه)
برابر هماهنگی به عمل آمده	بر اساس توافق و هماهنگی قبلی
بدیهی است که	برای بیان امری روشن و واضح
خاطر نشان می‌سازد	تذکر دادن یا یادآوری کردن (رسمی)
الحاقی	اضافه شده به عنوان پیوست یا ضمیمه
متعاقباً	در آینده و پس از این
در راستای	به منظور، در جهت

- عبارات مشکل‌زا و ابهام‌آفرین

نوع خطا	توضیح	مثال نادرست	مثال درست
اصطلاحات دوهپلو	استفاده از کلماتی که بیش از یک معنی دارند و در بافت نامه ممکن است ابهام ایجاد کنند	«موضوع به زودی حل می‌شود.» (چه زمانی؟)	«موضوع تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ حل می‌شود.»
به‌کارگیری اصطلاحات فنی بدون توضیح	اگر مخاطب با آن اصطلاحات آشنایی کامل ندارد، پیام منتقل نخواهد شد	«سیستم ERP نیاز به آپدیت دارد.»	«سیستم یکپارچه برنامه‌ریزی منابع (ERP) نیاز به به‌روزرسانی دارد.»
عبارات مبهم برای اجتناب از پاسخ صریح	استفاده از عبارات کلی برای پنهان کردن عدم اقدام	«موضوع در دست بررسی است.» (بدون زمان مشخص)	«موضوع در دست بررسی است و نتیجه حداکثر تا ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ اعلام می‌شود.»

<< قسمت دهم: نمونه نامه های اداری و رسمی

در ادامه، نمونه هایی متنوع از نامه های اداری با موضوعات و ساختارهای گوناگون ارائه خواهد شد تا به عنوان راهنمایی کاربردی، در نگارش مکاتبات آتی مورد استفاده قرار گیرد.

+ نامه اداری درخواست وام دانشجویی: در کادر زیر، نمونه ای از متن نامه اداری درخواست وام دانشجویی را آورده ایم:

تاریخ	به نام خدا	جناب آقای / سرکار خانم...
شماره		مدیر / سرپرست محترم بخش...
پیوست		موضوع: درخواست وام دانشجویی
		اینجانب... به شماره دانشجویی... ورودی نیمسال اول / دوم سال... در رشته... و مقطع... بدین وسیله تقاضای خود برای دریافت وام دانشجویی... به مبلغ... را اعلام می کنم. خواهشمندم دستور فرمایید تا اقدامات لازم در این زمینه انجام گیرند. پیشاپیش از محبت و مساعدت شما سپاس گزارم.
نام و نام خانوادگی فرستنده		
امضای فرستنده		

+ متن نامه اداری درخواست رفع مشکل: در کادر زیر نمونه ای از متن نامه اداری درخواست رفع مشکل را قرار داده ایم.

تاریخ	به نام خدا	جناب آقای / سرکار خانم...
شماره		رییس / مدیر محترم...
		موضوع: درخواست رفع مشکل...
		با سلام
جمعی از اهالی خیابان... در محله... شهر... استان... از شما تقاضا داریم نسبت به رفع مشکل لوله کشی های این خیابان، دستورات لازم را به شهرداری منطقه ابلاغ فرمایید. از شما تقاضا داریم هرچه سریع تر نسبت به حل این مشکل اقدام نمایید. پیشاپیش از اقدامات آتی شما برای رفع مشکل سپاسگزاریم.		
نام و نام خانوادگی فرستنده / فرستندگان		
امضای فرستنده / فرستندگان		